

۴ هفته ...
مهدی ۲
 شماره سرای
 در منطقه Swiss Cottage



goldenphone
 Digital Communication
020 8434 0561
 www.goldenphone.co.uk
 Tel: 020 8434 0562 - Fax: 020 8434 0563
 1 Olymoc Way, Wembley, Middlesex, HA9 0NP

Issue 12 - Friday 21 September 2007

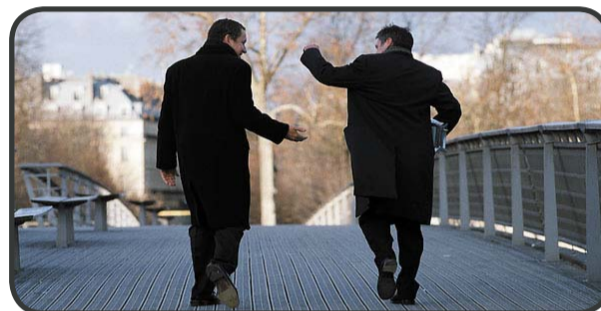
سال اول - شماره دوازدهم جمعه ۳۰ شهریور ماه

Free

**حضور ترانه در
 سریال تلویزیونی
 چارخونه**

**جویدن ناخن
 و یک راه حل
 تازه**

**چراغ کوه
 کوهستان**



دوستانی با روابط ناشایست

صفحه ۳

**۵۵ کیلو
 جیگر
 ابرونی**

صفحه ۱۴

**پس چه باید کرد
 ای اقوام شرق؟**

صفحه ۲۲

**فروغ فرخزاد در
 تاجیکستان**

صفحه ۲۹

**آیا شمال
 کچل
 می شود؟**

صفحه ۱۳

راهنمای

درخواست ویزا

برای خانواده

های خود

صفحه ۱۱

کشف مولکولهای عشق

توسط یک ایرانی
 ادامه در صفحه ۱۰

دانش بیولوژی به ما نشان می دهد که در حقیقت عشق نیز مثل غریزه ی جنسی پدیده ای
 نه تنها فرهنگی، بلکه به نوعی در بیولوژی انسان ثبت شده است.

Signature
 ACCIDENT CLAIMS HELPLINE LTD
0800 047 0940
 5Park Road, West Hendon, London, NW4 3QB

با سپردن کلیه مشکلات خود در امور تصادفات به
 کادر مجرب Signature Claims آسودگی خاطر خود را تضمین نمایید.
 برای اطلاعات بیشتر با آقای محمد عزیزی
 تماس حاصل فرمایید
020 8202 2822 - 07958 192 192

azizi@signatureclaims.co.uk



شما هم اگه خبر مهمی دارید برای ما بفرستید
info@persianweekly.co.uk

سر آغاز



هفته نامه اجتماعی، فرهنگی، هنری
چاپ لندن

سال اول - شماره ۱۲

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: عباس نجفی

هفته نامه پرشین به هیچ گروه و ارگان سیاسی و غیر سیاسی وابسته نمی باشد و صرفاً در جهت اطلاع رسانی صحیح گام بر می دارد

زیر نظر شورای تحریریه

مدیر مالی و بازرگانی: جواد توتونچی

طراح و صفحه آرایی:
عباس نجفی - ع.ریاحی

همکاران این شماره:
دکتر آرا - افسانه چنگو -
قارون - ترانه - بهزاد
مهدی.ق. مانی - رضا ارمیا
گروه Ash - عابد

چاپ:

Web Print UK Ltd.
Unit 20, Bow Industrial Park
Carpenters Road E15 2DZ

تیراژ: ۳۰۰۰ نسخه
امور وب سایت:
Media of Persia
نشانی الکترونیکی:
www.persianweekly.co.uk
نشانی پست الکترونیکی:
info@persianweekly.co.uk

هفته نامه پرشین از نوشته های نویسندگان و خوانندگان استقبال کرده ولی در ویرایش ادبی آنها آزاد است مسئولیت آگهی ها و صحت آنها بعهده صاحبان آن میباشد هفته نامه پرشین در قبول یا رد آگهی ها صاحب اختیار میباشد

Lord Business Centre
2 Floor Unit 20,
665 North Circular Road
London NW2 7AX
020 8453 7350
020 8453 7351

مثل بقیه نیست!

این شماره جدید بهانه ای است تا از همه دوستانی که برای انتشار این شمارهها تلاش کردند تشکر کنم. دوستانی که بدون دریافت هیچگونه چشم داشتی وحق التحریر ۱۲ شماره را پشت سرگرداندند و تنها امیدشان خوانندگانی بودند که زحماتشان را قدر بدانند. مطمئناً این دوستان در شماره های بعدی هم با همین عشق و علاقه به کارشان ادامه خواهند داد. همین عشق و علاقه کافیهست تا همه ما هم در کارمان استمرار داشته باشیم.

نوشتن اولین و آخرین یادداشت همیشه سخت است و تلخ و مبهم. حالا چه اولین یادداشت سال باشد و چه اولین یادداشت یک هفته نامه. حرفهای نگفته مان زیاد است همه آنها را واگذار میکنم به فرصتی که اگر باشد و اگر بشود. اما یک نکته را نمیتوانم ناگفته رها کنیم. در این مدت که نفس نفس میزدیم تا هفته نامه را با هر سختی که هست زنده نگه داریم، بارها بارها شنیدیم که این هفته نامه پرشین مثل بقیه نیست! چرا و به چه علت؟ به شما خوانندگان واگذار می نمایم تا تفاوتها را حس نمایید.

بهرروی در این هفته نامه بنا داشتیم تا بگوییم ما خودمان هستیم. ما ایرانی هستیم با الگوهای خودمان. میخواستیم هویتی را یادآوری کنیم که گاهی از آن غافلیم بی آن که بخواهیم و بدانیم. هویتی که ملیت و مذهب را میتوان با آن تعریف کرد.

هفته نامه ما با یک شعار همراه است ما قرار است با مهرورزی تلاش و کوشش به رونق بازار فرهنگ و هنر ببیندیشیم. همین تفکر باعث شده است که ما براهمان ادامه می دهیم راهی سخت و بسی دشوار.

۱۲ همیشه عدد تکامل بوده است و حالا دوازدهمین شماره پرشین در دستان شماست. این کارنامه زحمات ماست. زحمات دوستانی است که نه بخاطر پول و نه بخاطر اهداف سیاسی بلکه بخاطر عشق بیحدشان به فرهنگ و افتخارات سرزمین آبا اجدادیشان است که این رنجها و زحمات را تحمل می نمایند تا بتوانند به حداقل وظیفه شان در قبال حفظ این هویت آباء و اجدادیشان انجام وظیفه نمایند.

عباس نجفی

فال حافظ این هفته

ای صباگر بگذری بر ساحل رود ارس
بوسه زن بر خاک آن وادی و مشکین کن نفس
منزل سلمی که بادش هر دم از ما صد سلام
پر صدای ساریبانان بینی و بانک جرس



منتظر کسی هستی که خیلی از تو دور است، معلوم نیست که او نیز مشتاق وصال و دیدار تو باشد یا خیر، با اینحال صبر داشته باش و بیتابی نکن. عاشقی یعنی ایثار و انتظار و گر نه این همه درد و عذاب معنی نداشت البته و صد البته که لطف زندگی در انتظار بودن و هجران کشیدن است



در تصاویر حکاکی شده بر سنگهای تخت جمشید هیچکس عصبانی نیست. هیچکس سوار بر اسب نیست. هیچکس را در حال تعظیم نمی بینید. هیچکس سرافکنده و شکست خورده نیست هیچ قومی بر قوم دیگر برتر نیست و هیچ تصویر خشنی در آن وجود ندارد. از افتخارهای ایرانیان این است که هیچگاه برده داری در ایران مرسوم نبوده است در بین صدها پیکره تراشیده شده بر سنگهای تخت جمشید حتی یک تصویر برهنه و عریان وجود ندارد. بخاطر بسپاریم که از چه نژادی هستیم و دارای چه اصالتی می باشیم.



شعری از احمد رضا احمدی

در کمین اندوه هستم
بانو
مرا دریاب
به خانه بپر
گلی را فراموش کرده ام
که بر چهره امی تابید
زخم های من دهان گشوده اند
همه ی روزگار پر از ام
اندوه بود
بانو مرا
قطره قطره دریاب
در این خانه
جای سخن نیست
زیا بستم
عمری گذشت
مرا از این خانه
به باغ بپر
سرنوشت من
به بدگمانی
به خوناب دل
خاموشی لب
اشک های من بسته
بر صورت من است

هیچکس یورش دل را
در خانه ندید
بانو
من به خانه آمدم
و دیدم
که عشق چگونه
فرو می ریزد
و قلب در اوج
رها می شود
و بر کف باغچه می ریزد
بانو مرا دریاب
ما شب چراغ نبودیم
ما در شب باختیم

اشتراک هفته نامه

علاقتمندان به اشتراک و دریافت هفته نامه پرسشنامه زیر را تکمیل نموده و برای ما ارسال نمایند

نام:

نام خانوادگی:

آدرس:

آدرس اینترنتی:

کدپستی:

تلفن:

موبایل:

مدت اشتراک: سه ماه ۲۴£ ششماه ۴۲£ یکسال ۶۰£

لطفا فرم را به دفتر هفته نامه ارسال نمایید و به تمامی سوالات دقیق پاسخ دهید
Lord Business Centre, 2 Floor Unit 20,
665 North Circular Road, London NW2 7AX
Barclays Bank A/N: 40948519 S/C:20-29-41

با تشکر
از تمامی
دوستانی که
ما را در توزیع
این هفته نامه
یاری می کنند،
بدینوسیله
لیست مراکز
توزیع هفته نامه
پرشین را برای
شما خوانندگان
عزیز اعلام
می کنیم.

Super DeJla
Turkish Super
Market, Way to say
Turkish Super
|Market, TFC
Turkish Super
Market, CODI
Turkish Super
Market, ELING
و شهرستانهای:
Birmingham
Glasgow
Leeds
Liverpool
Manchester
New Castle
Nottingham
Southampton
Brighton

سوپر سهند
سوپر دنا
سوپر علوان
سوپر فردوس
سوپر فردیس
فرهنگسرا
قنادی عسل ۱
قنادی عسل ۲
سوپر کسری
سوپر مازندران
سوپر منصور
سوپر مسعود
سوپر هرمز
رستوران ایلینگ کباب
رستوران مهدی
رستوران آریانا
رستوران بهشت
رستوران شهرزاد

جامعه ایرانیان
کانون ایرانیان
سوپر آران
سوپر انزلی
سوپر بازارچه ایرانی
سوپر پرشیا
سوپر بیژن
سوپر بهار
سوپر تهران
سوپر تخت جمشید
سوپر جردن
سوپر خزر
سوپر رضا
سوپر زمان
سوپر زمزم
سوپر ساوالان
سوپر سارا
سوپر سپید
سوپر سیب



reports@persianweekly.co.uk



دوستانی با رفتار ناشایست

دوست غیر قابل اتکا کمتر پیش می آید که او در کاری تشریک مساعی کند، به خصوص هنگامی که پای شما در میان باشد. دوستی هم میتواند به اندازه یک رابطه عاشقانه پر فراز و نشیب باشد. مشکلاتی که در یک رابطه دوستانه رخ میدهند کم نیستند، اما ما در اینجا تنها به چند مورد از معمولترین آنها پرداخته ایم:

هنگامی که اتفاقی بسیار عالی برایتان رخ میدهد یا نیاز به همدی برای درد دل کردن دارید، به سراغ چه کسی میروید؟ به جرات میتوان گفت که این شخص در اکثر موارد دوست صمیمی شماست نه همسرتان. اما در این میان مشکلی هم وجود دارد، شما هر چقدر هم دوستان را دوست بدارید، اما باز هم از دست آنها میرنجید، خشمگین میشوید و حتی آزار میبینید.

پس با دوستی که دیوانه تان میکند و با رابطه دوستانه ای که به سردی گراییده باید چه کرد؟

دوست غیر قابل اتکا

رابطه چگونه است؟ کمتر پیش می آید که او در کاری تشریک مساعی کند، به خصوص هنگامی که پای شما در میان باشد. او در پاسخ به تماسهای شما، تلفن نمیزند، بعضی اوقات بر سر قرار حاضر نمیشود و هر چند وقت یکبار به مدت طولانی ناپدید میشود. شما بسیار به او علاقه دارید، اما دوست داشتید که او قدری قابل اتکا تر باشد. چه باید کرد؟ اگر دوستان با همه همین رفتار را دارد، پس تنها راه حفظ دوستی، اتکا نداشتن به او است. بپذیرید که او برای به انجام رساندن امور ساخته نشده است و باید در فرصتهای پیش آمده تنها از بودن با او لذت ببرید.

اما، اگر شما تنها کسی هستید که شاهد این رفتار او هستید، چنین به نظر میرسد که او برای این دوستی ارزش چندانی قائل نیست. بهتر است به این نکته فکر کنید که آیا حفظ دوستی او، ارزش این همه وقت و انرژی را دارد یا خیر.

دوست محتاج

رابطه چگونه است؟ او هر روز برای گزارشی جدید از اوضاع زندگی آشفته خود با شما تماس میگیرد. ممکن است این حالت موقتی باشد - یک شکست عشقی او را برای مدتی آسیب پذیر کرده باشد - اما اگر او این عادت را حفظ کند، این حالت موقتی میتواند به امری دائمی تبدیل شود و شما در نهایت متوجه میشوید حمایت و همدلی در دوستی، برای شما به یک مسیر یک طرفه تبدیل شده است.

چه باید کرد؟ برای خود محدوده ای قائل شوید. اینکه بخواهید خارج از حد توانایی خود مایه بگذارید به ضررتان خواهد بود و از طرفی، این دوست هم به شما وابسته خواهد شد و این به ضرر وی خواهد بود. پس، اگر او در زمانی نامناسب به شما تلفن کرد، به جای اینکه با اعصابی ناراحت و احساس ناتوانی به حرفهای تکراری اش گوش دهید، او را متوجه نامناسب بودن موقعیت کنید. اگر در طول شام تمام

صحبت درباره مشکلات این شخص بوده، موضوع را تغییر دهید و درباره خودتان صحبت کنید. نیازهای خود را بیان کرده و هنگام بروز مشکلات، او را به حمایت از خود دعوت کنید.

دوست رقابتی

رابطه چگونه است؟ او عاشق رقابت است - و معمولاً پیروز میشود. اگر شما در حال وزن کم کردن باشید، او بیشتر از شما کم میکند. اگر شغل خوبی پیدا کرده باشید، او هم به فکر تغییر شغل می افتد. اگر رابطه عاشقانه ای را شروع یا به آن خاتمه دهید، او نیز در امور عاشقانه زندگی خود تجدید نظر میکند. شما احساس میکنید که نمیتوانید کاری را انجام دهید که او، بهتر از شما آنرا به انجام نرساند. چه باید کرد؟ باید درک کنید که او این کارها را به دلیل عدم اعتماد به نفس و تزلزل شخصیت خود انجام میدهد و اینکه تعقیب رد پای شما، هرگز برایش رضایت خاطر به همراه نخواهد داشت. سپس خود را از این رقابت خارج کنید. شما باید خواسته های خود را هدف گرفته و از هر لحظه زندگی خود لذت ببرید. اینکه او بدون هیچ هدفی، به رقابت ادامه میدهد، مشکل شما نیست.

دوست بی عیب و نقص

رابطه چگونه است؟ این دوست عالی است - شاید کمی بیش از حد عالی است. او زیبا و باهوش و در کار خود موفق است و جنس مخالف را به سادگی جذب میکند. شما در مقابل این همه موفقیت دوستان احساس درماندگی میکنید و این غیبه خوردن، هر دیدار با او را به کاری زجرآور مبدل میکند.

چه باید کرد؟ فراموش نکنید که احساسات شما، مشکل خودتان و نتیجه احساس نا امنی شما هستند. البته اگر این دوست تنها به این دلیل با شما وقت گذرانی میکند که "خودش" بهتر به نظر بیاید، واضح است که باید در انتخاب دوستان خود تجدیدنظر کنید. اما اگر او دوست واقعی شماست، شما هم دوست واقعی او باشید و سعی کنید به جای کوچک شمردن موفقیتها، او، برایش خوشحال باشید. در ضمن، بر روی اعتماد به نفس خود هم کار کنید و بدانید که هرچه نسبت به خود احساس بهتری داشته باشید، در رابطه دوستی نیز صمیمانه تر رفتار خواهید کرد.

دوست عاشق پیشه

رابطه چگونه است؟ او عاشق جلب توجه جنس مخالف است و مشکل

اینجاست که گاهی همسر یا نامزد شما هم هدف این عشوه گریها قرار میگیرد. شاید او منظور بدی نداشته باشد و تنها دلیل این رفتار او عدم اعتماد به جذابیت خود و یا عادت به جلب نظر است. چه باید کرد؟ عصبانی نشوید اما حتماً به او تذکر دهید و بگویید که پایش را از گلیم خود درازتر نکنند. اگر همچنان به این رفتار ادامه داد، رابطه خود را با او محدود به دوره های زنانه کنید، اگر نامزدتان نسبت به این وضعیت اعتراض کرد، شاید زمان آن رسیده باشد که در این رابطه هم تجدید نظر کنید.

دوست سلطه جو

رابطه چگونه است؟ در یک کلام، او میخواهد هر چیز آنطور که خودش میخواهد انجام شود. و شاید شما در اولین ملاقات چندان از این خصیصه بدتان نیامده باشد و این حالت اعتماد به نفس شدید، وقت گذرانی با او را بسیار جالب میکرده است. اما ممکن است که به مرور زمان او بیش از پیش سلطه جو شده و یا شما اعتماد به نفس بیشتری پیدا کرده اید. حالا حس میکنید که این شخص به قدری خودسر است که حفظ یک دوستی متعادل با او بسیار مشکل است.

چه باید کرد؟ سعی کنید در مقابلش بایستید. اگر متوجه نشد که حالت رئیس مآبانه اش برخوردار است، نمیتوان از او توقع تغییر یافتن داشت. پس دفعه دیگر که او از طرف خود برای جمع تصمیم گرفت و انتظار داشت شما هم از این تصمیم پیروی کنید، نظر خود را اعلام کنید. اگر شروع به بحث و جدل کرد، شما هم با آرامش دلایل خود را بگویید، اگر او به مشاجره ادامه دادف آنچه را که "خودتان" میخواهید انجام دهید و از او هم برای همراهی دعوت کنید.

**هفته نامه پرشین از همکاری
تعداد محدودی دانشجوی
داوطلب استقبال می کند**

طراحی وب سایت به زبانهای فارسی، انگلیسی و پشتون

ثبت فضای اینترنتی - طراحی فروشگاه آنلاین

020 8453 7350 - 077 3311 3137



reports@persianweekly.co.uk



چند خط مبهم و نامفهوم، این همه آن چیزی است که میشود از یک امضا فهمید، اما این خطوط نامفهوم و مبهم معنایی به اندازه هویت آدمها ندارند.

اعتبار آدمها شاید بیشتر از آن که با هویت واقعیشان سنجیده شود، با امضایشان سنجیده میشود؛ «امضای فلانی پای ورقه است»، یعنی این که این کار باید بشود و اگر نشود، یعنی این امضا و صاحب آن هیچ ارزش و اعتباری ندارد.

امضا شاید استعاره‌ای باشد از شتاب عصر ماشینیسم، از دورانی که تنها چند خط کج و معوج میتواند اعتبار آدمها باشد، از دورانی که مهمتر از اصل هر چیز امضائی است که پای آن باشد. هنر، تجارت، دیپلماسی و حتی حریم عشقورزی با امضا اعتبار پیدا میکنند.

حالا در عصر تفریح و فراموشی، به قول نیل پستمین: در عصر لاس و کاس و شادی مجازی، حتی پول هم ارزش و اعتبار خود را از دست داده است، اگر در روزگار روم باستان، بردگان پول تنها برای سکه‌های افسونگر طلا برپای قیصر میافتادند، حالا در این عصر، آدمها جان خودشان را برای گرفتن امضا به پای قیصرهای دروغین فوتبال و سینما فدا میکنند.

اگر امضا در دنیای تجارت و پول به معنای اعتبار مادی است و امضای زیر یک چک کاغذی یعنی اعتبار چند صد میلیونی، امضا در دنیای هنر نیز یعنی اعتبار و هویت بخشیدن به اثر

این هویت خطی، در عصر بی‌هویتی آدمها

امضا در عصر دود و سرعت و بی‌هویتی انسان، چیزی است مثل هویت آدمها، مثل تمام آن چیزهای دیگری که هویت شبه واقعی آدمهای بی‌هویت این قرن را شکل میدهند، مثل تیپ و قیافه یا اسم فرد، گروه خونی، رنگ چشم و حتی اثر انگشت آدمیزاد.

گاهی این هویت کاذب حتی از هویت واقعی آدمها هم جلو میزند، مثل همان زمانی که در گیشه بانک امضایت را میشناسند، اما توئی را که صاحب این هویت کاذبی نمیشناسند، یا وقتی برای اثبات بودنت باید پشت برکه چک را درست مثل نمونه امضایت امضا کنی و گرنه تو، خودت نیستی، یا وقتی برای عکس بزرگ امضایت بر روی صفحه مانیتور کارمند خسته‌ای نقش بسته که آن طرف گیشه نشسته است.

بر روی برکه کاغذ میشینند خود هویتی میشود جدا از تو و از آن وقت است که تو از او هویت مییابی.

سایه دیو بر خانه هنر اگر امضا در دنیای تجارت و پول به معنای اعتبار مادی است و امضای زیر یک چک کاغذی یعنی اعتبار چند صد میلیونی، امضا در دنیای هنر نیز یعنی اعتبار و هویت بخشیدن به اثر. امضا در عالم هنر یعنی این که پشت این اثر، سایه هنرمندی بزرگ است که حالا دارد سر قفلی اسمش را میگیرد.

در جهان هزار رنگ هنر، هر یک از هنرمندان قالب و سبکی منحصر به فرد برای امضا دارند، برخی سینماگران برای امضای آثارشان چند لحظه جلوی دوربین میایستند، یا از جلوی آن رد میشوند، یا حتی خیره خیره - مثل مردم کوچه و بازار - به دوربین چشم میدورزند و این یعنی امضای سینمائی. این امضائی است که نخستین بار هیچکاک بزرگ در آثار سینمائی سراسر وحشتش به کار برد.

در دنیای معماری، آرشیتکتها در قسمتی از اثر، نام خودشان را حک میکنند و این یعنی امضای کار، یعنی اعتباری برای این اثر هنری و حجمی.

مهر سفالگران بر گل سفال، همان امضای اعتبار آور هنری است، نقاشان و خوشنویسان واضعتر از هنرمندان دیگر امضا میکنند و هیچ تکلفی در آن به کار نمیبرند، درست مثل آدمهای معمولی: با کشیدن چند خط بر صفحه‌ای و نوشتن نام خودشان به‌علاوه تاریخ پایان کار.

امضای شعرا همان تخلصی است که در آخرین بیت شعرشان می‌آید؛ یعنی این منم که چنین شعری را گفته‌ام. موسیقیدانان و خوانندگان که تا چندی پیش از موهبت عظیم امضا کردن کارهایشان محروم بودند، حالا در آشفته بازار فروش سی‌دی‌ها و نوارهای پراکنده، امضایشان را کنار عکس روی جلد میداندازند.

امضا در عرصه هنر، یعنی اعتباری دائمی برای قدیمها در مقابل آنها که تازه می‌خواهند وارد گود شوند، یعنی له کردن خلاقیت و نوآوری تازه‌واردها، چون در اثر آنها امضائی مشهور نیست.

از این امضاها مهمتر، امضاهاست که هنرمندان مشهورتر، یعنی بازیگران و چهره‌های سینمائی و تلویزیونی، برای طرفداران و عاشقان امضایشان میدهند، آنها که بزرگترین عشقشان در زندگی این است که به محض دیدن آدم مشهوری دنبالش بدون و با اصرار امضا بخواهند، آدمهای ساده‌ای که اعتبار خودشان را با اعتبار صاحبان امضا پیوند می‌زنند تا بگویند از فلانی و فلانی و... امضا گرفته‌ام.

این امضا نان دارد

شاید خنده دار باشد، اما آدمهایی هستند که از امضا نان می‌خورند،

آدمهایی که اگر امضا کردن را بلد نبوده‌اند شاید از گرسنگی می‌میردند یا حداقل گوشه‌ای از کارشان اصطلاحاً میلنگید.

جاعلان حرفه‌ای، اولین گروه



آدمهایی هستند که امضا کردن برای آنها از نان شب هم واجبتر است، آنها آدمهای زیرک و فداکاری هستند که برای

به زحمت نیفتادن دیگران به جای آنها امضا میکنند، خب البته دستمزد نسبتاً خوبی هم میگیرند!

این گروه از آدمها با جعل امضا هر کاری میتوانند بکنند، از به دست آوردن پولهای هنگفت با جعل امضا بر چکهای بانکی، دادن دستور آزادی دوست و رفقا از زندان، گرفتن موافقت برای انجام پروژه‌های مختلف، توصیه برای انجام یک کار یا حتی قالب کردن یک اثر بدلی به جای اصلی

و...

طراحان امضا - اگر چه نه در ایران - هم از آن دست آدمهایی هستند که از راه امضا نان می‌خورند، آنها معمولاً گرافیستهای ماهری‌اند که برای آدمهای خیلی مهم یا عجیب و غریبی طراحی میکنند که دلشان می‌خواهد امضائی از نوع خیلی هنری و با شخصیت داشته باشند، البته فرق این طراحان با آنهایی که در کار جعل امضا هستند این است که اینها خودشان ایده امضا را میدهند و امضای یک بنده خدای دیگر را کپی نمیکنند.

خیلی از رؤسا هم هستند - این بار در ایران - به صورت غیرمستقیم و

آن طور که زیاد توی ذوق نزند، از امضا کردن نان می‌خورند، رؤسائی از جنس ماشین امضا که امروز در خیلی از ادارات دولتی میشود آنها را دید، رؤسائی که از بخت و اقبال خوش توانسته‌اند بر این تخت ریاست تکیه بزنند و به جای آن که در کارها ایده‌ای نو ارائه دهند هی پشت سر هم فقط فاکتورهای خرید و هزینه‌ها را امضا میکنند. این آدمها معمولاً برای آن که چنین کار سنگینی را هم انجام ندهند، آدمهایی را در جیب دارند که تنها خوشحالیشان این است که حق دارند در غیاب جناب رئیس «از طرف» ایشان امضا کنند و کلی حال کنند که جای رئیس نشسته‌اند، «ماشین امضاها موقتی»...

این امضای فکر تو است پشت دنیای ساده امضا، دنیائی از ناگفته‌های انسانها نهفته است. این چند خط که گاهی هم از سر بی‌حوصلگی بر صفحه کاغذ نقش می‌بندند، اطلاعاتی زیاد درباره درون آدمها میتوانند بدهند.

خطوط خشن، محکم و زاویه‌دار یعنی این که ارباب این امضا آدمی عصبی و خشن است، خطوط نرم، منحنی و کم‌عمق یعنی این که یک آدم آرام و با حوصله این امضا را بر صفحه کاغذ نقش انداخته است، خطوط پراکنده و بی‌هدف، یعنی سرگشتگی و بی‌هدفی، و خطوط منظم و متقارن یعنی نظم و انضباط.

امضای آدمها حتی میتواند خصوصیت لحظه‌ای و شرایط آدمها در زمان امضا را هم نشان دهد، امضاها ی بدخط و بی‌دقت نشانه‌دهنده آنند که صاحبشان در زمان امضا روحیه‌ای پراسترس و ناآرام داشته است، و بالعکس امضای واضح بیانگر آن است که فرد، در آن زمان آرام به میزش تکیه زده بوده است.

امضایت را عشق است! امضا اگر چه بیشتر با دنیای سریع و تند ماشینی و پولپرست قرابت و نزدیکی دارد، اما با دنیای زیبای عشق و معرفت هم خیلی بیگانه نیست، آدمها برای بیان عشق و علاقه‌شان به دیگران خیلی وقتها برایشان امضا میکنند.

«با خون امضا کردن» در فرهنگ عاشقانه یعنی ارادت کامل و علاقه به یک شخص، یعنی این که تا پای جان همپایش می‌ایستی. امضای پشت اوراق دیگران، یعنی این که آنقدر برایت اعتبار دارند که حاضری برایشان سیبل گرو بگذاری و امضا دادن و امضا گرفتن از دیگران یعنی این که دوستشان داری و دوستت دارند.

قیمت امضاها در بازار آزاد هر امضائی یک قیمتی دارد، از امضاها پشت سرهم بی‌هدف آدمها روی یک صفحه کاغذ برای رهائی از بی‌حوصلگی که هزارتایش هم یک تومان نمایارزد تا امضاهاست که پای قراردادهای چند میلیون دلاری میشینند، امضاهاست آنقدر مهم که در جعبه جادو و روزنامه‌ها خبر آن را پخش میکنند و گاهی هم درست همان لحظه انجامش را نشان میدهند.

برخی از امضاها هم با قیمت‌های بالا به فروش میرود، هیچ کس نمیداند اگر کسی امضای واقعی آدمهای بزرگ جهان هنر، ورزش یا سیاست مثل پیکاسو، رونالدو، یا بانو تاجر را داشته باشد، چه قدر برایش قیمت می‌گذارند.

از آن‌ور آبها که بگذریم، در کشور خودمان هم آدمهایی هستند که حاضرند برای امضای دیگران میلیونها تومان پول بدهند، شاید هنوز زمان زیادی نگذشته که یکی از هنرمندان سینما، امضای یکی از هنرمندان کشور را به قیمت بالائی برای کمک به مردم زلزله‌زده بم خرید. اگر چه این کار سمبلی از نوع دوستی بود، اما مورد معامله امضای آدمهایی بود که امضایشان میارزید.

امضا حالا در زندگی آدمها یک اعتبار و پشتوانه شده است، چیزی مثل سیبل گرو گذاشتن، این که کسی برایت پشت چک یا سفته‌ات را امضا کند، یعنی این که اعتبارش را گرو گذاشته تا تو کارت درست بشود، این که زیر یک توصیه‌نامه امضای آدم کله‌کنده‌ای باشد، یعنی این که خیلی از درها خیلی زود به رویت باز میشود و این‌طوری است که در فارسی امضایش را میگیرم، یعنی این که کارت را ردیف میکنم، و یعنی این که همه چیز درست میشود.

زندگی پشت حصار امضا حالا دیگر، خطوط امضا آنقدر در زندگی مردم کوچه و بازار ریشه دوانیده است که زندگی آدمها خیلی وقتها لنگ یک امضا میشود. آدمهای امروزی همیشه گیر یک امضا هستند، آنها در تمام زندگیشان پشت حصار امضاها منتظرند.

درست از همان لحظه‌ای که با گریه آمدنت را اعلام میکنی، باید برای تأیید آمدنت به این دنیا، امضای مسئول بخش زنان بیفتد پای برکه ورودت به این دنیا، امضای مقام مسئول محترم در اداره سجلات و امضاهاست که سالها برای گرفتن مدارکهای بیپشتوانه ابتدائی، راهنمائی، لیسانس و دکترا باید دنبالشان بدوی، امضای تسویه حساب سربازی‌ات، امضای رئیس شرکت برای موافقت با استخدام حضرت‌عالی، امضاها

طولانی و تمام نشدنی قباله ازدواج، امضای سند خرید و فروش خانه و ماشین و ویلا، و بعد همان تسلسل بیپوده، امضا برای بستری شدن همسرت، امضای مسئول بخش زنان بیمارستان پای گواهی تولد کودکت، امضا برای...

ما همیشه پشت چراغ قرمز امضاها میمانیم، اما چراغ که سبز میشود تازه میفهمیم که یک چراغ قرمز دیگر از جنس امضا آن جلوتر منتظرمان است. آدمهایی هستند که با انواع دوز و کلک این امضاها را زودتر از بقیه میگیرند و می‌رسند به آن بالا بالاها، یعنی آن‌جا که همه دنبال آنند که امضای آنها را بگیرند، آدمهایی هم هستند که در تمام مدت زندگی برای گرفتن امضا از این اتاق به آن اتاق میروند و دست آخر هم به نتیجه‌ای نمی‌رسند، امضای مسئول دفن و کفن شهرداری و خلاص...

ماشین پولشماری که تنها با امضایت تو را میشناسد. امضا همان هویتی است که از تو جان میگیرد، اما درست همان وقتی که



ناخنک

چندی پیش یکی از دوستان به هیکل قوی و به باطن نحیف صاحب ناخنک، دچار ناراحتی قلبی شد. البته قبل از اینکه سکتا ناقص اول را بزند، متوجه این مشکل شدید، از آنجا که این رفیق قدیمی، هراسی ویژه از دکتر و دوا و این حرف‌ها داشت و من آن را می‌دانستم، به‌رجان‌کنندنی بود او را راضی کردم تا به پزشک متخصص مراجعه کند. قرار شد خودش تنها به دکتری حاذق مراجعه کرده و جلو واقعه را قبل از وقوع بگیرد. پس از چند روز که از او خبری نشد، یواشکی دور از چشم رییس، رؤسا به منزل او زنگ زدم. همسرش گوشی را برداشت، قبل از اینکه جاق سلامتی کنم، شروع کرد به آه و ناله کردن و از شوهر شنیدنش گله کرد. گفتم: مگر دکتر نرفته؟ گفت: به دروغ می‌گوید رفتم، ولی دکترها هیچ کدام به من وقت ندادند. گفتم: شاید بنده خدا راست می‌گوید. گفت به حرف آدم ترسوی توستری خوری مثل شوهر من نمی‌شود اعتماد کرد. پیش خودم گفتم چقدر شوهرش را تحویل می‌گیرد!

در نهایت قرار شد تا من ناخنک‌زن، توسط دوستان دور و نزدیکم، وقتی از یک دکتر حاذق برای او بگیرم. دست به کار شدم و چند فقره شماره تلفن از این و آن گرفتم. اسامی سفارش‌دهندگان (پارتنری) را هم کنار شماره تلفن‌ها یادداشت کردم. پس از اینکه مرحله اول به خوبی و خوشی تمام شد به شماره‌هایی که داشتم زنگ زدم و وقت ملاقات گرفتم. یقه دوست قوی بنیه اسبقم را خفت کرده و او را کشتان کشتان به مطب دکتر فلان الدوله رساندم. مطب، خالی از جماعت مریض احوال بود! خوشحال شدم و به دوستم گفتم بیا که شانس آوردیم! رفیق شفیقم، پوزخندی زورکی بر لب آورد و دو دستی تقدیم کرد. او را روی یکی از صندلی‌ها نشاندم و به سمت یک از ما بهترین که نمونه‌اش را در بعضی از فیلم‌ها دیده بودم رفتم! بله، درست حدس زدید، این از ما بهترین که مشغول ور رفتن با ناخن‌های از برج میلاد بلندترش بود، منشی آقای دکتر فلان الدوله بود. مقابل میزش رسیدم و سلامی حواله‌اش کردم. در کمال باوری یا ناباوری سلامم به دیوار خورد و به خودم بازگشت!

خانم که تحویل نگرفت، خیلی بهم برخورد. خواستم روی صورتش ناخنک بکشم، اما به خاطر رفیق مریضم پشیمان شدم.

گفتم مرا فلانی معرفی کرده است. این کیک خرامان با صدایی که به قارقار کلاغان می‌مانست، گفت: بله ایشان به آقای دکتر زنگ زدند. آقای دکتر هم لطف کردند و برای شش ماه دیگر وقت دادند! سر خود را به او نزدیک‌تر کرده و گفتم: خانم محترم، این دوست من زیانم لال رو به موت است، عن قریب سکتا ناقص و کامل را با هم بزند! دستش را بلند کرد و به ناخن‌های بلندش که چون می‌داد برای ناخنک‌زن، نگاهی کرد و گفت: این مشکل شماست! اصرار بی‌فایده بود. دکتر فلان‌الدوله و منشی بزرگ کرده‌اش، کلاس باز کرده بودند. آن هم از نوع «های کلاسش». دوباره خفت رفیقم را گرفته و به مطبی دیگر که به من معرفی شده بود بردم. این منشی هم فتوکپی برابر اصل، قبلی بود، تقریباً همان جواب‌ها را داد. منتها گفت: دکتر فلان‌السلطنه برای سال آینده وقت داده‌اند. ان‌شاءالله اول سال با یک دسته گل تشریف بیاورید تا دکتر مریض شما را معاینه کند! با دست اشاره‌ای به رفیق بی‌حالم کرده و گفتم: فکر می‌کنید این بنده خدا تا آن موقع بتواند عزرائیل را دست به سر کند؟ با خونسردی گفت: مرگ برای همه هست. این رسم دنیاست!

سرتان را به درد نیاورم، به هر مطبی که رفتم، با آنکه خالی از مریض بودند، برای حفظ کلاس و پرستیژ، دست رد روی سینه ما می‌زدند. بعضی از این پزشکان حاذق خدا را شکر یک کاسبی راه انداخته و از آن راه یک نان بخور و نمیر برای خود به دست می‌آورند!

برای همین دیگر کسی را تحویل نمی‌گیرند. چون پول ویزیت چشمگیر نیست. از آخرین مطب که بیرون می‌آمدم، به علت سکتا‌های ناقص پی در پی رفیقم، مجبور شدم برخلاف میل او را روی کول بگیرم. پایین پله‌ها که رسیدم، دیدم چه فایده دارد این بنده خدا را، جان به سر کنم! او را جلو در ساختمان به اصطلاح پزشکان گذاشتم. برای اینکه یک مرحله کار جلو بیفتد. قبل از سکتا کامل رفیقم، به آنجا که می‌داند زنگ زدم و درخواست یک الکانس نقره‌ای رنگ کردم! چه خوب شد این کار را کردم، چون سکتا کامل رفیقم، مصادف شد با رسیدن الکانس نقره‌ای! نفسی به راحتی کشیدم و او را که درازکش بود، داخل الکانس گذاشتم!

خدا بیامرزش چقدر زجر کشید!

آگهی های شما
به کیفیت و استمرار این هفته
نامه
یاری می رساند

020 8453 7350



کنسرت گذاشتن رضا صادقی هم حل شده و مجوز کنسرت را از وزارت ارشاد گرفته و به زودی حتماً به انگلستان می‌آید... برای ۳ روز تعطیلی هم رفته بود شمال... کی نرفته بود... من که نتوانستم ولی مثل اینکه این شمال هم به مزه ای داره که فقط اونهایی که رفتن میدونن چه مزه ای هست... تو لیست اولویت برای مسافرت بعدی گذاشتم...

در مورد این لندن خودمون هم این طور که از تبلیغات مجله ها و اورکات دیدم، به نظر میاد بچه های دیسکو گزار با هم آشتی کردن و با اتحاد هم دیگه برنامه ها را شنبه شب گذاشتن... پس حتماً برای تشویقشون هم که شده این شنبه برین... یک چند وقت بود که گروه بندی شده بودن و هر کی پشت اون یکی میزد و شایعه ها بسیار زیاد شده بود... ولی خدا را شکر که صلح برقرار شده!



۵. متناسب و سلامت شوید و این حالت را حفظ کنید:
نظور از تناسب و سلامت تنها از نظر فیزیکی نیست. منظور من بهداشت و سلامت جسمی، فکری و روانی است. صحیح غذا بخورید و فعال باشید. در هر سن و موقعیت به مطالعه و آموختن بپردازید. مثبت اندیش باشید. بدانید که لزوماً همواره همه چیز بر وفق مرادتان نیست. اما با اعتقاد بر امکان پذیر بودن موفقیت، حتی در موقعیتهای دشوار نیز پیروز خواهید شد. هرگز هنگام شب و زمانی که خسته هستید، به مشکلات عمده و سخت نیندیشید. سلامت و انرژی شانس به همراه خواهند داشت و قدرت مقابله با شکست را در اختیارتان میگذارند.

۶. در برقرار کردن ارتباط و اطلاع رسانی مهارت یابید:
شما باید بتوانید به خوبی به دیگران بگویید که هستید و چه میخواهید. بر روی مهارتهای کلامی خود کار کنید. منظور من شیوه استفاده از کلمات، روش واضح سخن گفتن و نوشتن و بیان منظور با کلامی ساده اما قدرتمند است. اگر فرصت دارید، زبان دیگری نیز بیاموزید. دانستن چند زبان مختلف، شانس بسیاری برای من به همراه داشت و امکانات کاری فراوانی در اختیارم قرار داد. به یاد داشته باشید که در دهکده جهانی، اهمیت زبان هرگز کم نخواهد شد.

۷. در کار و صنعت واقعی خود گام بردارید:
یک حسابدار میتواند به خوبی از برنامه های اقتصادی، جدولهای مختلف درآمد و سود و زیان و... مطلع باشد و کار خود را به خوبی انجام دهد، اما بعید است بتواند تغییر شغل داده و کفایت خوبی شود. هر راه اندازی، هر شرکت و هر معامله ای بر مبنای یک صنعت یا برپایه رشته علمی یا تجربی خاصی بنا شده است. به سوگند بقراطی رشته مورد نظر خود وفادار باقی بمانید. در اینصورت دیگران متوجه میشوند که شما واقعا در حرفه خود وارد و کارآمد هستید و بخت به شما رو خواهد کرد. با پرداختن به این عادات، به شانس فرصت بدهید به سراغتان بیاید. هر چه زودتر، بهتر...

باز هم ترانه!

سلام! من برگشتم... جاتون هم خالی بود و هم نبود چون هوای ایران واقعا گرم و برای من غیر قابل تحمل بود...

واقعا هیچ کشوری کشور خود آدم نمیشه... در بند... لواشک... بلال... پسته تازه... تاکسی دربست... میدان آزادی... اینها را کدام کشور میشه پیدا کرد؟ تو مقاله هام دقیقاً همین منظورم هست... کدام خارجی می تونه حتی یک درصد احساس کنه که ما نسبت به این اسمها چطوری این دلمان غش و ضعف میره؟ پس نتیجه اگه ازدواج میکنین یا با کسی دوست میشین ایرانی باشه... شعار همیشگی ترانه!!! کبوتر با کبوتر... باز با باز... کند هم وطن با هم وطن پرواز... قابل توجه مخصوص یکی از دوستان قدیمی خودم که همیشه سر این مسئله باهاش بحث دارم آقا مهدی! این آقا مهدی هم مشکل داره... مشکلت اینه که نمیتونه قبول کنه هیچکی مثل دختر ایرانی نمیشه! البته این حقیقت را خوب میدونه ولی سعی بر انکارش داره... ولی جالبیش اینه که هر وقت میره ایران همیشه با دوست دخترش به هم میزنه و بعد میره ایران!! و همین آقا مهدی ما دنبال یک زن کدبانو و خوشگل ایرانی هست... سراغ دارین؟؟ منتظره!!! (مندی جان میدونم حقیقت تلخه!) ها ها ها از ایران خبر خاصی ندارم... هوا گرم... آلودگی بسیار ولی خود کسانی که اونجا زندگی میکنند عادت کردند ولی ما که از اینجا میریم می توینم آلودگی را احساس کنیم... چند تا از خواننده های جدید ایران را دیدم از جمله علی لهراسبی که کارش را تازه شروع کرده... چون میلاد بود ایران همه در سر تا سر ایران کنسرت داشتن و سخت میشد کسی را پیدا کرد... شنیدم مشکل کنسرت گذاشتن رضا صادقی هم حل شده و مجوز کنسرت را از وزارت ارشاد گرفته و به زودی حتماً به انگلستان می‌آید... برای ۳ روز تعطیلی هم رفته بود شمال... کی نرفته بود... من که نتوانستم ولی مثل اینکه این شمال هم به مزه ای داره که فقط اونهایی که رفتن میدونن چه مزه ای هست... تو لیست اولویت برای مسافرت بعدی گذاشتم...

چگونه شانس بیاوریم؟

هنگامی که به ۵ سال گذشته برمیگردم، چنین به نظر میرسد که بزرگترین عامل تمام موفقیت‌های من به عنوان دانشجوی، دیپلمات یا تاجر، خوش شانس بوده و بس. هنگامی که از ناپلئون پرسیدند که آیا او ترجیح میدهد فرماندهان ارتش وی شجاع باشند یا زیرک، او پاسخ داد هیچکدام، من فرماندهان خوش شانس را ترجیح میدهم.

سوال اینجاست، چگونه شانس بیاوریم؟ در اینجا هفت عادت را که برای من عامل خوش شانس بوده اند، با شما در میان میگذارم:

۱. ماجراجو باشید اما سر دار و ندراتان شرط نبندید.
تمام موفقیت‌های من به خاطر روحیه ریسک پذیرم بوده است. من آسایش تحصیل در دانشگاه شهر خود را رها رده و برای تحصیل به خارج رفتم. بر سر موضوعی که واقعا برام اهمیت داشت در مقابل رئیسم ایستادم. از کار در شرکت استعفا داده و کار خودم را به وجود آوردم. به فروشنده ای در مقابل وثیقه اندک پول قرض دادم و موارد بیشماری از این قبیل. اینها، کارهایی بودند که بیشترین پاداش را به دنبال داشتند. اما، در تمام این موارد من میتوانستم از عهده پیامدهای شکست هم بربیایم. البته قرار هم نبود که در صورت شکست به جزیره الب تبعید شوم، اما باید همه جوانب کار را سنجید. هرچند که من همیشه هم نمیتوانستم یک برنامه عریض و طویل بچینم، بیشتر اوقات تنها از حس درونی خود پیروی میکنم، اما در تمام شرایط، کاری را انجام میدهم که بدانم میتوانم از پس شکست آن برآیم.

۲. کار را با اعتماد به دیگران آغاز کنید:
شما نمیتوانید تک و تنها به جای برسید و تنها با کمک دیگران میتوانید به اهداف خود دست یابید. این دیگران شامل دوستان، خانواده، همکاران، رؤسا و کارکنان، فروشندگان و خریداران هستند. اگر شما ذاتاً شکاک هستید یا دوست دارید تمام کارها را به تنهایی انجام دهید، امکان اینکه بخت به شما رو کند بسیار کم خواهد بود. زیرا معمولاً شانس توسط دیگران بر سر راه شما قرار میگیرد.

۳. با بهره های قوی خود بازی کنید:
نقاط قوت خود را بشناسید و آنها را به کار گیرید. نقاط ضعف خود را نیز بشناسید و از اینکه مجبور به استفاده از آنها شوید، اجتناب کنید. از آنمود کردن به قدرتهایی که فاقد آن هستید خودداری کنید. شما میتوانید توان و قدرتمندی خود را افزایش داده و بر ضعفهای خود چیره شوید. اما قبل از هرچیز باید مهارت‌ها، استعدادها، دانش و روابط خود را به خوبی بشناسید و در هر زمان که میتوانید، از آنها استفاده کنید. این کار احتمال خوش شانس بودن را افزایش میدهد.

۴. بیش از آنچه میگیرید، پس بدهید.
اگر میخواهید افراد خوش شانس را به برنامه خود وارد کنید، آماده بخشش باشید. شما باید بدون چشمداشت، برای دیگران قدمی بردارید. جریبات من، همواره نشان داده اند که این ضرب المثل قدیمی: "از هر دست بدهی، از همان دست میگیری" واقعیت دارد و مطمئن باشید که آنچه را بخشیده اید، چه مالی و چه معنوی، در غیر منتظره ترین موقعیت به شما باز میگردد و کره از کارت‌تان میگذشاید.



reports@persianweekly.co.uk

گزارش هفته



آپارتمان رعنا و حامد، سبزه هست با یک دست مبل راحتی سفید و چند تا تابلو هم از تصویرهای حامد که مثلا در حال خوانندگی هست. اتاق های این دو واحد هم به کاری اختصاص داره... مثلا اتاق گریم، اتاق لباس، اتاق Edit و ...

ولی واقعا هنوز برای من مسئله تعجب آوری هست... که چطور می متن ها را سریع می خونن... حفظ می کنن و سپس مقابل دوربین میرن... واقعا بازیگران حرفه ای به این بچه ها می گن... و همین حرفه ای بودنشون هست که کمک می کنه هر قسمت در یک شبانه روز ضبط بشه و به پخش برسه... بهنوش میگفت: اصولا در کارهای طنز چنین مسائلی عادی است، گروه از صبح به لوکیشن می آیند و کار تا پاسی از شب ادامه داره.

می گفتند برای یکی از قسمتها حواسشون نبوده و مانند یکی از بازیگران مناسب نبوده و توسط ارشاد مشکل گرفته بودن...

همان لحظه اون قسمت را در آوردن و به جوری درستش کردن و با سرعت برق برای پخش فرستادن.

در مورد بچه ها باید بگم از آقای جواد رضویان خیلی خوشم آمد... شوخی های بامزه ای می کردن با بقیه بچه ها و عکس دختر کوچکشم تو موبایلش به همه نشان میداد و خیلی احساس زیبایی Proud To Be a Father داشت که واقعا خوشم اومد... خیلی مهربان بود و واقعا آخر بازیگر خوب با بازیگر هست... بازیگر خوب با



اخلاق خوب خیلی کم پیدا میشه... طرف هنوز به جایی نرسیده خودش را میگیره... یه بار تو یه استودیو راش میدن دیگه احساس میکنه خیلی مهم شده... واقعا خدا نکته اینجور آدمها به جایی برسن!!

حمید لولایی آدمی بسیار بسیار جدی است... و برای خودش تنها راه می رفت و به نظرم همه اش تو فکر بود... واقعا برام عجیب بود همین آدم نقش خشایار مستوفی زیر آسمان شهر بازی میکرد... انسانی نازنین بود و شکلات که تعارف کردم با مهربانی از من گرفت... یه ۵ دقیقه ای هم در کافه چارخونه با ایشون در مورد هوا بحث می کردیم... که ۱۰۰٪ دیگه همه شما با این بحث داغ روز آشنایی کامل را دارید!

بهنوش بختیاری هم که واقعا دختری مهربان و دوستی خوب و با وفا است... همیشه پای ثابت تمام سریال های طنز بوده و هست و اینطور هم که شنیدم در سریال ۹۰ قسمتی جدیدی که مهران مدیری بعد از ماه رمضان شروع به ساخت میکند نقش خواهد داشت...

آهان یادم رفت بگم که یکی از مدیران صحنه این سریال خودش هم تو سریال نقش بازی میکنه... نقش خودی! وحید مهین دوست که واقعا زحمت میکشه برای این سریال همان کارمندی هست که در اداره نفر وسط میشینه.

اگه این سریال را تا به حال ندیدین بهتان پیشنهاد میکنم حتما CD اش را از ایران سفارش بدین براتون بفرستن... برو بچه های چارخونه لبخندی بر لبانتان میارن که هر چی ناراحتی هست از یادتان میره... امتحان کنید!

این برنامه را از صبح ساعت ۸ ضبط می کنن و تا ساعت ۷ که میره برای Edit و تا ساعت ۱۱ هم میرسه به وسیله پیک به دفتر شبکه سوم صدا و سیما!!! واقعا باید به این بچه ها خسته نباشید گفت... جدی جدی ساعت ۸ صبح همگی میان سر کار تا ۱۲ شب... مسافرت و خوش گذرانی و بگن امروز مریضم و فلان اتفاق افتاده ندارن!!! واقعا باید به این بچه ها صد آفرین گفت!

در حالی که تمامی دست اندرکاران این مجموعه سریعا در حال بازی و رسیدن کار به پخش بودن که منم رفتم بقیه خانه را ببینم... اول رفتم پارکینگ... گوشه ای از این پارکینگ یک دری بود که روش نوشته بود << کافه چارخونه >>... در که باز میشه تعدادی میز چوبی وجود داره... یک چهره آشنا هم دیدم... اگه یادتون باشه در سریال برره یک مرد مکزیکه همیشه دم قهوه خونه بود... همونی که سینوریتا سینوریتا میکرد... اونم تو کافه چارخونه بود و فکر میکنم نقشش هم کارسوزی اون کافه باشه... آخه بعضی وقتها که سکانس کافی شاپ هست همین جا فیلمبرداری میشه... و بقیه اوقات هم جای استراحت گروه است... با هم دیگه میشینن گپ میزنن و ناهار میخورن و فیلمنامه را تمرین میکنن... آخ یک چیز جالب بگم... میدونستین بازیگرهای چارخونه دقیقا قبل از سکانس متن اون سکانس را میگیرن؟؟؟؟ یعنی در عرض ۵ الی ۱۰ دقیقه بیشتر وقت ندارن متن را حفظ کنن و جالبترش هم اگه بخوام بکنم باید بگم خودشون یا بقیه گروه هیچ خبری از متن فیلمنامه فرادا نداره... متن ها توسط نویسنده ها به سروش صحت داده میشه، او متن ها را مرور می کنه و تصویر سازی آن را در ذهن انجام می دهد و از صبح زود خود را به لوکیشن می رساند و به همراه دستیارش لوکیشن ها و متن ها را مرور می کنه دوباره میکنه، از متن ها کپی برداشته می شود و با آمدن بازیگران به آنان داده می شود... هر کدام از آنها متن ها را می خوانند و اگر قرار باشه رویه روی هم بازی کنند تمرین کوچکی با یکدیگر می کنند و سپس مقابل دوربین ظاهر می شوند... بهنوش عزیز ما هم که نمیدونم چرا همش این ورقه هاش را مچاله میکنه... انقدر حول کرده بود از دیدن من فکر کنم حواسش پرت شده بود و همه اش ورقه هایی که دستش بود را مچاله میکرد!

خلاصه از پله های پارکینگ که بالا می ریم... راهرویی هست که دو تا واحد آپارتمان در انتهای این راهرو در سمت چپ و راست هستند... که واحد سمت

راستی منزل وحید ، پسر منصور و شکوه هست که مدتی منصور اونجا زندگی میکرد و حالا هم که شنبه (جواد رضویان) .. واحد سمت چپ هم که منزل شکوه و منصور است... یه چیز جالب : روی در منزل وحید تصویر یک خروس هست که معلومه کی این عکس را زده!!! (منصور)...

رو سقف پرژ کتور بزرگی هست که در زمان تصویربرداری روشن میشه و روی زمین هم پر از سیم

.. که برای ضبط هر سکانس این سیمها را باید تکان بدن... به واحد سمت راست که می ری اولین چیزی که می بینی لحاف و تشک شنبه هست... و همینطور یک دست مبل راحتی سفید... یک یخچال نقره ای در آشپزخانه .. آشپزخانه را که دنبال میکنی به حیاط خلوت میرسی... دو تا اتاق دیگه هم تو این آپارتمان هست که بهش میگن اتاق عوامل... یا به قول خودمان اتاق فرمان... تو این اتاق چند تا تلویزیون هست ... که وقتی دارن ضبط میکنن همینجا آقای صحت و بقیه تهیه کنندگان از اینجا نگاه می کنند... آهان یادم رفت بگم که دیوارهای این آپارتمان سبزه هست!!

قبل از اینکه بریم واحد شکوه... یه نکته بگم... خانم امیر جلالی را راستش را بخواین فکر کنم خیلی خسته بود چون زیاد حوصله حرف زدن نداشت و به نظرم اخمو و بد اخلاق اومد ولی بهشون حق میدم با این ساعت کاری و خستگی باید هم اخمو باشن... و اما آپارتمان شکوه خانم ... آشپزخانه ای با وسایل زیبا و سلیقه شیک خانومانه... یک میز ناهارخوری کوچک و یک نشیمن زیبا با مبل هایی به رنگ نارنجی که البته بیشتر سکانس ها در همین واحد تصویربرداری میشه... در طرف دیگه این واحد دیوار کشیده شده که قسمت شرکت مرغ فروشی فیلمبرداری میشه... از پله که بالا می ری دو واحد آپارتمان دیگر هم هست... که یکی مال حامد و رعنا (رضا شفیعی جم و فلامک جنیدی) و دیگری واحد فرزاد و پرستو (اردلان شجاع کاوه و بهنوش بختیاری) ... رنگ دیوارهای آپارتمان فرزاد و پرستو، آبی هست و رنگ دیوارهای



در عصر تابستان گذشته ، هر روز حوالی ساعت ۶:۳۰ بعد از ظهر سریالی از شبکه ایران پخش میشد به نام << چارخونه >> که بیشتر ایرانیهای در انگلستان می دونم دنبالش میکردن. چارخونه داستان شکست ها، پیروزی ها، غم ها و شادی های آدم هایی است که در چهار واحد یک آپارتمان زندگی میکنند. خیلی ها در روزهای اول پخش این سریال را بی مزه و بدون محتوا می دونستند... ولی بعد از یکی دو تا قسمت آدم طرفدارش میشه. چارخونه به این خاطر << چارخونه >> نامگذاری شده که در یک خانه دو طبقه ای ، چهار تا واحد آپارتمان هست و این مجموعه قصه آدمهای این چهار آپارتمان (خانه) هستش. ولی اما بریم سر عصری که من با بچه های چارخونه گذروندم...

هوای تهران گرم گرم بود و به خاطر همین من سعی می کردم عصر به بعد از خانه برم بیرون... کولر و آب یخ برای من واقعا بهشت بود... اما در انتهای یکی از خیابانهای جردن... پلاک ۱۰... هوا خیلی گرم تر بود... اول که رسیدم دیدم در باز است و یک آقای هم دم در... کمی این طرف و اون طرف را نگاه کردم تا از من پرسید کاری داشتید؟



منم که منتظر همچین سوالی بودم گفتم دوست خانم بختیاری هستم... ممکنه لطفا خبرشون کنید که من اینجام؟

هنوز واقعا یک دقیقه هم نشده بود که دیدم بهنوش اومد دم در... بیچاره افتاد تو چاله... همه ریختن سرش که ازش امضا بگیرن... چند تا سرباز بودن و ازش می خواستن که رو برکه های مرخصی آنها امضا کنه... دلم واقعا هم برای بهنوش سوخت... هم سربازا! خانم بهنوش بختیاری... نمیدونم چی کار میکنه ولی هیچ وقت نمی تونین خسته ببینیش یا بدون لبخند رو لبش... خلاصه که رفتم داخل... درب این خانه که باز میشه حیاطی بزرگ به همراه یک باغچه روبه روی شماس... آن تخت معروف هم در گوشه ای از حیاط و البته دو سه تا مرغ و خروس هم وسط باغچه... همینطوری که بهنوش داشت دست اندرکاران را معرفی می کرد... گفت که تمامی مراحل تصویر برداری و سکانس ها در همین منزل است... برای من شوک بود... یعنی قسمت شرکت تولید مرغ و تخم مرغ هم تو همین خانه هست... براتون جالب نیست؟ من که شاخ در آوردم... همین طوری در حال شاخ در آوردن بودم که یه چیز گفتن چشمام هم از حدقه بزنه بیرون... گفتن که

گزارش اختصاصی پرشین از چارخونه

گزارش از ترانه



reports@persianweekly.co.uk

لطفا مطالب و ترجمه های خود را بصورت تایپ شده برای دفتر روزنامه ارسال کنید

بزودی

سالن مجزای رستوران ژینو
با موزیک زنده گشایش خواهد یافت

بیا بید

ببینید

بچشید

غذاوت کنید

Zhi Noo

Restaurant

با هنرمندی

جمعه شبها سیاوش
ژیلبرت و رقص عربیشنبه شبها
هنرمند محبوب
ژیرار، خوشدل
و رقص عربی

175 South Ealing Road
London, W5 4QP
Telephone: 020 8847 1740

www.cafezhinoo.co.uk

E-mail: bjankimiachi@hotmail.com

یانگوم و جریان طلاق ابرونی



اگره ایران برین ۱۰۰٪ یک جوری اسم یانگوم را میشنوی... سریالی مثل سریال اوشین... روزنامه ای نیست که تصویر یا خبری از یانگوم نداشته باشه... این یانگوم حکایتی هست که هر روز یک شایعه برایش ساخته میشه... که بنده خدا روحش هم خبر نداره... یانگوم نقش اصلی سریال <> جواهری در قصر << هست که جمعه شب ها می توانید در ایران از شبکه ۲ سیما ببینید. یک خبری در مجله ایران نوشته بود... یک زن سی و دو ساله در دادگاه خانواده ایران خواهان طلاق از شوهر ۶۰ ساله اش شده بود و به خاطر اینکه از زندگی با این پیرمرد خسته شده بود بهانه جدید یانگوم را پیدا کرده بود و تقاضای طلاق کرده بود.

زن گفته بود که: پانزده ساله بودم که به زور شوهرم دادند. این آقا، حکم پدر، را داشت اما انقدر پولدار بود که بعضی وقت ها خودم هم از زندگی با او احساس رضایت میکردم. قبلا یک باز ازدواج کرده بود اما چون بچه دار نشده بود تصمیم به تجدید فراش گرفته و با من ازدواج کرد. وقتی ما هم بچه دار نشدیم، به زور راضی اش کردم که به دکتر مراجعه کنیم. دکتر آب پاکی را ریخت روی دستش و گفت مورد او یکی از موارد نادر است که هرگز به او امکان پدر شدن را نخواهد داد. فکر میکردم پس از این که بفهمد ایراد از خودش است، توجهش به من بیشتر میشود. هر چه باشد داشتیم از خودگذشتگی می کردم برای زندگی با او... اما روز به روز اخلاقش بدتر می شد، مرا کتک می زد، هر کاری کردم طلاق بده راضی نمی شد که نمی شد.

تا این که بعدا فهمیدم آقا سر و گوشش می جنبه. آقای قاضی، بی خود نیست که می گویند "دود از کنده بلند می شود" آقا از صبح تا شب می رفت خوشگذرانی، آن وقت من باید مثل کلفت توی خانه می پختم، می شستم و بله قربان می گفتم. غلام حلقه به گوشش شده بودم... چند بار خواستم بیام تقاضای طلاق بدهم اما دلم نیامد بچه دار شدنش را علم کنم. اگر این کار را می کردم، حتما دادگاه به نفع من رای می داد و راحت می شدم... ولی دلم نیامد... اشک از چشمان زن جاری می شود، بغض می کند و در حالی که حرف زدن برایش آسان نیست، ادامی می دهد:

جمعه ها از توی خانه تکان نمی خوره. غروب که می شه میشینه پای تلویزیون و هی کانال ها را عوض می کنه... اخلاقش بهتر میشه... بیشتر از قبل تحویلیم می گیره... وقتی سریال "جواهری در قصر" شروع می شه انکار دنیا را دادن بهش... چشم از صفحه تلویزیون بر نمی داره... دوست داره منم بشینم کنار دستش، برایش میوه پوست بکنم با هم تلویزیون ببینیم.

آقای قاضی هر چه می کشم از دست این یانگوم ذلیل مرده هست... مرد توی حرفش می پره و جوری که انکار کسی به او دشنام داده است در مقام دفاع بر می آید که چرا فحش می دی؟

چرا ندهم؟ من نمی دونم این دختره چشم بادامی چه چیزی داره که دل تو را اینجوری برده؟! بعد روش را دوباره به طرف قاضی می کنه و با صدایی که دیگر هیچ بغضی در آن جاری نیست، ادامه می دهد:

آقای قاضی می که من می خواهم بروم کره... یانگوم را پیدا کنم و با یک زن شبیه او بگیرم. مرا از دست این پیر مرد نجات دهید.

اینم از معروفیت یانگوم در ایران

اما خبر جالب از مجری شدن بهرام رادان



حضور بازیگران سینما در تلویزیون همیشه با جذابیت های زیادی برای تماشاگر همراه بوده است. اینکه مردم عادی ستاره های مورد علاقه خود را اینگونه در دسترس روی آنتن تلویزیون خانه شان ببینند. اتفاقی خوشایند برایشان به حساب می آید. خبر خیلی کوتاه بود و البته محرمانه... بهرام مجری تلویزیون می شود. این بازیگر سینما که سال گذشته موفق شد سیمرغ بلورین بهترین بازیگر مرد سینما را نصیب خود کند. این روزها آخرین مراحل حضورش به عنوان مجری را در یکی از شبکه های تلویزیونی پشت سرمیگذارد...

برنامه ای ویژه به نام "صحنه" که برای شبکه سوم سیما در نظر گرفته و یک Talk Show ایرانی به حساب می آید. حتی صحبت از روی آنتن رفتن این برنامه در روزهای پنجشنبه یا جمعه هم به میان آمده است. البته قرار است برنامه "صحنه" برنامه ای ضبط شده باشد و نه زنده! نکته جالب اینجاست که شرکت LG که طرف قرارداد بهرام رادان است در ساخت این برنامه مشارکت خواهد داشت. رادان این روزها مشغول چانه زنی بر سر دستمزدش است. اینکه رادان از بابت حضور در تلویزیون مشکلی ندارد، کسی چیزی نمی داند اما به نظر می رسد تجربه حضورش در برنامه رضا رشیدپور برایش انقدر خوشایند بود که برای ادامه این راه رغبت بیشتری به خرج دهد. این در حالی است که نحوه رفتار او در شب شبیه ای در آن مقطع به دل خیلی ها نخسید و انتقاداتی هم به همراه داشت. رادان در روزهایی که به تلویزیون خیلی نزدیک شده، در کوران حاشیه و جنجالی تازه قرار گرفته است. انتشار خبر ازدواج قریب الوقوع او در یکی از نشریات باعث شده او در پی شکایت از آن مجله بر بیاید. انتشار خبری که تا مدتها می تواند گریبان بهرام رادان را بگیرد و او را وارد حاشیه ای ناخواسته کند.



reports@persianweekly.co.uk

عجایب هفت گانه - معبد آرتیمس



نقاشی بازسازی شده از معبد Artemis / Diana معبد آرتیمس در شهر افسس (Ephesus) در حدود ۵۰ کیلومتری شهر ازمیر (Izmir) ترکیه قرار داشته است. این معبد به عنوان زیباترین بنای روی زمین شناخته می شده است و به همین دلیل در میان عجایب هفت گانه جا دارد.

هرچند که زیربنای باقی مانده از این معبد تاریخ ساخت آنرا قرن هفتم قبل از میلاد مشخص میکند، اما راه یافتن معبد آرتیمس در فهرست عجایب هفت گانه به حدود ۵۵۰ قبل از میلاد مربوط میشود. این بنا که به آن معبد بزرگ مرمیرین گفته میشود، توسط کروسوس (Croesus) شاه لیدی به کرسیفون (Chersiphron) معمار یونانی سفارش داده شد. معبد با مجسمه های برنزی که توسط ماهرترین مجسمه سازان آن زمان ساخته شده بودند تزئین شده بود. هنرمندانی نظیر فیدیا (Pheidias)، پلی کلیتوس (Polycleitus)، کرسیلوس (Kresilas) و فرادمون (Phradmon).

معبد آرتیمس هم به عنوان یک محل داد و ستد کالا و هم به عنوان آموزشگاه مذهبی مورد استفاده قرار میگرفت. در طی سالها، بازرگانان، جهانگردان، صنعتگران و پادشاهان از این محل مقدس دیدن میکردند و احترام خود را با آوردن هدایای مختلف ابراز می نمودند. تحقیقات اخیر باستان شناسی به یافتن تعدادی از این هدایا که شامل مجسمه های طلا و عاج آرتیمس، گوشواره ها، دستبندها و گردنبندهای زیبا اثر صنعتگران پارس و هند هستند منجر شده است.

بقایای معبد آرتیمس در شب ۲۱ جولای سال ۳۵۶ قبل از میلاد، مردی به نام هروستراتوس (Herostratus) برای جاودانه کردن نام خود در تاریخ، معبد را آتش زد و در واقع به هدف خود دست یافت. عجیب اینکه اسکندر کبیر هم در همین شب متولد شد. بنا به گفته پلوتارک (Plutarch) تاریخ نگار، در آن شب آرتیمس چنان درگیر مراقبت از زاده شدن اسکندر بود که نتوانست از معبد خود محافظت کند.

اسکندر پس از فتح آسیای صغیر اقدام به ساخت مجدد معبد کرد که تا بعد از مرگ وی در سال ۳۲۳ قبل از میلاد، همچنان در دست ساختمان بود. در قرن اول پس از میلاد، هنگامی که سنت پل برای تبلیغ مسیحیت به افسس سفر کرد، با عده زیادی از پیروان آرتیمس مواجه شد که به هیچ وجه قصد ترک الهه خود را نداشتند. در سال ۲۶۲ میلادی معبد توسط قبیله گوت Gothها مجددا ویران شد. اهالی شهر قسم خوردند تا آنرا مجددا بنا کنند. در قرن چهارم میلادی، بیشتر اهالی افسس به مسیحیت گرویده بودند و معبد شکوه و جلال خود را از دست داده بود. اهالی افسس پس از آخرین تهاجم منجر به ویرانی معبد در سال ۴۰۱ میلادی، کم کم شهر را ترک کردند و این شهر متروک در اواخر قرن ۱۹ میلادی کشف و حفاری شد. این اکتشافات زیربنای معبد را نمایان ساخت.

شرح کوتاهی از بنا

بقایای معبد آرتیمس این معبد با زیر بنای چهار گوش خود، برخلاف نمونه های دیگر از مرمر ساخته شده و یک ورودی زیبا و تزئینی به حیاط بزرگ ساختمان داشته است. پلکان مرمری طبقه همکف را به بالکن های بلند و عظیمی متصل میکردند که کف آن در حدود ۸۰ متر در ۱۳۰ متر بوده است. ۱۲۷ ستون در این بنا به کار رفته بوده که ارتفاع آنها ۲۰ متر و با سرستونهای ایونیک و کناره های کنده کاری شده بوده است. ستونها در ردیفهای منظم در کل محوطه به جز منطقه مرکزی-که محل قرار گیری خانه الهه بود- قرار گرفته بودند.

این معبد تعداد فراوانی از آثار هنری را در خود جا داده بود، از جمله ۴ مجسمه برنزی باستانی از قبیله آمازون که توسط بهترین هنرمندان دوران ساخته شده بودند. هنگامی که سنت پل به دیدن شهر آمده بود، معبد با ستونهای طلایی و مجسمه های کوچک نقره ای و نقاشی های متعدد تزئین شده بود. هیچ شاهدهی مبنی بر وجود مجسمه آرتیمس در مرکز معبد وجود ندارد اما دلیلی هم برای وجود نداشتن آن در دست نیست.

حکمت تاریخ در باره کوروش

آرامگاه کوروش کبیر در پاسارگاد کوروش پس از تاسیس یک حکومت بزرگ، شامل ممالک متمدن و نیرومند شرق نزدیک و میانه، و تامین حیثیت و افتخاری بزرگ برای خود و اعقاب خویش، در سال ۵۲۰ قبل از میلاد پس از ۷۰ سال عمر در کمال عزت و نیکنامی درگذشت. تقریباً تمام مورخان و سیاحان و خاورشناسان از این مرد به نیکی یاد کرده اند.



هرودوت کوروش را پدیری مهربان و رؤف می داند که برای رفاه مردم کار می کرد. وی می نویسد: "کوروش پادشاهی بود ساده، جفا کش، بسیار عالی همت، شجاع و در فنون جنگ ماهر، که ایالت کوچک فارس را یک مملکت بزرگ نمود. مهربان بود و با رعایا سلوک مشفقانه و پدرانه می نمود. بخشنده، خوشمزاج و مودب بود و از حالت رعیت آگاهی داشت."

در جایی دیگر او را آقای تمام آسیای می خواند و می نویسد: "هنگام پادشاهی کوروش و کمیوجیه قانونی راجع به باج و مالیات وضع نگردیده بود، بلکه مردمان هدایا می آوردند. تحمیل باج و مالیات در زمان داریوش معمول گردید، لذا پارسیان می گفتند که داریوش تاجر، کمیوجیه آقا و کوروش پدر بود. اولین را به آن جهت که سود طلب بود، دومین را چون سختگیر و با نخوت بود و سومین (کوروش) را به واسطه اینکه ملایم و رؤف بود و همیشه خیر و خوبی ملت را هدف قرار می داد، پدر می خواندند."

گزنفون می نویسد: "او سطوت و رعب خود را در تمام روی زمین انتشار داد، بطوری که همه را مات و مبهوت ساخت. حتی یکنفر هم جرات نداشت که از حکم او سرپیچی کند و نیز توانست دل مردمان را طوری بر خود کند که همه میخواستند جز اراده او، کسی بر آنها حکومت نکند."

همین مورخ در مطلبی دیگر می آورد که: "کوروش خوش قیافه، خوش اندام، جوینده دانش، بلند همت، با محبت و رحیم بود. شادای و رنج ها را متحمل می شد و حاضر بود با مشکلات مقابله کند... کوروش دوست عالم انسانیت و طالب حکمت و قوی الاراده، راست و درست بود... باید اذعان نمود که کوروش تنها یک فاتح چیره دست نبود، بلکه رهبری خردمند و واقع بین بود و برای ملت خود پدیری مهربان و گرانمایه به شمار می رفت."

ریچار فرای معتقد است که: "یک صفت دوران حکومت کوروش همانا اشتیاق به فراخوی ها و سنت های مردم فرودست و فرمانبر شاهنشاهی و سپاسداری دین و رسم های ایشان و میل به آفریدن یک شاهنشاهی آمیخته و بی تعصب بود. صفت دیگرش ادامه سازمانها و سنت های شاهان گذشته یعنی مادها بود. با این تفاوت که فقط کوروش جانشین استیقا گشته بود. چرا که بیگانگان شاهنشاهی هخامنشیان را همان شاهنشاهی مادی و پارسی می دانستند."

همچنین خاورشناسان بسیار دیگری راجع به کوروش نظر داده اند که بیان همه آنها خارج از حوصله این مطلب است. در اینجا به یک نکته مهم می پردازیم و آن اینکه مولانا ابولکلام آزاد، ضمن تفسیر چند آیه از سوره کهف معتقد است که ذوقرین در آیات قرآنی اشاره به همان کوروش هخامنشی است.

نکته جالب دیگر آنکه در آرامگاه کوروش کبیر این عبارت نوشته شده است: "ای انسان هر که باشی و از هر کجا که بیایی، زیرا که می دانم خواهی آمد، من کوروش هستم که برای پارسیان این دولت وسیع را بنا کردم. پس بدین مشتی خاک که تن من را می پوشاند رشک میر پلوتارک از دیگر مورخین در این باره می نویسد که: "اسکندر پس از حمله و خواندن این جملات بسیار متاثر شد و چون دید که درب آرامگاه کوروش را گشوده اند و تمام اشیاء گرانبهایی را که با او دفن شده است روبرو اند، دستور داد تا مرتکب را بکشند."

از کتاب تاریخ اجتماعی ایران، تالیف مرتضی راوندی

سرعت انتقال پول با قیمت مناسب را با ما تجربه کنید



صرافی بین المللی برادران سروری

SARWARY BROTHERS
INTERNATIONAL
TRAVEL & MONEY EXCHANGE

انتقال پول

به اکثر نقاط جهان در مدت ۱۵ دقیقه
و بلعکس بدون شارژ ظرف کمتر از ۱ ساعت

آلمان-آمریکا-ایران-استرالیا-ترکیه
آمریکای شمالی-افغانستان-مسکو-دوبی
آمریکای جنوبی-یونان-پاکستان و سراسر اروپا...

Head Office: 122 Plashet Road, Plaistow,
London, E13 0QS
Tel: 020 8257 3547, Mobile: 07976 303 612
020 8257 5040, Fax: 020 8552 8491
Branch One: 10a The Broadway Southall,
Middlesex, UB1 1PS
Tel: 020 8571 0166, Fax: 020 8893 5976
Email: mohsin@sarwary.e7even.com



موسسه پذیرائی گلچین



مشاور ، طراح و برگزار کننده جشنهای شما
(عروسی - نامزدهی - تولد - مهمانیهای خصوصی - مراسم عزاء)
تهیه بهترین و مجلل ترین سالن و
هتل با سرویس پذیرای کامل



با انواع غذاهای ایرانی-فرنگی و دریایی به همراه

(کیک - گل آرائی - ماشین عروس - سفره عقد - فیلمبرداری - عکاسی - موزیک زنده - میز - صندلی - سرویس رومیز)



گلچینی از بهترین تزئینات غذائی با مدرن ترین سرویس



Mob: 07904 515 081 - Tel / Fax: 020 3084 4620

www.golchin.co.uk

38 Glebe Road Stanmore HA7 4EL

E mail: info@golchin.co.uk

قبل از ارسال ارز خود حتما نرخ ما را بپرسید



پاسارگاد

Exchange

PASARGAD

Registration no: 12234004

شما می توانید ارز خود را به هر گوشه دنیا اعم از
ایران ، امارات ، اروپا ، ترکیه ، آمریکا و بالعکس به سرعت انتقال دهید
از دیگر خدمات ما خرید سکه طلا و مسکوکات می باشد

Tel: 020 8922 0002

Address:

164 Ballars Lane, Finchley Centre N3 2PA

020 8922 0001

077 8383 1841

www.pasargaduk.com

info@pasargaduk.co.uk



reports@persianweekly.co.uk

حضور مولکول های عشق در ارگانسیم ما

■ مژگان کاهن

دانش بیولوژی به ما نشان می دهد که در حقیقت عشق نیز مثل غریزه ی جنسی پدیده ای نه تنها فرهنگی، بلکه به نوعی در بیولوژی انسان ثبت شده است.

محققین دهه های اخیر، در ارتباط با عاشقی و نیز تغییر و تحولاتی که در ارگانسیم بدن ایجاد می کند، تحقیقات فراوانی کرده اند.

به عقیده ی «مک ژانرود»-Mac JEANEROD- احساس هایی که در ارتباط با محیط اطرافمان در ما ایجاد می شود، عملکردهای خاص خودشان را دارند.

طبق گفته ی دانشمندان «جستجوی لذت و رضایت» در تمام مهره داران وجود دارد و از عناصر اصلی بقای آنها است.

به عقیده ی این متفکرین، تکامل طبیعی این دو نیاز را در جهت تضمین بقای انسان در او جا داده است.

کشش بین دو نفر

در تحقیقات اخیر، در انسان و نیز در سایر حیوانات، ترکیباتی شیمیایی یافته شده است که به آن ها «فرومون» pheromones می گویند. طی یکی از آزمایشات دریک سالن سینما، بعضی از صندلی ها را به

یک «فرومون» مردانه آغشته کردند و با کمال حیرت مشاهده کردند که اکثریت قریب به اتفاق خانم ها بطور ناخودآگاه گرایش به انتخاب این صندلی ها دارند

در بسیاری از حیوانات این ترکیبات می توانند جانور را از حضور جنس مخالف در کیلومترها آنطرف تر آگاه کنند. این ترکیبات از پوست ترشح می شوند و حاوی پیامی شیمیایی برای جانور هم نوع می باشند.

در انسان نیز این ترکیبات می توانند یکی از عوامل کشش جنسی ما باشند. می توان تصور کرد که هر فرد «فرومون» خاص خودش را دارد که به عنوان عاملی برای جذب کردن و یا جذب نکردن دیگری عمل می کند. این تئوری نسبتاً جدید است.

طی یکی از آزمایشات دریک سالن سینما، بعضی از صندلی ها را به یک «فرومون» مردانه آغشته کردند و با کمال حیرت مشاهده کردند که اکثریت قریب به اتفاق خانم ها بطور ناخودآگاه گرایش به انتخاب این صندلی ها دارند.

در سال ۱۹۹۱ دکتر «داوید برلینر» اعلام کرد که دو نوع از فرومون های انسانی را روی ۳۰۰ نفر آزمایش کرده است.

نتیجه ی مشاهدات وی نشان می دهد که در حضور این ماده افراد بر میزان آرامش شان افزوده می شود و با هم سرگفت و گو را باز می کنند.

او از این ترکیبات به عنوان عامل بهبود بخش روابط انسانی یاد می کند و در عین حال نشان می دهد که یکی از این فرومون ها روی زن ها و دیگری روی مرد ها تاثیر می گذارد.

طبق آنچه دکتر «ایوان ردریگز RODRIGUEZ»-Yvan- عنوان می کند، رفتارهای بشر بیشتر تحت تاثیر حس بینایی هستند تا بویایی و نباید انتظار داشت که با خریدن فرومون هایی که در بازار به فروش می رسند، بتوانیم دل محبوب دیرینه مان را تسخیر کنیم. این عمل شاید در روی حیوانات بسیار موثر باشد ولی در انسان عوامل دیگری نیز دخیل هستند.

هورمون عشق

بدن ما هورمون عشق را زمانی که عاشق هستیم به میزان زیادی ترشح می کند. احساس خلسه ی عاشقانه ای که در زمان عاشقی تجربه می کنیم، تا حد زیادی تحت تاثیر این هورمون می باشد.

تاثیر بالا رفتن میزان این هورمون بی شباهت به اثرات بعضی مواد مخدر

و ورزش های سنگین نیست. بدن ما هورمون عشق را زمانی که عاشق هستیم به میزان زیادی ترشح می کند. احساس خلسه ی عاشقانه ای که در زمان عاشقی تجربه می کنیم، تا حد زیادی تحت تاثیر این هورمون می باشد

در رابطه ی عاشقانه بالا بودن میزان هورمون عشق در هر دو طرف باعث می شود که بتوانند شب های متوالی تا صبح بیدار بمانند حرف بزنند و با هم عشقبازی کنند. این ماده از خانواده ی آمفامین است. کمبود این هورمون یکی از نشانه های افسردگی است.

اثر دیگر این هورمون آزاد کردن دپامین می باشد. یکی از عملکردهای دپامین در ما، افزایش رفتارهایی است که برای ما لذت و رضایت به همراه می آورد.

زمانی که از انجام کاری به ما احساس خوشحالی دست می دهد، دپامین با انتقال این احساس شادی به مغز، ما را به تکرار آن عمل ترغیب می کند.

به همین دلیل است که دو فرد وقتی عاشق یکدیگر هستند می توانند ده ها بار در روز به هم تلفن کنند و ساعت های متوالی با هم بمانند.

هورمون دلبستگی

با گذشت زمان، دو فرد از فاز «جنون عاشقی» خارج می شوند. زیرا ارگانسیم به میزان pea (هورمون عشق) عادت می کند. در اینجاست که هورمون های دیگری ادامه ی پیوند دو نفر را تضمین می کنند. یکی از این هورمون ها، اکسی توسین نام دارد. آرامشی که نوازش در ما ایجاد می کند نیز تا حدی در اثر بالا رفتن هورمون اکسی توسین است.

اکسی توسین، در احساس وابستگی و دلبستگی دو فرد نقش عمده ای بازی می کند. این هورمون در زمان عشق بازی نیز ترشح می شود و احساس رضایت و پیوند میان دو نفر را ایجاد می کند. آرامشی که نوازش در ما ایجاد می کند نیز تا حدی در اثر بالا رفتن هورمون اکسی توسین است.

انسان موجودی پیچیده است و فاکتورهای بی شماری از جمله اجتماعی، فرهنگی، ساختار روانی و تربیتی نیز بر احساسات او تاثیر گذار هستند و خلاصه کردن عشق به تغییرات بیوشیمی بدن، نادیده گرفتن این عوامل است. از طرفی نباید قراموش کرد که این فاکتورها روی هم تاثیر متقابل دارند.

صرافی آسان

انتقال سریع ارز به تمام نقاط ایران و بلعکس فقط در یک روز

با بهترین قیمت و کمترین هزینه

اولین دارنده مجوز رسمی در شمال انگلستان

اطمینان و سرعت هدف ماست

شما میتوانید در هر وقت روز از قیمت ارز با خبر شوید فقط با یک تماس

Mobile 077 3704 2007

Tel/Fax 011 3324 4205

Registration Number 12269534



reports@persianweekly.co.uk

آشنایی با قوانین حقوقی خود در انگلستان

قابل قبول هستند یا نه.

برای تقاضای ویزا به کجا مراجعه نمایم؟

شما باید برای دریافت ویزایان به بخش ویزای یکی از دفاتر دیپلماتیک بریتانیا در کشوری که شهروندی آن را دارید و یا در کشوری که در آن زندگی می کنید مراجعه کنید. معمولاً به سفارت، کمیساریای عالی و یا کنسولگری بریتانیا "دفاتر دیپلماتیک بریتانیا" می گویند. تعداد معدودی از این دفاتر بخش ویزا ندارند ولی می توانند به شما بگویند که برای دریافت ویزا به کجا باید رجوع کنید. شما باید از کارکنان بخش ویزا بخواهید تا به شما پرسشنامه موسوم به VAF1 را بدهند که فورم تقاضای ویزا برای کسانی است که می خواهند ویزای ویزیتور بگیرند. این پرسشنامه رایگان است. شما همچنین می توانید این پرسشنامه را از روی سایت اینترنتی Ukvisas (که یک دفتر دولتی است) و به آدرس www.ukvisas.gov.uk دریافت کنید. لطفاً این پرسشنامه را به همراه راهنمایی هایی که با آن وجود دارد به دقت مطالعه کنید.

به چه چیزهایی احتیاج دارید

یک نسخه پر شده از پرسشنامه تقاضای ویزا پاسپورت (که باید تمام دوره مسافرت تان اعتبار داشته باشد) دو قطعه عکس مناسب پاسپورت که به تازگی گرفته اید هزینه پرداخت برای اخذ ویزا به ارزش کشوری که در آن دفتر صدور ویزا قرار دارد (ما این وجه را حتی اگر تقاضای ویزای تان رد شود به شما برنمی گردانیم) هر سند دیگری که فکر می کنید باید مورد نظر قرار گیرد شما می توانید این اسناد را خودتان تحویل دهید. برخی از دفاتر صدور ویزا تقاضای پستی هم قبول می کنند. دفتر محلی ویزا می تواند به شما بگوید که آیا آن نیز تقاضای پستی قبول می کند یا نه و روال کاری آنها چگونه است.

وقتی که پرسشنامه تقاضای ویزا را ارسال کردید

وقتی که پرسشنامه تقاضای ویزای تان را عرضه کردید، این پرسشنامه پس از مدت کوتاهی بررسی می شود. پس از آن، دفتر صدور ویزا:

تقاضای ویزای شما را قبول می کند؛ یا ممکن است از شما بخواهند اسناد بیشتری را عرضه کنید تا آنها با تقاضای شما برای ویزا موافقت کنند. اگر چنین چیزی رخ دهد به این معنا نیست که با تقاضای شما مخالفت شده است بلکه تا زمانی که اسناد لازم را تهیه کنید در صدور ویزا تأخیر می شود. شما می توانید از این وضعیت اجتناب کنید اگر از قبل با دقت اسنادی را که باید عرضه کنید تهیه کنید (در این باره به بالا رجوع کنید). در برخی موارد، از شما یا ضامن تان ممکن است خواسته شود تا "فورم تعهد ضامن شدن" را پر کنید. اگر چنین چیزی رخ دهد در آن صورت دفتر صدور ویزا به شما این فورم را به همراه هر توضیحی که لازم باشد خواهد داد.

تصمیم درباره ویزا اغلب بدون بررسی بیشتر معمولاً گرفته می شود ولی برخی مواقع انجام یک مصاحبه رسمی ممکن است لازم بشود.

مصاحبه

اگر از شما برای شرکت در یک مصاحبه کامل دعوت شود در آن صورت همچنین ممکن است از شما خواسته شود تا اسناد بیشتری را، مانند آن اسنادی که در بالا ذکر کردیم، عرضه کنید. صرف دادن اسنادی که ما تقاضا می کنیم تضمینی برای صدور ویزای تان نیست ولی به تصمیم درباره آن کمک می کند.

خودتان را برای مصاحبه همانطور آماده کنید که برای عرضه تقاضای ویزای تان آماده کرده اید (در این باره به بالا رجوع کنید). درباره دلایلی که برای دیدارتان دارید کاملاً مطمئن باشید. همچنین درباره منبع پولی که لازم دارید و محلی که در آن مقیم خواهید شد نیز مطمئن باشید. درباره دلایلی که به علت آن باید بریتانیا را بعد از دیدارتان ترک کنید نیز روشن باشید.

در مصاحبه تان شما در صورت لزوم می توانید از مترجم برخوردار باشید. به همه سئوالاتی که می شود به دقت و به راستی جواب بدهید. به یاد داشته باشید که ممکن است از شما سئوالاتی صریح و حتی شخصی پرسیده شود. اگر سئوالی را متوجه نمی شوید این را بگویید. اگر پاسخ به سئوالی را هم نمی دانید این را هم بگویید. توضیح تان را ساده نگه دارید و سعی نکنید حدس بزنید که آنها چه می خواهند بشنوند. اگر در حین مصاحبه گیج شدید، قدری صبر کنید. آنها متوجه هستند که شما احتمالاً دلواپس هستید. آرامش خود را حفظ کنید و توجه کنید که معمولاً از هر ۱۰ نفری که تقاضای ویزا می کند به ۹ نفر ویزا می دهند.

اگر آنها فکر کنند که شما از شرایط مقررات مهاجرت برخوردار نیستید (به قاعده ۴۱ در بالا رجوع کنید) در آن صورت آنها با تقاضای ویزای شما مخالفت خواهند کرد. مأمور صدور ویزا این تصمیم را بطور کتبی در اختیارتان قرار خواهد داد. اگر شما آنطور که در قوانین بریتانیا آمده است یک "ویزیتور خانوادگی" هستید در آن صورت به شما یک فورم استیناف به همراه قدری یادداشت کمکی داده خواهد شد تا آن را پر کنید.

۶ ماه نیست وارد بریتانیا شود؛ و در صدد است در پایان دوره ای که اعلام کرده است بریتانیا را ترک کند؛ و در صدد نیست که در بریتانیا شاغل شود؛ و در صدد نیست که در محدوده بریتانیا محصولاتی تولید کند و یا خدماتی را عرضه کند. منجمه فروش مستقیم محصولات و خدمات به توده مردم؛ و در صدد نیست تا در یک مدرسه دولتی تحصیل کند؛ و مخارج زندگی و مسکن خود و وابستگانش را از طریق امکانات شخصی اش و بدون رجوع به امکانات دولتی و یا اشتغال تأمین خواهد کرد؛ یا اینکه زندگی و مسکن او و وابستگانش از طریق خویشاوندان و دوستانش تأمین می شود؛ و می تواند مخارج سفر بازگشت اش یا سفر بعدی اش را تأمین کند.

مدارک خود را تهیه کنید

قبل از اینکه تقاضای ویزا کنید، شما باید مدارک خود را جمع کنید تا اینکه بتوانید نشان دهید که از شرایط اخذ ویزا برخوردارید. توصیه هایی که پایین تر می آید صرفاً برای راهنمایی هستند. مدارک دیگری هم وجود دارند که برای اخذ ویزا قابل قبول هستند. نگران این نباشید اگر همه این مدارک را نمی توانید تهیه کنید، ولی این را هم فرض نگیرید که در صورت داشتن همه این مدارک اخذ ویزا قطعی است. مقررات (i) تا (v) فوق درباره دلایل ویزیت شماس است. شما همچنین باید نشان دهید که فقط مایل هستید از کسی دیدن کنید و درصد نیستید بیش از مدتی که گفته اید (تا حداکثر ۶ ماه) بمانید. از اینرو در بسیاری موارد، متقاضی ویزا باید همچنین همه دلایلی را عرضه کند که نشان می دهد چرا او پس از دیدار خود باید بریتانیا را ترک کند. از جمله اسنادی که به این امر کمک می کنند می اینها باشند:

ای از کارفرمای تان که در آن به شما اجازه مرخصی برای مدت معینی داده شده است. در این نامه همچنین باید قید شده باشد که شما برای چه مدتی و برای چه شغلی توسط آن کارفرما استخدام شده



اید
اگر
دارای شغل
آزاد هستید
مدارک مربوط به
فعالیت های شرکت
تان و موقعیت مالی آن
مدارک مربوط به هر مایملکی
که در کشور خود صاحب آن
اگر شما محصل هستید، نامه ای از
دانشگاه تان که در آن قید شده است
تحصیلی ثبت نام کرده اید. تاریخ شروع و پایان آن چه مواقعی
است و دوره تعطیلاتی که طی آن می خواهید از بریتانیا دیدن کنید
چه زمانی است.
همینطور این به تقاضای ویزای تان کمک می کند اگر بتوانید نشان
دهید که شما در کشورتان خانواده و روابط و مسئولیت های اجتماعی
دارید که باید به آن برگردید
مدارک مربوط به هر برنامه مسافرتی قطعی که تهیه کرده اید
مقررات (vi) تا (vii) فوق درباره تأمین هزینه اقامت و سفر بازگشت
تان (و یا سفر به مقصد بعدی تان) هم هستند. شما باید بتوانید نشان
دهید که جایی برای اقامت تان وجود دارد و یا خود به اندازه کافی
پول دارید تا همه مخارج تان در در بریتانیا را تأمین کنید و یا ضامن
تان مایل است و استطاعت این را دارد که به شما در این زمینه کمک
کند. بیاد داشته باشید که مخارج زندگی در بریتانیا ممکن است بسیار
متفاوت از مخارج زندگی در کشورتان باشد. هر چند مدارکی که در
این باره می توانند مفید باشند اینها هستند:

ریز حساب بانکی که یک دوره چند ماهه را شامل شود مدارکی که
اندوخته هایی که به آنها دسترسی دارید را نشان دهد نامه ای از
طرف ضامن تان که نشان می دهد او مایل است شما را در مدت
اقامت تان در بریتانیا از نظر مالی تأمین کند. شما همچنین لازم است
نشان دهید که ضامن تان از امکان تأمین مالی شما برخوردار است. مثلاً
با عرضه ریز حساب بانکی و یا ورقه حقوق او.
این لیست همه چیز را در بر نمی گیرد، ولی باید به شما این ایده را داده
باشد که چه نوع اسنادی برای تقویت تقاضای ویزای شما لازم هستند.
اگر شما اسنادی دیگری دارید که می خواهید از آنها استفاده کنید در
آن صورت دفتر محلی صدور ویزا می تواند به شما بگوید که آیا آنها

ویزا برای دیدار خانواده

Family Visitors

این برای افرادی است که می خواهند برای دیدار اعضای خانواده شان در بریتانیا تقاضای ویزا بکنند. در این مقاله به شما توضیح داده می شود که قبل از تقاضای ویزا چه چیزهایی را باید در نظر بگیرید و همچنین پس از تقاضای تان برای اخذ ویزا چه رخ خواهد داد و در صورت رد تقاضای تان چگونه می توانید تقاضای استیناف بکنید. این مقاله برای کسانی که در بریتانیا ضامن اعضای خانواده شان هستند که می خواهند از آنها بازدید کنند مفید است.

اولین قسمت این مقاله به روال اداری تقاضا کردن برای ویزا می پردازد و به همه کسانی مربوط می شود که اصولاً می خواهند تقاضای ویزا برای ویزیتور کنند. قسمت دوم مربوط به استیناف است. فقط برخی اعضای خانواده می توانند در صورت رد شدن تقاضای ویزایشان از حق استیناف برخوردار باشند. این مقاله پائین تر توضیح می دهد که این حق به چه کسانی تعلق می گیرد.

پیش از تقاضا کردن به اندازه کافی وقت بدهید

در بسیاری موارد ویزایان همان روزی صادر می شود که در آن تقاضای ویزا کرده اید. گاهی اوقات برخی موارد بیشتر طول می کشد. اگر تقاضای ویزایان رد شود و علیه آن استیناف کنید، در آن صورت در صورتیکه با استیناف شما موافقت شود چند هفته طول خواهد کشید تا ویزایان صادر شود. ما توصیه می کنیم که حداقل سه ماه قبل از تاریخی که در صدد هستید مسافرت کنید تقاضای ویزا بکنید.

البته موارد وجود دارد که افراد ممکن است بخواهند بطور فوری مسافرت کنند - بعنوان مثال برای عبادت خویشاوندی که بشدت مریض است. اگر شما لازم است که ویزایان را بصورت فوری دریافت کنید در آن صورت ما بیشترین تلاش مان را خواهیم کرد تا به شما کمک کنیم ولی لطفاً شما نیز در اولین فرصتی که برایتان امکان دارد تقاضای ویزا کنید.

از قبل برنامه ریزی کنید

تصمیم بگیرید که دقیقاً برای چه قرار است به بریتانیا مسافرت کنید. بیشتر کسانی که در صدد هستند برای تا حداکثر شش ماه در بریتانیا بمانند به ویزا احتیاج دارند. اگر مایل هستید برای مدتی بیش از شش ماه بمانید (بعنوان مثال برای اینکه می خواهید در اینجا کار کنید یا با کسی ازدواج کنید) در آن صورت به نوع دیگری از ویزا احتیاج دارید. اگر شما تقاضای ویزای ویزیتور بکنید ولی در صدد هستید که در بریتانیا کار پیدا کنید یا مقیم شوید در آن صورت با تقاضای شما ممکن است مخالفت شود.

همینطور لازم است تا شما از نظام مهاجرت بریتانیا مطلع شوید. هر چه بیشتر قبل از اینکه شروع کنید درباره این نظام بدانید در آن صورت برایتان آسانتر است تا متوجه شوید که وقتی تقاضای ویزا می کنید چه رخ می دهد. به ویژه این به شما کمک می کند تا درباره مقررات مهاجرت و روال اداری ویزا تقاضا کردن قدری مطلع شوید.

در این باره فکر کنید که آیا به مشاوره حقوقی نیاز دارید یا نه. اگر شما این مقاله را مطالعه کردید و هنوز مطمئن نیستید که در قدم بعد چه باید بکنید در آن صورت ممکن است لازم باشد که از مشاوره فرد متخصصی برخوردار شوید.

مشاوره خوب می تواند باعث قوت قلب شود هر چند اگر وضعیت تان ساده باشد ممکن است به آن نیازی هم نداشته باشید. اگر تصمیم گرفتید تا از مشاوره برخوردار شوید در آن صورت با مشاوره که خوش نام است تماس بگیرید.

مقررات را بشناسید

زبان مقررات فنی است ولی لازم است شما از اینکه این مقررات اصولاً درباره چیست سردرپیورید. بغیر از شهروندان «منطقه اقتصادی اروپا» (European Economic Area) هر کس که بعنوان ویزیتور به بریتانیا می آید باید شرایط قاعده ۴۱ از مقررات مهاجرت را تأمین کند.

۱. شرایطی که باید از طرف شخصی که بعنوان ویزیتور وارد بریتانیا می شود تأمین شوند به این قرارند:

واقعا مایل است که بعنوان ویزیتور و برای دوره کوتاهی که بیش از



reports@persianweekly.co.uk

(گردآوری و تخلص: بهزاد - ر / از کتاب قصه های هزار و یک شب)

هزار و یکشب

داستانهای

دلایله بپذیرفتند و حمال را به ندیمی برگزیده به باده گساری بنشستند. آنگاه دلایله قزابه پیش آورده پیاله بگرفت ساغری خود بنوشید و دو پیمان به دربان و خداوند خانه و پیمانهای به حمال بداد. حمال ساغر بگرفت و این شعر بخواند:

شراب لعل کس و روی مه جبینان بین
خلاف مذهب آنان، جمال اینان بین

و این بیت نیز بخواند:

اگر نه باده غم دل ز یاد ما ببرد
نهیبت حادثه بنیاد ما ز جا ببرد

پس از خواندن شعر، دست دخترکان بوسید و قدح بنوشید، قدحی دیگر پر کرده در برابر خداوند خانه ایستاد و گفت: ای خاتون من ترا مملوک و خادمم.

من ایستاده‌ام اینک به خدمت مشغول
مرا از این چه که طاعت قبول یا نه قبول

خداوند خانه گفت: بنوش که ترا گوارا باد. حمال دست او را بوسه داد و گفت:

نعیم روضه جنت بدوق آن نرسد
که یار نوش کند باده و تو گوئی نوش

الغرض به می کشیدن و غزل خواندن و رقص کردن همی گذراندند تا اینکه مست شدند. دلایله برخاسته جامه برکنده و خود را به حوضی که به میان قصر اندر بود در افکند و در آب شنا همی کرد تا اینکه شسته بیرون آمد و در کنار حمال نشست و بعد دربان خود را شسته آمده پهلوی حمال نشست و در آخر صاحب خانه خود را شسته و پهلوی او نشست و بشوخی و لُهو مشغول شدند.

چون قصه بدینجا رسید بامداد شد و شهرزاد لب از داستان فرو بست.

دختر از تخت به زیر آمد و گفت: چرا این بیچاره را زیر بار گران داشته‌اید! پس دخترکان با هم یار گشته بار از دوش حمال به زیر آوردند و سبد را خالی کرده هر چیزی را بجای خود گذاشتند و دو دینار به حمال داده گفتند بیرون شو. حمال به حُسن و جمال دخترکان نظر کرد و از اینکه مردی به خانه اندر نبود و همه گونه خوردنی و می و نقل آماده داشتند دل به بیرون نمی‌نهاد. دختران گفتند: چرا نمی‌روی؟ اگر مزد کم گرفته‌ای یک دینار دیگر بستان. حمال گفت: نه والله. ده برابر مزد خود گرفته‌ام و لکن در کار شما بحیرت اندرم که شما بدینسان چرا نشسته‌اید و در میان شما از چه سبب مردی نیست تا با شما انس گیرد و زنان را بی‌مرد، عیش بسی ناتمام است و گفته‌اند که سقف را چهار پایه باید تا دیر پاید اکنون شما سه تن هستید و از چهارمین تن ناچار است که مرد آزاده عاقل و سخن‌دان و رازپوش باشد. دختران گفتند که ما را بیم است از اینکه راز خویشتن به هر کس فاش کنیم و ما از گفته شاعر سر نیچیم که گفته است:

تُخست موعظه پیر مجلس این حرفست
که از مُصاحبِ ناجس احتراز کنید

حمال گفت: به جان شما سو کند که من بسی امینم، نیکبها بگویم و بدیها بیوشانم:

منم که شهره شهرم به عشق ورزیدن
منم که دیده نیالوده‌ام به بد دیدن

به پیر میکده گفتم که چیست راه نجات
بخواست جام می و گفت راز پوشیدن

چون دختران سخن گفتن قَصیح او را بدیدند به او گفتند تو می‌دانی مالی بسیار به این مجلس صرف کرده‌ایم اگر ترا زر نباشد نخواهیم گذاشت که در اینجا بنشین و بر جمال صبیح و ملیح ما نظاره کنی. مگر نشنیده‌ای محبت بی‌زر دردسر است و به عاشق بی‌مال، اقبال نکند. حمال گفت: به خدا سو کند جز درمهایی که از شما گرفتم چیزی ندارم. آنگاه دلایله گفت: ای خواهران هر وقت نوبت بدو رسید من بجای او غرامت کشم. پس ایشان سخن

خریده با حمال گفت اینها را بردار و با من بیا. حمال آنها را نیز در سبد نهاده با دخترک همی‌رفت تا به دکان قصابی رسیدند. دخترک ده رطل گوشت خریده و به حمال سپرد و همی‌رفتند تا به حلوانی رسیدند. دخترک همه گونه حلوا بخرد و با حمال گفت اینها را در سبد بیه. حمال گفت: اگر با من گفته بودی، خری با خود آوردمی که اینهمه بار گران بگشود. دختر تبسمی کرده روان شد. همی‌رفتند تا به بازار عطاران رسیدند. از عطاریات از هر یکی یک شیشه خریده به حمال سپرد بعد از آن به دکان شَمَاع رسیدند ده رطل شمع کافوری خریده به حمال بداد. حمال همه آنها را در سبد گذاشته دلایله از پیش و حمال به دنبال، همی‌رفتند تا به خانه محکم اساس بلند کریاسی رسیدند. دلایله در بکوفت دختری نکو روی در بگشود. حمال دید که دربان، دختر ماه منظر سیمین بریست چنانکه شاعر گفته:

پرداخته از شیر، دو گلنار سمن بوی
انگیخته از قیز دو تُعبان سیه سار

جعدش چو یکی هندوی عاشق که به رویش
حلقه زده از کفر و شکبیا شده زَنار

حمال از دیدن او سست گشت و نزدیک شد که سبد از دوشش بر زمین افتد با خود گفت: «امروز مبارکست فالم». پس به خانه اندر شد دید که خداوند خانه دختری است از هر دو نیکوتر، به فراز تختی برنشسته و در خوبروئی چنان است که شاعر گفته:

نگار قند لب، کو را بود در زلف، سیصد چین
چو او یک بت نبیند، کس به چین و قندهار اندر

خمار چشم او تا هست زیر غمزه جادو
شکنج زلف او تا هست گرد لاله‌زار اندر

بُود جانم بر آن هندودو زلف پرشکن خرسند
بَرَد هوشم بدان جادو دو چشم پرخمار اندر



حکایت حمال با دختران

در بغداد مرد عربی بود حمالی می‌کرد. روزی از روزها در بازار ایستاده بود که دختری خداوند حُسن و جمال پدید شد بدان‌سان که شاعر گفته:

مُشک با زلف سیاهش نه سیاهست و نه خوش
سرو با قَد بلندش نه بلند است و نه راست

او سمن سینه و نوشین لب و شیرین سخنست
مشرقی عارض و خورشید رخ و زهره لَقاست

و با حمال گفت: سبد برداشته با من بیا. حمال سبد بگرفت و با دخترک همی‌رفتند تا به دکانی رسیدند. دختر یک دینار در آورده مقداری زیتون خرید و به حمال گفت این را در سبد بیه و با من بیا. حمال زیتون در سبد گذاشت و سبد برداشته همی‌رفتند تا به دکانی دیگر رسیدند و آنجا سیب شامی و به عُمانی و انگور خلی و شفتالوی دمشقی و لیموی مصری و تَرنج سلطانی از هر یکی یک من بخرید و به حمال گفت اینها را برداشته با من بیا. حمال آنها را نیز برداشته همی‌رفتند تا به دکان دیگر رسیدند. دخترک قدری ریحان و اقحوان و یاسمین و شقایق

سالن پذیرایی دیاموند

DIAMOND RESTAURANT & BAR

دیاموند سالن مجلل پذیرائی با ظرفیت ۲۰۰ میهمان، جهت برگزاری جشنهای نامزدی، عروسی، تولد و ضیافت های خانگی و برگزاری مراسم ترحیم می باشد.

دیاموند آماده گی خود را برای برگزاری جشنهای شما اعلام میدارد.

شما می توانید سالن دیاموند را جهت برگزاری جشنهای خود اجاره کرده و غذای مورد نظر خود را از هر رستورانی که مایل هستید سفارش دهید و یا شخصا تهیه فرمائید.

با ما جهت سفارش کیک عروسی و تولد، عکاس و فیلمبرداری، گل آرائی، سفره عقد، ماشین های تشریفاتی لموزین بنتلی و مرسدس بنز، گروه موزیک و خواننده د لخواه خود مشورت فرمائید.

برای کسب اطلاعات بیشتر و بازدید سالن با شماره تلفنهای زیر تماس حاصل فرمائید.

0208 44 66 292

079 303 151 75

289 Ballards Lane, London, N12 8NR





reports@persianweekly.co.uk

خدمات تصویر برداری و مجالس

عکاسی مدل - فیلمبرداری مراسم شما با بهترین کیفیت

078 6509 4370

طراحی وب سایت

0800 084 2021

07930 31 8796 www.websazan.co.uk

آیا شمال کچل می شود؟!



شمال در حال جان کندن است. کلاردشت کچل تر از قبل شده و کجلی های آن کله به کله دیوارچینی شده اند تا به ویلا تبدیل شوند. جنگل ها و مزرعه ها و شالیزارها دارند تند و تند ساختمان می شوند. ساحل ها و گردشگاه های عمومی سرشار از زباله هستند. مردمی که برای تفریح آمده اند در دو متری سطل زباله، پس مانده غذایشان را روی زمین رها می کنند. آدم حالش حساسی گرفته می شود. بزرگراه رشت و انزلی تیر خلاص گیلان شده. از ترافیک دیگه نگو، که حتی ماهی ها از زیر پل غازیان بمرداب رفت و آمد نمیکنند. میترسند راه بندان ماشین ها رو پل، باعث فرو ریختن پل بشه، از پیاده رو چیزی نباید گفت که عملا توسط مسافران غصب شده، یا چادر زده اند، یا بساط صبحانه و نهار شام برقراره، در واقع در هتل پیاده روها جای خالی گیر نمیداد، جالبه که برگشتنی انهایی که سالم بشهرو دیار شان بر میگرددند، واسه دوست و فامیل تعریف میکنند "ای شمال خوش گذشت!!ها!!" البته این درد سالیان ساله، که مردم چه از قبل و بعد از انقلاب توسط مسئولین بی کفایت و لیاقت استان میکنند، مردم نیازمند رفاه وامکانات گردشگری میباشند و بسی بیشتر از اینها استحقاق دارند.بامید آن روز...

پ - ن : را ستی آمارمغروقین سواحل انزلی وغازیان وتلفات رانندگی تابستان امسال جاده رشت و انزلی را کسی میدونه ؟

با سپردن کلیه مشکلات خود در امور تصادفات به

کادر مجرب Signature Claim آسودگی خاطر خود را تضمین نمایید.

تعویض اتومبیل تصادفی شما
رفع مشکلات دریافت خسارت
جلوگیری از افزایش قیمت بیمه
قرار ملاقات در محل مورد نظر شما



تصادف کرده اید و فکر میکنید مقصر نیستید؟

در موقع تصادف سرنشین بوده اید؟

جهت دریافت خسارت از بیمه دچار مشکل شده اید؟

آیا دچار حادثه در محل کار یا خیابان شده اید؟

آیا راننده تاکسی هستید و ماشین PCO لازم دارید؟

با یک تلفن به کمپانی Signature Claim می توانید به همه خواسته های خود دست یابید.

Signature
ACCIDENT CLAIM HELPLINE LTD

برای اطلاعات بیشتر با آقای محمد عزیزی
تماس حاصل فرمایید

07958 192 192

azizi@signatureclaims.co.uk

5 Park Road, West Hendon, London, NW4 3QB

Tel: 020 8202 2822 08000 470 940



reports@persianweekly.co.uk

گردآوری و بازنویسی مهدی از لندن

ورزشی ایران و جهان

سومین مدال طلای پیاپی برای جگر ابرونی ۵۵ کیلویی



حمید سوریان، سومین مدال طلای متوالی جهانی را برای کشتی فرنگی کشورمان به ارمغان آورد و به اسطوره‌های تاریخ کشتی پیوند خورد. در تاریخ کشتی ایران قبل از او فقط ۴ نفر دیگر سه مدال طلای متوالی را از مسابقات جهانی کشتی به ارمغان آورده‌اند. در این بین اولین نفر منصور مهدی‌زاده بود که در سالهای ۱۹۶۱، ۱۹۶۲ و ۱۹۶۳ در مسابقات جهانی یوکوهاما، تولیدو و صوفیه قهرمان جهان شد. دومین نفر عبدالله موحد بود که از سالهای ۱۹۶۵ تا ۱۹۷۰ در ۶ دوره متوالی از المپیک و مسابقات جهانی در وزن ۶۸ کیلوگرم صاحب گردن‌آویز طلا شد اما در این عرصه سومین مرد ابراهیم جوادی است که از مسابقات جهانی ۱۹۶۹ ماردل‌پلاتا در ۳ سال متوالی عنوان قهرمانی جهان را تصاحب کرد. رسول خادم در این عرصه مرد چهارم بود که در سالهای ۱۹۹۴، ۱۹۹۵ و ۱۹۹۶ قهرمان مطلق مسابقات کشتی آزاد قهرمان جهان شد. بعد از این ۴ نفر، نوبت حمید سوریان است که در سالهای ۲۰۰۵، ۲۰۰۶ و ۲۰۰۷ قهرمان مسابقات کشتی جهانی شده است اما در کل ورزش‌ها، فقط این افراد صاحب ۳ مدال طلای جهانی و المپیک شده‌اند.

۱- غلامرضا تختی - ۲- امامعلی حبیبی - ۳- منصور مهدی‌زاده - ۴- ابراهیم جوادی - ۵- رسول خادم - ۶- حمید سوریان - ۷- حسین رضازاده - ۸- عبدالله موحد - ۹- محمد نصیری

پرسپولیس در آستانه سقوط از لیگ برتر به دسته یک



دادگاه عالی ورزش، باشگاه پرسپولیس ایران را به پرداخت ۱۹۰ هزار یورو محکوم کرد.

«رافائل»، بازیکن فصل گذشته پرسپولیس که پیش از پایان قراردادش با پرسپولیس از این تیم کنار گذاشته شد، به دلیل پرداخت نشدن مطالباتش به فیفا شکایت کرد. فیفا نیز این مسأله را به دادگاه عالی ورزش ارجاع داد که CAS با ارسال نامبری به باشگاه پرسپولیس اعلام کرد که این باشگاه باید مبلغ ۱۹۰ هزار یورو بپردازد.

براساس این گزارش، باشگاه پرسپولیس باید ۵۵ هزار یورو به رافائل و ۱۳۵ هزار یورو به شرکتی که کار انتقال این بازیکن نیجریه ای به پرسپولیس را برعهده داشته، بپردازد. پس از این حکم، باشگاه پرسپولیس به رأی صادره فرجام خواهی کرده، اما دادگاه عالی ورزش اعتراض باشگاه ایرانی را نپذیرفته است و پرسپولیس باید هر چه سریعتر این مبلغ را بپردازد، زیرا در صورت پرداخت نشدن این مبلغ، پرسپولیس به دسته اول و کسر شش امتیاز محکوم خواهد شد.

حبیب کاشانی اظهار داشت: این حکم قطعی است و اگر پرسپولیس در سریعترین زمان ممکن این مبلغ را نپردازد، ضمن سقوط به یک دسته پایین تر، شش امتیاز نیز از باشگاه کسر خواهد شد.

وی افزود: این مسأله را به صورت کتبی برای رئیس هیأت کاشانی افزود: پس از صدور حکم CAS نسبت به آن فرجام خواهی کردیم، اما، دادخواست ما به نتیجه ای نرسید و باید در سریعترین زمان ممکن این پول را بپردازیم.



حجازی: روزنامه‌تان به درد سبزی پیچیدن می‌خورد!

ادعای عجیب حجازی بعد از ناکامی استقلال مقابل سایپا: من و پروین نباشیم روزنامه های ورزشی فروش نمی‌کنند!

ناصر حجازی بعد از باخت پرسروصدای تیمش مقابل سایپا در چند مصاحبه مختلف حرفهایی زد که چکیده‌ای از آن را می‌خوانید:

* ضعف اصلی ما در خط هافبک است، جایی که بازیکنان میانی با فاصله بسیار نسبت به خط دفاع بازی می‌کردند. برخلاف ما سایپا در زمان ضربات ایستگاهی و کرنرها با ۹ نفر دفاع می‌کرد.

شنیده های ورزشی

AFC و فیفا از تغییر مکرر رئیس فدراسیون فوتبال کشورمان خسته شده‌اند و شاید به همین خاطر باشد که تصمیم می‌گیرند در فوتبال ما دخالت کنند.

ناصر ابراهیمی مربی تیم ملی با بیان مطلب فوق اظهار داشت: فوتبال ما در ۲۹ سال، ۱۴ رئیس به خود دیده است به طوری که در کشوری مانند انگلیس در ۶۰ سال ۵ رئیس بر سر کار آمده‌اند.

وی ابراز امیدواری کرد که رئیس جدید فدراسیون فوتبال از حمایت دولت برخوردار باشد تا بتواند برنامه‌های خود را به خوبی پیش ببرد.

جریمه 5 میلیون تومانی استقلال به علت فحاشی هواداران

کمیته انضباطی فدراسیون فوتبال، باشگاه استقلال تهران را به علت فحاشی هواداران به پرداخت مبلغ ۵۰۰ میلیون ریال جریمه نقدی محکوم کرد و هشدار داد در صورت تکرار، تنبیه شدیدتری به جز جریمه نقدی در انتظار خواهد بود.

آخرین فرصت ناصر حجازی

چندین روزنامه ورزشی مدعی شدند که بازی استقلال با پرسپولیس آخرین فرصت ناصرحجازی خواهد بود و اگر حجازی در دربی بیازد حتماً برکنار می‌شود.

«شنیده می‌شود اتهامهای بی اساس و حرفهای غیر منطقی ابراهیم قاسمیور در برنامه ۹۰ احتمالاً به محرومیت یکی دو ساله وی از میادین ورزشی انجامیده و حتی ممکن است دادگاهی اش کند. لازم به یاد آوریم که وی بعد از بازی صنعت نفت آبادان با ابومسلم در اعتراض به داوری گفت: فوتبال و داوری این مملکت به لجن کشیده شده است. گویا احتمال بازگشت علی انصاریان به استقلال جدی شده و فتح... زاده و پروین در این باره مذاکراتی داشته‌اند.

«قرارداد جواد نکونام هفته آینده تمدید خواهد شد. جواد قراردادی سه ساله با اواسونو امضا خواهد کرد و تا سال ۲۰۱۰ در این تیم باقی خواهد ماند.

این بازیکن در حال حاضر برای مداوای پای مصدوم خود در آلمان بسر می‌برد.

مکلارن نقره داغ شد



فدراسیون بین‌المللی اتومبیلرانی تیم مک لارن مرسدس را به اتهام جاسوسی به پرداخت جریمه مالی و از دست دادن امتیازهایش در فصل جاری رقابتهای فرمول یک محکوم کرد. FIA پنجشنبه پس از نشست چند ساعته‌اش در پاریس، مک لارن مرسدس صدرنشین کنونی رقابتهای فرمول یک را به دلیل جاسوسی ورزشی و دسترسی غیر قانونی به اطلاعات فنی تیم فراری به پرداخت یکصد میلیون دلار و از دست دادن تمام امتیازهای فصل جاریش محکوم کرد

طمع مارادونا



دیه گو آرماندو مارادونا برای بازی نمایشی مقابل تیم ۱۹۸۶ انگلستان مبلغ ۷۴۰ هزار پوند طلب کرده بود. این بازیکن پیشین فوتبال که گل معروف او دست خدا باعث پیروزی ۲ بر یک تیم ملی آرژانتین مقابل انگلستان در جام جهانی ۱۹۸۶ شد، از برگزارکنندگان دیدار نمایشی تیم های جام جهانی ۸۶ آرژانتین و انگلستان درخواست ۷۴۰ هزار پوند کرده بود که این درخواست رد شد. برپایه این گزارش، مارادونا ۴۶ ساله رقم پیشنهادی خود را کاهش داده و طبق گزارش سان، آن را به ۲۰۰ هزار پوند رسانده است.

این دو تیم قرار است در تاریخ ۱۴ اکتبر در ویلاپارک بیرمنگام با یکدیگر مسابقه دهند. ستارگان پیشین فوتبال انگلستان همچون برایان رابسون، گلن هادل، پیتر رید، ری ویلکینز و کریس وادل برای حضور در این دیدار ابراز آمادگی کرده‌اند. گری لینه کر که تک گل انگلستان در دیدار یک چهارم نهایی مکزیک را در دقیقه ۸۰ مقابل آرژانتین به ثمر رساند، این بازی را آغاز میکند. مارادونا پس از کنار گذاشتن فوتبال از چاقی مفرط رنج میبرد. او تا به حال چندین بار به خاطر استفاده از کواکابین و مشروبات الکلی در بیمارستان بستری شده

در چهار چوب مسابقات جام باشگاههای آسیا استادیوم نقش جهان اصفهان



سپاهان ایران - کاوازاکی ژاپن

لیگ برتر فوتبال ایران هفته ششم	
جمعه	شهریور 30
نفت	مس
سایپا	استقلال
بگه	اهواز
شیرین فراز	راه آهن
ابومسلم	ملوان
پرسپولیس	پیکان
فجرسپاسی	فجرسپاسی
جمعه	شهریور 30
سپاهان	پاس

نامی مطمئن و پیشرو

5 STAR SAT

ساتلایت ۵ ستاره

کنترل کلیه کانالها از هر جای منزل بدون نیاز به سیم کشی

نصب آنتن تلویزیون و نصب تلویزیون پلاسما

نصب و راه اندازی کانالهای ماهواره ای در تمام نقاط انگلستان

Tel: 020 8395 3114
Help Line: 07817 690 167

Technomate

Your Digital Partner For Life

نصب و تبدیل سیستم ثابت و موتورایزر
جهت دریافت هزاران کانال افغانی، فارسی
کردی، عربی، ترکی و اروپاییآریانا TV از کابل
آریانا افغانستان از آمریکا

رستوران دربند

رستوران دربند در منطقه KINGS CROSS با مدیریت جدید و
غذاهای مطبوع و متنوع ایرانی با بهترین کیفیت و قیمت‌های مناسب
پاتوق جدیدی برای شما جوانان عزیز و خانواده های محترمان

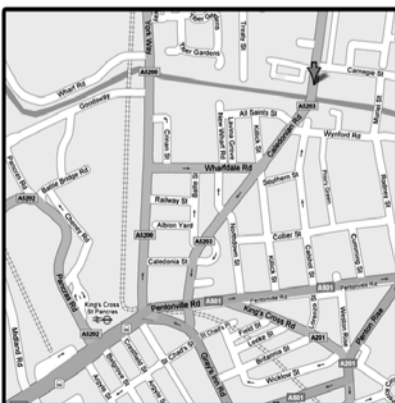
رستوران دربند آماده پذیرایی از جشنها و مهمانی های شما

امکانات تحویل درب منزل یا محل کار شما مهیا می باشد

65 Caledonian Road Kings Cross N1

Tel: 020 7833 8088

Under Ground: Caledonian Road



www.euaccident.co.uk

License No. : CRM3039

EU Accident Management



3 Months Free Service
4 Free TYRES for Cab Drivers

**Replacement Vehicle,
Repair, Loss of Earnings,
Injury Compensation**

P.C.O REGISTERED MINI CAB DRIVERS

020 8201 8681

084 5430 0347

BT Local Rate

078 9153 0392 Fax: 084 5430 0346

SUIT K, TUDOR HOUSE, LANVANOR RD, NW2 2AR



DICLE INTERNATIONAL FOOD CENTRE



قیمتهای مناسب برای ماه رمضان

سرویس دوستانه تحویل درب منزل شما برای خرید بیش از £30

انواع محصولات ایرانی، یونانی، ترکی، خاورمیانه ای و....

سوپر دجله

گوشت حلال، میوه جات و سبزیجات تازه

مرغ، زبان، دل و قلوه و...

بهترین زیتون و پنیر یونانی

هر آنچه مورد نیاز است در سوپر دجله موجود می باشد

ساعت کار: ۷ روز هفته از ۷ صبح تا ۱۱ شب

Tel/Fax: 020 8349 3414

Turkish, Greek, Iranian, Middle Eastern
& Eastern European Foods

Daily Fresh Halal Meat and Fruit & Vegetables

Turkish Delight

Full range of Persian Sweets

We make FRESH BREADS everyday

Delicious selection of GREEK cheese & Olive

Halal Meat

151-153 Ballards Lane,
Finchley, London, N3 1LJ



شما می توانید از طریق ایمیل با پزشک هفته نامه پرشین در ارتباط باشید. pezeshk@persianweekly.co.uk

جویدن ناخن و یک راه حل تازه

آیا شما از آن دسته افرادی هستید که هنگام نگرانی، نا آرامی یا تنها از سر بی حوصلگی، انگشت به دهان برده و ناخنهای خود را میجوید؟ آیا ناخنهای شما از شدن جویده شدن رشته رشته شده یا از شدت کوتاه شدن به سادگی زخمی و خون آلود میشود؟

جویدن ناخن چیزی بیش از یک عادت بد است. پزشکان میگویند که این کار یکی از رایجترین نشانه های اضطراب یا ناهنجاریهای وسواس گونه به خصوص در نوجوانان و کودکان سنین دبستان است و میتواند به از شکل افتادگی عضو و عفونتهای جدی منجر شود.



آلن ریموند ون آبه (Alain-Raymond van Abbe) یکی از توسعه دهندگان سابق صنعت آرایش و بهداشت، تعداد جوندگان ناخن در سراسر جهان به بیش از ۶۰۰ میلیون نفر میرسد. او متوجه شد که جویدن ناخن به قدری رواج دارد که میتوان تنها برای درمان همین مشکل، کار تجاری بزرگی راه اندازی کرد.

او میگوید: "تنها در ۴ هفته جویدن ناخن متوقف خواهد شد - برای همیشه متوقف خواهد شد."

تحقیقات نشان میدهند که حدود ۴۵٪ نوجوانان ناخنهای خود را میجویند. در زمانی که این افراد به سنین اولیه جوانی رسیده و مبارزه یا کنار آمدن با تنشها و اضطراب خود را می آموزند و یا از این رفتار خود ویرانگرانه به شدت شرمند میشوند، این رقم به حدود ۲۰٪ کاهش میابد.

افرادی که بی اراده به جویدن ناخن میپردازند، در مجامع عمومی کوشش میکنند تا با قرار دادن دست در پشت یا در جیب، تا جای ممکن دستهای خود را از دید دیگران پنهان کنند. آنها از شکل ناخنهای و دستهای خود خجالت میکشند، احساس افسردگی داشته و از تماسهای اجتماعی اجتناب میکنند. به گفته ون آبه مراجعان او طوری از این عادت رنج برده و آنرا نوعی رفتار تنگ آور میدانند که هیچ یک برای مصاحبه یا تهیه عکس داوطلب نمیشوند.

طبق محاسبات وی، تنها در هلند ۲ میلیون نفر به طور مزمن و شدید از این مشکل رنج میبرند و این تعداد برای مشغول نگه داشتن و سوددهی تشکیلات او کافی به نظر میرسد. ون آبه برای هر دوره درمان ۶۷۰ دلار دریافت میکند. او که از نظر حرفه ای بیشتر از آنکه پزشک باشد، یک بازاریاب و تاجر است، خود را حلال مشکلات میدانند. روش درمان او بر نوعی حفاظ دندان متکی است که برای دندانهای بالا یا پایین قالب گیری و ساخته میشود. این حفاظ تقریباً غیر قابل رویت بوده و استفاده از آنها جویدن ناخن را غیر ممکن میسازد. البته این حفاظها متحرک هستند و هنگام غذا خوردن برداشته میشوند.

به گفته ون آبه "پس از چهار هفته، این اقدام ناخودآگاهانه، به قدری بی نتیجه باقی میماند که به مرحله قابل کنترل میرسد و شخص دیگر مشکلی نخواهد داشت."

توجه بیشتر به ناهنجاریها

ون آبه، پس از طرح و اجرای راه حل خود و بیش از دو سال کار با ۱۵۰ مشتری داوطلب، یک خانه آجری در نزدیکی مرز آلمان را بازسازی و آنرا با صدلیهای راحتی مخصوص مانیکور مجهز کرده و این مکان را به ترمیم انگشتان و ناخنهای دست و پای بیماران درمان شده، که توسط متخصصین زیبایی انجام میگردد، اختصاص داده است. شاید تعجب کنید اما بعضی از مشتریان او ناخنهای پای خود را نیز میجویدند که حتی در میان آنان مردی ۴۰ ساله نیز هست. به گفته آبه، اگر از جوانی این کار را شروع کرده باشید، بدنتان انعطاف پذیر خواهد ماند و جویدن ناخن یا برایتان مشکل نخواهد بود.

جویدن ناخن یکی از موارد موجود در دسته ناهنجاریهای تکانه ای-وسواسی است که به نام "رفتارهای تکرار شونده متمرکز بر بدن" شناخته میشوند و در حال حاضر مورد توجه علمی فراوان قرار دارند. از جمله موارد دیگر در این مجموعه میتوان به کندن مو (سر، ابرو، ریش و سبیل)، کندن پوست صورت و بدن و جویدن داخل گونه ها و لب اشاره نمود.

لارنس میشلتی (Lawrence Micheletti) استادیار روانشناسی دانشگاه تگزاس در اینباره میگوید که بسیاری از تحقیقات انجام شده درباره جویدن ناخن، بر تنشها و فشارهای روانی و بر دروانهایی که از طریق معالجه ریشه بیماری انجام میشود، متمرکز هستند.

اما در اینجا همان مسئله مرغ و تخم مرغ وجود دارد، زیرا نتیجه بدشکل و زشتی که از آسیب رساندن به خود ناشی میشود نیز، بر مقدار تنش و ناراحتی بیمار اضافه میکند. به گفته میشلتی: "اگر بتوان علائم بیماری را درمان کرد، تنش کاهش یافته و شخص، روحیه شادتری خواهد داشت."

میشلتی که در زمینه کنترل تنش و اضطراب با تعداد بسیاری از نوجوانان کار کرده است میگوید که جویدن ناخن، یکی از شایعترین نشانه های این بیماریهای روحی در میان بیماران است.

او میگوید که ون آبه موفق شده است روشی پذیرفتنی ابداع کند زیرا از نظر بالینی، درمان باید شامل هر دو جنبه شناختی و رفتاری باشد. اما او درباره شیوه تجاری ون آبه کمی مشکوک به نظر میرسد.

او میگوید: "من هرگز به فکر ایجاد کلینیکی مخصوص درمان جویدن ناخن نیافتاده بودم. زیرا نمیخواهم برای گذران زندگی تنها بر افرادی که ناخن میجویند متکی باشم."

هستند.

- بی تفاوت - مهاجم - سرسخت، بدخلق و قهرکننده، ترسان از صاحب اختیار بودن، و سهل انگار هستند؛ همیشه کارها را به تعویق انداخته، استدلالی بوده و به سختی از دیگران کمک پذیرفته یا عقاید خود را کنار می گذارند.

- ضداجتماعی - خودپسند بی عاطفه، بی نظم و بی قاعده، تحریک پذیر و بی پروا هستند؛ از تجارب درس عبرت نمی گیرند و در تحصیل و کار ناموفقند.

- بینابینی - تحریک پذیر، دارای شخصیت ناپایدار و تغییر شخصیتی هستند؛ احساسات خود از جمله خشم، ترس و احساس گناه را نابجا بروز می دهند؛ نمی توانند خود را کنترل کنند؛ مشکلات هویت دارند؛ ممکن است اقدام به خودزنی کنند (ایجاد جراحت یا سوزاندن قسمتی از بدن برای کاهش تنش خود) و گاهی دست به خودکشی می زنند.

علل: ناشناخته است. فرضیه های موجود در این زمینه نقش عوامل زیست شناختی، تکامل اجتماعی و روانی را مطرح کرده اند.

عوامل تشدید کننده بیماری:

- سابقه سوء رفتار دیگران با فرد در کودکی

- سابقه خانوادگی اختلالات خلقی

پیشگیری:

- رفتار سالم پدر و مادر با کودک

عواقب مورد انتظار:

درمان برای برخی بیماران مؤثر بوده و یک تغییر تدریجی در شخصیت و رفتار به همراه دارد. برای سایر بیماران، درمان نقش نگه دارنده داشته و در مورد برخی بیماران عاقبت درمان ناامیدکننده است.

عوارض احتمالی:

- مشکل در حفظ شغل و ارتباط با دیگران؛

- اضطراب و افسردگی

- سوء مصرف داروها

- عدم پایبندی به درمان

- خودکشی

درمان:

اقدامات تشخیصی ممکن است شامل مشاهده علایم بیمار توسط سایرین باشد. در این موارد و بررسی سابقه طبی، سابقه رفتاری، معاینه فیزیکی و ارزیابی روانشناختی توسط فرد درمانگر لازم است. درمان این اختلالات مستلزم اعتقاد متقابل بین درمانگر و بیمار است. تحقق این امر ممکن است مشکل باشد، زیرا در این اختلالات اغلب انگیزه دریافت درمان مربوط به اطرافیان بیمار است نه خود بیمار. درمان روانشناختی ممکن است شامل خانواده درمانی و گروه درمانی، موقعیت های زندگی گروهی و گروه های خودیاری باشد. روش های تغییر رفتار با یادگیری مهارت های اجتماعی، تقویت رفتارهای به جا، محدود کردن رفتارهای نابجا، یادگیری بروز احساسات، تحلیل شخصی از رفتار و مسؤلیت پذیری در مورد رفتارها در ارتباط است.

داروها:

هیچ دارویی برای علاج یا درمان اختلالات شخصیتی وجود ندارد، ولی ممکن است داروهای برای درمان بیماری های همراه تجویز شدند، مثلاً:

- داروهای ضد افسردگی برای افسردگی؛

- داروهای ضد اضطراب

- داروهای ضد روان پریشی (سایکوز)

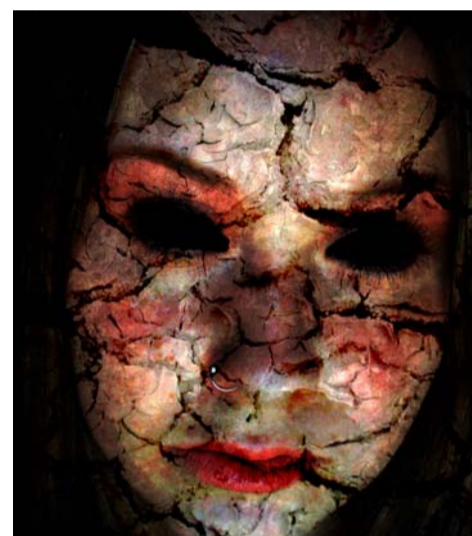
در چه شرایطی باید به پزشک مراجعه نمود؟

- اگر شما یا یکی از اعضای خانواده تان دارای علایم اختلالات شخصیتی باشید.

- اگر علایم پس از شروع درمان تدام یافته یا بدتر شود.

- اگر دچار علایم جدید و غیر قابل توجیه شده اید. داروهای تجویزی ممکن است با عوارض جانبی همراه باشند.

اختلالات شخصیت



(Personality Disorders)

شرح بیماری:

اختلالات شخصیت گروهی از حالات روانی که بیماری نبوده، بلکه شیوه های رفتاری هستند. خصوصیات این اختلالات عبارتند از الگوهای رفتاری نسبتاً ثابت، انعطاف ناپذیر و ناسازگار که به بروز مشکلاتی در ارتباط برقرار کردن با دیگران و مشکلات شغلی و قانونی منجر می گردد. افراد دچار این حالات تصور می کنند که الگوهای رفتاریشان طبیعی و صحیح است.

انواع:

- پارانوئید - دارای شک و بی اعتمادی غیرمنطقی نسبت به دیگران؛ در زمینه بی اعتمادی، دارای حالت تدافعی و حساسیت بیش از حد نسبت به دیگران هستند.

- اسکیزوئید و اسکیزوتیپال - از نظر هیجانی سرد هستند؛ در برقراری ارتباط با دیگران مشکل دارند. گوشه گیر، خجالتی، خرافاتی و از نظر اجتماعی منزوی هستند.

- جبری - کمال گرا، دارای عادت خشک، و مردود بوده و نیازهای طبیعی خود را مهار می کنند.

- نمایشی (هیستریونیک) - وابسته، فاقد بلوغ فکری، زودرنج، عاطل و باطل، دائم خواستار تشویق و توجه دیگران بوده و با ظواهر یا رفتار خود با دیگران ارتباط برقرار می کنند (جلب توجه می کنند)

- خودشیفته (نارسیسیستیک) - دارای یک حس خودباوری بیش از حد بوده، شیفته قدرت هستند؛ نسبت به دیگران بی علاقه هستند. خواستار توجه دیگران بوده و احساس می کنند که سزاوار توجه ویژه هستند.

- دوری گزین - ترس و واکنش بیش از معمول نسبت به رشدن؛ اعتماد به نفس پایین؛ از نظر اجتماعی گوشه گیر و وابسته هستند.

- وابسته - غیرفعال، بیش از حد پذیرای نظرات دیگران، ناتوان در تصمیم گیری؛ فاقد اطمینان

پزشک هفته نامه پرشین آماده پاسخگویی و راهنمایی شما عزیزان می باشد



reports@persianweekly.co.uk

لطفا ما را از خبرهای اطراف خود مطلع نمائید
برای مشاهده هفته نامه بصورت رنگی به وب سایت مراجعه نمائید

بمناسبت اجرای نمایش کمدی هنرمندان پرآوازه هادی خرسندی و پرویز صیاد در لندن

هادی خرسندی، متولد خراسان در سن ۱۸ سالگی در سال ۱۳۴۰ با نوشتن طنز در روزنامه توفیق کار خود را آغاز نمود وی یکی از محبوبترین و مشهورترین طنزنویسان ایرانی است که هم به نثر و هم به نظم می‌نویسد، اما بخش عمده شهرت و محبوبیتش را مدیون اشعار طنز و بداهه سرایی‌هایی است که هیچ مورد و موضوعی را که بتوان با حربه طنز افشا کرد، راحت نمی‌گذارد. بسیاری از نویسندگان و محققان طنز هادی خرسندی را با آثار شاعران بزرگ دوران انقلاب مشروطیت مقایسه کرده‌اند. هادی خرسندی در حال حاضر ساکن لندن (انگلستان) است و ضمن طنز نویسی و اجرای برنامه‌های بسیار محبوب «خرسندآپ کمدی» نشریه طنز «اصغر آقا» را منتشر می‌کند. نشریه طنز «اصغر آقا» قدیمی‌ترین نشریه منتشره در خارج از کشور است که اندکی پس از سالهای ۱۳۵۷، در لندن آغاز

به انتشار کرد و تاکنون همچنان منتشر شده است. هادی خرسندی در زمان رژیم گذشته نیز به عنوان طنزنویس منتقد شناخته می‌شد و شعر طنزی که درباره‌ی فرار بختیار، (آخرین نخست وزیر ایران پیش از سرنگونی رژیم شاه) سروده بود شهرت او را بیش از پیش کرد. هادی خرسندی به علت مخالفت و مبارزه با سانسور و دیکتاتوربیم مجبور به مهاجرت شد و اکنون سال‌هاست که در انگلستان زندگی می‌کند.

پرویز صیاد

متولد سال ۱۳۱۸ شمسی در شهر لاهیجان ولایت گیلان ایران است که کارش را با نمایشنامه نویسی و بازیگری آغاز کرده است. در سال ۱۳۳۹ بعد از بوجود آمدن تلویزیون ملی ایران، صیاد با همکاری دوستان تئاتری اش الی سال ۱۳۴۹ به تهیه تیاتر های تلویزیونی پرداخت. صیاد همراه با «اپیک یوسفیان» کار را آغاز نمود و بعد ها «اپیک یوسفیان» همراه با دخترش «ماری اپیک» در سلسله فیلم های صمد نقش ایفا نمودند و اولین کرکترهای مشهور سریال حال تلویزیونی ایران محسوب شدند. بعد از آنکه اولین نمایش موفق پرویز صیاد به نام «امیرارسلان» راه موفقیت را برایش در تلویزیون و سینما باز نمود، دوره جدید زندگی هنری وی آغاز گردید.

یک سال بعد از موفقیت اولین نمایشش،

پرویز صیاد همراه با پرویزگردان سریال موفق دیگری را بنام «سرکار استوار» ساخت که برای اولین بار کرکتر موفق و کامیدی صمد را در آن بوجود آورد.

کرکتر صمد به حدی محبوبیت پیدا نمود که در سال ۱۳۴۸ پرویز صیاد توانست اولین فلمش را به نام «صمد و قالبچه جادویی» با همکاری علی عباسی کارگردانی نماید و عین کرکتر «صمد» را در آن بگنجانند. در عین زمان به تهیه برنامه های نمایشی برای تلویزیون ملی ایران ادامه داد. از جمله نمایشهای

بسیار مشهور آن زمان وی میتوان «هشت پایا» و «مامای عزیز ناپلیون» را نام برد. ساخت اولین فلم صیاد در خارج از ایران در سال ۱۳۶۳ بنام «ماموریت»، باعث شد منتقدین فلم به بررسی و نق آثار وی بپردازند. صیاد حدود دوازده - سیزده فلم ساخته است که در اکثر آنها نقش اول را خودش به عهده داشته و تا کنون با عین کرکتر و مشخصاتی که قبل از خروج از ایران یاد میشد، ظاهر گردیده است. گفتنی است فلم «در امتداد شب» که در آن گوگوش خواننده مشهور ایرانی و سعید کنگرانی نقش دارند نیز از ساخته های پرویز صیاد است. کتاب راهنمای بین المللی فلم منتشر سال ۱۳۵۶، وی را یکی از اعضای مهم، محبوب و خارق العاده سینمای ایران شمرده است. مجله «فلم کامینت مگزین» درباره آثار صیاد نوشته است: (در اکثر آثار صیاد، زندگی اشخاص معمولی و ساده بطور ناخود آگاه طوری با مسایل سیاسی - اجتماعی به آزمایش گر فته میشود که از کنترل خود شان خارج است.)

بعضی از فلم های صیاد قرار زیر اند:

- صمد به مدرسه میرود (محصول سال ۱۹۷۳)
- صمد آرتیست میشود (محصول سال ۱۹۷۴)
- حسن کچل (محصول سال ۱۹۷۰)
- ما ما جان نیلیون (محصول سال ۱۹۷۶)
- صمد از جنگ باز میگردد (محصول سال ۱۹۷۸)
- نقطه مقابله (محصول سال ۱۹۷۷)
- مجموعه سریال های تلویزیونی برپاهای عقاب (محصول سال ۱۹۷۶)
- صمد به جنگ میرود (محصول سال ۱۹۸۴)
- فرستاده (محصول سال ۱۹۸۳)
- صمد خوشبخت میشود (محصول سال ۱۹۷۵)
- زنیورک (محصول سال ۱۹۷۵)
- در غربت (محصول سال ۱۹۷۵)
- اسرار گنج دره جنی (محصول سال ۱۹۷۴)
- مسلخ (محصول سال ۱۹۷۴)
- مظفر (محصول سال ۱۹۷۴)
- ستارخان (محصول سال ۱۹۷۲)
- خواستگار (محصول سال ۱۹۷۱)
- صمد و فولاد زره دیو (محصول سال ۱۹۷۱)
- صمد و قالبچه حضرت سلیمان (محصول سال ۱۹۶۹)
- صمد در راه ازدها (محصول سال ۱۹۷۷)
- صمد در بدر میشود (محصول سال ۱۹۷۸)
- صمد، سامی و لیلی (محصول سال ۱۹۷۲)

فعلاً پرویز صیاد در لاس آنجلس آمریکا بسر میبرد.

هادی و صمد ده سال بعد



A Theatrical Duet By : Parviz Sayyad

هادی خرسندی
در نقش خودش
پرویز صیاد
در نقش صمدش

یکشنبه ۳ سپتامبر
۱۰ بعد از ظهر
لوگان هال، لندن

برای آنها که میخواهند فقط بخندند
برای آنها که نمیخواهند فقط بخندند

Hadi & Samad,

Logan Hall, 23 Bedford Way, Bloomsbury, London, WC1H 0AL, 020 7612 6401

Contact: 078 5516 2295

Credit Card: 079 8332 9150 & 020 8343 27 27

7pm. Sunday Sep. 30



reports@persianweekly.co.uk

کوتاه و عجیب از همه جا ...

برق آسمان، جان ۷ دانش آموز را گرفت

۷ دانش آموز اوگاندایی قربانی خشم آسمان شده و جان سپردند. حادثه جوی مرگبار، ساعت یک بعد از ظهر دوشنبه به وقت محلی در مدرسه ابتدایی «بوجوگو» در غرب اوگاندا رخ داد. همزمان با بازگشایی مدرسه ها در سراسر این کشور، دست کم ۷ دانش آموز بر اثر رعد و برق جان باختند و ۱۷ نفر زخمی شدند.

اتهام های جدید ستاره سابق فوتبال آمریکا

اوجی سیمپسون ستاره سابق فوتبال آمریکا که به اتهام سرقت مسلحانه از یک هتل در لاس وگاس بازداشت شده بود، به آدم ربایی، توطئه و سرقت محکوم شد. وی در سال ۱۹۹۵ به اتهام قتل همسرش محاکمه و سرانجام از این اتهام تبرئه شد.

عروس بن لادن به دنبال طلاق

زن انگلیسی که با پسر اسامه بن لادن ازدواج کرده بود، درخواست طلاق کرده است، زیرا زندگی خود را در معرض خطر می بیند. خبرگزاری آلمان از لندن گزارش داد، به نوشته روزنامه سان، جین فلیکس براون ۵۱ ساله که یک سال پیش با عمر بن لادن ۲۷ ساله در مصر آشنا شده بود، می ترسد هر دو شان به قتل برسند. فلیکس براون زمانی که ازدواج شان یک سال پیش برملا شد گفت که «با پسر و نه پدر ازدواج» کرده و امیدوار است که مردم درباره اش فکر بدی نکنند.

اما اکنون او می گوید اعتقاد دارد که خانواده قدرتمند اسامه بن لادن در عربستان سعودی به واسطه این ازدواج احساس می کنند «تحقیر شده اند».

وی گفت خانواده بن لادن بزرگان تاثیرات سیاسی ازدواج یک زن انگلیسی با پسر اسامه بن لادن هستند. فلیکس براون، از داوون واقع در جنوب غرب انگلیس گفت: «آنها از شرمساری و پیچیدگی های احتمالی نه فقط درکشورشان بلکه در انگلیس و آمریکا در هراسند». این زن انگلیسی پیش از این پنج بار ازدواج کرده و پنج نوه دارد. عمر بن لادن در زمان ازدواج با فلیکس براون یک زن و یک فرزند دو ساله داشته است.

سقوط مشکوک شهاب سنگ در پرو

نزدیک به ۶۰۰ نفر در کشور پرو پس از سقوط شیئی که گفته می شود شهاب سنگ است، از فضا به زمین در یک منطقه دورافتاده، به بیماری مرموزی مبتلا شده و نیازمند اقدامات درمانی شدند.

افرادی که صحنه سقوط این شیء را دیده اند، پس از استنشام گازهای متصاعد شده از آن دچار سردرد، حالت تهوع و استفراغ شده اند.

۲سال حبس مجازات آتش نشان مست

یک مرد سوئدی که به عنوان مامور آتش نشان در یکی از پایگاه های سوئد مشغول خدمت بود به اتهام مستی حین خدمت بازداشت شد.

این مرد صدای زنگ هشدار را شنید و به کندی پشت فرمان اتومبیل اطفا حریق حضور یافت. او زمانی که به محل حادثه رسید بدون رعایت فاصله ایمنی در دل آتش رفت و در نزدیکی آتش توقف کرد.

پشیمانی پس از ربودن یک کودک

یک مادر و پسر که کودک ۹ ماهه ای را به قصد اخاذی ربوده بودند با گرفتن رضایت پدر و مادر فرزند از مجازات گریختند. صبح روز ۲۱ فروردین سال جاری ماموران کلانتری ۱۲۵ یوسف آباد از ربوده شدن یک کودک ۹ ماهه توسط پرستارش با خبر شدند. ماموران با حضور در صحنه دریافتند پرستار این کودک به نام «حوا» ۵۲ ساله با طرح نقشه قبلی اقدام به ربودن این کودک کرده است. ارشادی، قاضی شعبه ای ۱۰۲۳ دادگاه عمومی جزایی مستقر در دادسرای امور جنایی تهران درخصوص این پرونده گفت: پسر این زن به نام «مهدی» ۲۳ ساله ظهر همان روز با فرستادن نامه ای به در منزل این خانواده تقاضای دریافت ۲ میلیون پول کرد اما عصر همان روز این مادر و پسر از کار خود پشیمان شده و کودک را به خانواده اش بازگرداندند.

وی ادامه داد: این زن و پسرش در دفاعیاتشان انگیزه خود را از این اقدام به دست آوردن ۲ میلیون تومان پول برای پول پیش خانه عنوان کردند.

ارشادی افزود: با توجه به این مطلب که این افراد موفق به اخذ رضایت شاکی پرونده شدند، برای هر کدام از این افراد صرفاً از جنبه

عمومی یک میلیون تومان جزای نقدی در نظر گرفته شد.

سقوط مشکوک در پاساژ آلومینیوم

تحقیقات برای مشخص شدن نحوه سقوط مرد میانسالی که از یکی از طبقات پاساژ آلومینیوم به طرز مشکوکی سقوط کرد، آغاز شد. ساعت ۱۲ ظهر سه شنبه ماموران کلانتری ۱۰۹ بهارستان از سقوط مشکوک یک مرد میانسال از طبقه ششم پاساژ آلومینیوم با خبر شدند.

ماموران با حضور در صحنه دریافتند که فردی حدوداً ۵۵ ساله به طور مشکوکی از یکی از طبقات پاساژ آلومینیوم سقوط کرده است. جعفری، معاون دادسرای امور جنایی تهران درخصوص این پرونده گفت: به احتمال زیاد و طبق گفته شاهدان این فرد از طبقه ششم سقوط کرده اما هیچ کدام از ساکنان این طبقه از هویت این فرد با خبر نیستند.

وی ادامه داد: همراه این فرد هیچگونه مدرک شناسایی وجود ندارد همچنین این فرد هیچ نامه یا دست خطی نیز از خود به جای نگذاشته است.

جعفری افزود: به همراه نداشتن اوراق شناسایی و همچنین نبود هیچگونه مدرکی دال بر خودکشی، ۲ عاملی است که فرضیه قتل و سقوط عمدی را قوت بخشیده است. وی گفت: برای مشخص شدن نحوه سقوط و همچنین واقعت ماجرا تحقیقات جنایی آغاز شده است.

۳۲ قربانی حادثه هوایی تایلند شناسایی شده اند

مقام های تایلند، دیروز از شناسایی بیش از ۳۰ جنازه سوخته قربانیان فاجعه فرودگاه «فوکت» خبر دادند. پلیس تایلند اعلام کرد جنازه های سوخته ۳۲ مسافر هنوز شناسایی نشده و این کار با دشواری های فراوانی رو به روست.

در همین رابطه معاون فرمانده پلیس تایلند گفت: بسیاری از جنازه های مسافران تایلندی تحویل خانواده های آنها شد و شماری نیز با پرواز تجاری به بانکوک فرستاده شده است.

همچنین «صنفر شفیع» از دیپلمات های سفارت کشورمان در بانکوک اظهار داشت: جنازه های ۱۵ نفر از مسافران ایرانی «بویینگ ام تی» که در فرودگاه «فوکت» منفجر شد شناسایی شده اما نمونه های اثر انگشت و «دی ان ای» برای شناختن سه هموطن دیگر لازم است که باید از سوی خانواده های آنها پیگیری شود. مسافران این هواپیما که عصر یکشنبه در فرودگاه جزیره «فوکت» به زمین خورد و آتش گرفت: ایرانی، آمریکایی، استرالیایی، انگلیسی، فرانسوی، آلمانی، ایرلندی، اسرائیلی، سوئدی و تایلندی بودند.

«بویینگ ام تی» با ۱۲۳ مسافر و پنج خدمه از بانکوک به «فوکت» پرواز کرد و به خاطر آنچه شرایط بحرانی جوی اعلام می شود هنگام نشستن، به زمین خورد.

پوست موز به درمان افسردگی کمک می کند

محققان تایوانی کشف کردند عصاره پوست موز می تواند افسردگی را کاهش داده و از شبکیه چشم حفاظت کند.

به نقل از نشریه ایل دیلی، یک گروه تحقیقاتی از دانشکده پزشکی چونگ شان در تایچونگ پس از دو سال تحقیق دریافتند پوست موز غنی از سروتونین است که برای تعادل روحی حیاتی است. اعتقاد بر آن است که میزان کم سروتونین در مغز موجب افسردگی می شود این در حالی است که هنوز پزشکان بین افسردگی و میزان کم سروتونین ارتباطی پیدا نکرده اند.

این گروه تحقیقاتی همچنین دریافت، عصاره پوست موز می تواند از شبکیه چشم در مقابل آسیب های ناشی از نور محافظت کند. پوست موز این کار را با تولید سلولهای شبکیه انجام می دهد. پژوهشگران در آزمایشهای بالینی، دو گروه از سلولهای شبکیه را به مدت شش ساعت در روز و به مدت دو روز در معرض نور شدید قرار دادند. یک دسته سلولهای شبکیه شاهد بودند و دسته دیگر در محلول عصاره پوست موز فرو برده شدند.

در پایان این مطالعه، سلولهای شبکیه گروه شاهد مردند در حالی که سلولهای شبکیه ای موجود در عصاره پوست موز تولید مثل کردند و هیچ آسیبی ندیدند.

این گروه تحقیقاتی معتقد است که مصرف پوست موز با جوشاندن آن و نوشیدن آب آن و یا با قرار دادن آن در آب میوه گیری و نوشیدن آب آن می تواند به کاهش افسردگی کمک کند.

محققان نوشیدن آب پوست موز را عصرها، یک بار در روز و یا چندین بار در هفته پیشنهاد می کنند.

این دانشمندان قصد دارند برای مشخص شدن فواید عصاره پوست موز، آزمایش بر روی انسان را به زودی آغاز کنند. پوست موز حاوی «لوتین» آنتی اکسیدانی از خانواده کاروتنوئید است که حفاظت طبیعی از چشم را فراهم می آورد. لوتین همچنین در سبزیجات سبز و برگدار و برخی از میوه ها و ذرت یافت



Miss Showbiz India

۲۰۰۷ Miss Showbiz India امسال در کالیفرنیا برگزار شد. این مسابقه دختر شایسته که برای دخترهای جوان اجرا میشه بر عکس بقیه مسابقات بر هنر، استعداد و مهارت بسیار تأکید دارد. و اما امسال نفر دوم این مسابقه یک دختر ایرانی تبار آمریکا شد به نام افسانه سنجری. این دختر در مصاحبه ای که باهاش کردن علاقه شدید خودش را نسبت به فرهنگ هندی ها ابراز کرد و این دختر ایرانی در این مسابقه جایزه خوشگلترین چشم هم دریافت کرد ... جرأت دارید بازم بگین دختر ایرانی ها خوشگل نیستند!؟

معتمدی از بیمارستان مرخص می شود

ایسنا: عمل قلب احمدرضا معتمدی کارگردان سینمای ایران با موفقیت انجام شد. این کارگردان که از هفته گذشته به دلیل عارضه قلبی در بیمارستان بستری است، گفت: اواسط هفته مورد عمل جراحی قلب قرار گرفته ام و در حال حاضر وضعیت جسمی ام بهتر است و طی چند روز آینده از بیمارستان مرخص خواهم شد. «قاعده بازی» آخرین ساخته احمدرضا معتمدی در سینمای تهران در حال اکران است. از ساخته های سینمایی معتمدی می توان به «هبوط»، «زشت و زیبا» و «دیوانه ای از قفس پرید» اشاره کرد.

KHATIBI & ASSOCIATION
Business Advisors Chartered Accountants Registered Auditors

THE INSTITUTE OF CHARTERED ACCOUNTANTS
ENGLAND & WALES

موسسه حسابداری و حسابرسی خطیبی

مالیتهای اشخاص، شرکا و شرکتها
ثبت شرکت و برنامه های تجاری

PAYE & VAT; Personal, Partnership and Company's
Tax return
Complete Tax Planning, PAYE & VAT Auditing and Accounting
service, Business Plans & Company registration

Tel/Fax: 020 7604 4378

Office M32, Merlin House, 122-126 Kilburn
High Road, London, NW6 4HY



info@persianweekly.co.uk

لطفا ما را از خبرهای اطراف خود مطلع نمائید
برای مشاهده هفته نامه بصورت رنگی به وب سایت مراجعه نمائید**TONY R Ltd****شرکت حمل و نقل بین المللی**

ارسال هرگونه کالا و لوازم به تمام نقاط دنیا
جابجایی و بسته بندی لوازم دفتری و
مسکونی و انبار داری کالا

تخفیف ویژه برای ارسال کالا به ایران



- * Home Removals
- * International Removals
- * European Removals
- * Domestic UK Removals
- * Storage* Office Removals
- * Corporate Relocation
- * Trade Moves

020 8451 00 22Technomate
Your Digital Partner For Life

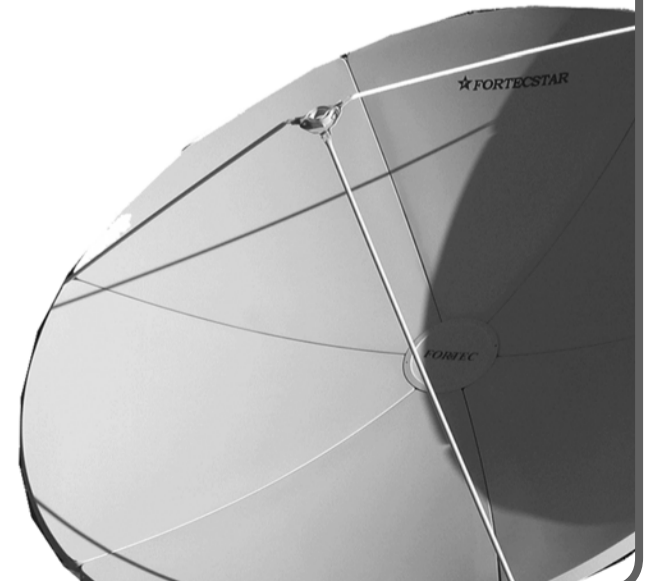
افغان ست

AFGHAN SAT

بهترین سرویس قبل و بعد از فروش
کیفیت برتر، قیمت مناسبتر
کلیه شبکه های افغانی، فارسی، عربی، ترکی
کردی و کانالهای اروپایی
نصب سیستم ثابت و موتورایزر

نصب آنتن تلویزیون
و
نصب تلویزیون پلاسما

Tel: 020 8640 9605
Help Line: 07967 724 435





reports@persianweekly.co.uk

نشانه

«گاردین و اتهام کمونیسم به «جورج اورول»

بر اساس مدارکی که به تازگی توسط دایره ویژه پلیس بریتانیا منتشر شده، «جورج اورول» نویسنده رمان های به یادماندنی «قلعه حیوانات» و «۱۹۸۴» از جانب پلیس انگلستان متهم به عضویت در حزب کمونیست بوده است. پلیس بریتانیا بین سال های بیست و شصت میلادی تعداد کثیری از نویسندگان و هنرمندان انگلیسی را تحت نظر داشته که جورج اورول و اوآن مک کول خواننده اسکاتلندی از همین دسته بوده اند. اورول لاقال به مدت ۱۰ سال تحت نظر بوده و پرونده عریض و طویلی از اعمالش ثبت شده است.

گاردین در گزارشی که این هفته منتشر کرده به موضوع اتهام کمونیست بودن جورج اورول پرداخته و می نویسد: «از زمانی که اورول در پاسخ به پرسشنامه ای که از چهره های چپ تنظیم شده و در مجله یی وابسته به چپ ها منتشر شده بود و در جواب این سوال که آیا سوسیالیست ها باید از جنگ بریتانیا حمایت کنند، گفت بله، برای ده سال توسط دایره ویژه پلیس بریتانیا تحت نظر قرار گرفت».



در همین رابطه، گروهان اوینگ از دایره ویژه پلیس بریتانیا که مسولیت نظارت بر رفتارهای جورج اورول را در آموزش دادن به بخش هند شبکه بی بی سی در سال ۱۹۴۲ به عهده داشته، نوشته است: «این مرد دیدگاه های کمونیستی پیشرفته دارد... در محل کار و وقت های تفریح هم شبیه بوهیمی ها لباس می پوشد.» پرونده اورول رفتارهای او را از ژانویه سال ۱۹۲۹ ضبط کرده است، یعنی از زمانی که به پاریس رفت و برای «دیلی هرالد» و «دیلی اکسپرس» مطلب نوشت. این پرونده همچنین شامل سال های سی زندگی اورول است و برای نمونه به سالیانی اشاره می کند که وی با فرانسویس و ستروپ، که یکی از چهره های شاخص چپ بود، دوستی می کرد و با او رفت و آمد داشت و به کتابفروشی اش می رفت. گاردین همچنین به قسمت های دیگری از این پرونده اشاره می کند و می نویسد: «در تقاضای گذرنامه اورول این جزئیات آمده: قد شش فوت و دو اینچ، چشمان خاکستری، موهای خرمایی و تاتو در پشت هر دو دست.» با این همه، پلیس بریتانیا هیچ گاه نتوانست مدارک کافی دال بر کمونیست بودن جورج اورول پیدا کند، همان طور که در پرونده او نوشته شده، در زمان خودش کمی آناشیشست بود و مولفه های افراطی و بی شک دیدگاه های چپ داشت اما با کمونیسم ارتدوکس فاصله زیادی داشت.

اریک آرتور بلر معروف به جورج اورول نویسنده و روزنامه نگار انگلیسی که بد طولایی در نوشتن مقاله داشت و از مقاله نویسان بنام قرن بیستم به حساب می آمد، ۲۵ ژوئن سال ۱۹۰۳ در هند به دنیا آمد و پدر و مادری انگلیسی داشت. ریچارد بلر پدر جورج کارمند بخش غیرنظامی سازمان مبارزه با موادمخدر بود. مادرش ایدا مابل بلر پسر خود را از سن یک سالگی به انگلستان بازگرداند و به همین خاطر جورج تا سال ۱۹۰۷ موفق به دیدار دوباره پدر نشد. خواهر بزرگ تر از خودش ماجوری نام داشت و خواهر کوچک ترش آوریل بود. وقتی تحصیلاتش را در اتون به پایان رساند، خانواده اش قدرت مالی پرداخت هزینه تحصیلات دانشگاهی او را نداشتند، به همین خاطر در سال ۱۹۲۲ عضو پلیس شاهنشاهی هند شد و در سال ۱۹۲۷ دوباره به انگلستان برگشت و تصمیم گرفت نویسنده شود. در بهار ۱۹۲۸ به پاریس رفت و به عنوان خبرنگار آزاد روزنامه نگاری کرد، با این همه، روزگارش نمی گذشت و حتی مجبور شد برای چند هفته برای پول درآوردن ظرف شویی کند. در سال ۱۹۲۹ به انگلستان بازگشت و سه سال بعد، «پایین و بیرون» را نوشت و در همان زمان در کالج فریز معلم مدرسه بود.

جورج اورول در سال ۱۹۳۶ عازم جنگ داخلی اسپانیا شد و این بار نه برای نویسندگی که برای جنگ آنجا رفت. اسپانیا از همان وقت به مدت سه سال شاهد جنگی بود که بین کودتاچیان نظامی دولت برپا شد و در نهایت با پیروزی شورشیان نظامی و با استقرار دیکتاتوری ژنرال فرانکو به اتمام رسید. در این جنگ فاشیست های آلمان و ایتالیا حامی شورشیان نظامی و شوروی کمونیست حامی دولت و انقلابیون بود. اورول هم برای حمایت از انقلابیون دولتی و جنگ با فاشیست های ژنرال فرانکو فرانسکو فرانسو به اسپانیا رفته بود. در همین ایام نویسندگان زیادی از سرتاسر جهان به موضوع جنگ داخلی اسپانیا علاقه نشان دادند، از این جمله آرنست همینگوی نویسنده کتاب «دفاع با اسلحه» که البته هنوز این کتاب را نوشته بود و جان دوس پاسوس نویسنده شاهکار «بیکه دنیا» که کتابش در آن موقع چاپ شده بود و شهرت خوبی برای نویسنده اش به ارمغان آورده بود، به همان نیتی که جورج اورول آنجا رفته بود، در جنگ داخلی اسپانیا شرکت کرده بودند. اورول درباره این جنگ به هفته نامه نیو انگلیش گفت: «این فاشیسم را یکی باید تمام کند.» گردن اورول در این جنگ آسیب دید و نزدیک بود که جان خود را نیز از دست بدهد. در این بین، پس از گذشت چند سال، کمونیست ها دوست جان دوس پاسوس را که «خوزه رولیس» نام داشت، به اتهام جاسوسی برای فاشیست ها گرفتند و اعدام کردند. به همین خاطر، دوس پاسوس از چپ ها رنجید و کمی بعد به راستی ها تمایل نشان داد. جورج اورول هم که به کمونیست ها بدگمان شده بود، با نوشتن نامه یی به دوس پاسوس از مواضع او دفاع کرد.

پس از جنگ داخلی اسپانیا، اورول دوباره به روزنامه نگاری ادامه داد و چندی هم کارمند بی بی سی شد و در همین ایام بود که با «تی اس الیوت» دوست شد. با این حال، اورول پس از چندی از کارکردن برای بی بی سی استعفا داد و به حقوق و مزایای خوبش پشت پا زد و سردبیر بخش ادبی «تریبون» شد. در سال ۱۹۴۴ بود که داستان ضد استالینی «مزرعه حیوانات» یا آنطور که به فارسی ترجمه شده، «قلعه حیوانات» را نوشت و آن را برای اولین بار در آگوست ۱۹۴۵ در انگلستان و یک سال بعد در ایالات متحده منتشر کرد. کتاب با استقبال خوبی روبه رو شد و پس از گذشت چند سال از به یادماندنی ترین آثار ادبی قرن بیستم به حساب آمد. اورول یک سال قبل از مرگش رمان «۱۹۸۴» را نوشت و در سال ۱۹۵۰ بر اثر بیماری سل از دنیا رفت.

پس چه باید کرد ای اقوام شرق ...

آدم از سرمایه داری قاتل آدم شده است

از اسارت و بندگی انسان و چاکرمنشی رنج میبرد و با زبانی شیوا میگوید:

آدم از بسی بصری بندگی آدم کرد

گوهری داشت ولی نذر قباد و جم کرد

یعنی از خوی غلامی ز سگان خوار تراست؟

من ندیدم که سگی پیش سگی سرخم کرد

او تقلید از غرب را هرگز نمی پذیرد و معتقد است که غرب آنچه را که نه شده و تاریخ مصرفش سر رسیده به عنوان فکر جدید به مشرق زمین تحمیل میکند. از نظر او آتاتورک (مصطفی کمال پاشا) مقلد افکار غرب است:

مصطفی کو از تجدد می سرود

گفت نقش کهنه را باید زدود

ترک را آهنگ نو در چنگ نیست

تازه اش جز کهنه افرنگ نیست

اقبال عقلانیت غربی را میستاید و می خواهد آنرا با عشق و عرفان شرقی معجون کند:

غریبان را زیرکمی سزای حیات

شرقیان را عشق راز کائنات

زیرکمی از عشق گردد حق شناس

کار عشق از زیرکی محکم اساس

عشق چون بازیرکمی همبر شود

نقشبند عالم دیگ سر شود

خیز و نقش عالم دیگ بر بنه

عشق را با زیرکمی آمیز ده

زندگی را سوز و ساز از نار توست
عالمم نو آفریدن کسار توست

اقبال به زبانهای هندی، اردو، فارسی و انگلیسی شعر میسرود، ولی به زبان فارسی علاقه خاص داشت، با وجود اینکه از قرار زبان فارسی را به عنوان زبان دوم به خوبی آموخته است، با تواضع میگوید:

هندیم از پارسی بیگانه ام

ماه نو باشم، تهی پیمانه ام

گرچه هندی در غدویت شکر است

طرز گفتار دری شیرین تراست



افغانستان متعلق میدانست. حتی آلمانی ها او را که مدتی در هایدلبرگ تحصیل میکرد، تا حدی از خود دانسته و در این شهر کرانه یک رودخانه را بنام او کرده اند (Iqbal Ufer)

اقبال در سال ۱۸۷۷ بدینا آمد و در سال ۱۹۲۸ (قبل از تأسیس پاکستان) در لاهور از دنیا رفت. او در هند، انگلستان و آلمان تحصیل کرده و زندگی خود را وقف تلاش برای ایجاد خودآگاهی در مردم شرق و حفظ هویت خودی در برابر استعمار و قدرت های خارجی نمود. با وجود علاقه شدیدش به مشرق زمین هرگز بدامن ناسیونالیسم و غرب ستیزی نیفتاد و بدون کمترین تعصبی از فلاسفه و شعرای اروپایی (شوپنهاور، تولستوی، هگل، کانت، نیچه، انتشتاین و مخصوصا گوته) تجلیل میکرد. او از هر خرمنی خوشه ای چید ولی در هیچ تفکری غیر از «فکر خودی» ادغام نشد. او نمونه کامل توازن و تعادل بین فرهنگ غرب و شرق بود. با وجود ایمان شدید به اسلام از طاهره قره العین (شاعره بابی که بدست متعصبین مذهبی به قتل رسید، نکته کنید به شماره ۲ برگ سبز) تجلیل میکند و او را در کنار حلاج میگذارد. با وجود اینکه ماتریالیسم را نقد میکند، در عین حال تفکر کارل مارکس و اندیشه او را نسبت به از خود بیگانگی انسان Selbstentfremdung ستایش میکند.

راز دار جزء وکل از خویش نامحرم شده است

بوی شراب میدهد خربزه در دهان مکن

موسسه میراث ایران در هفته ی گذشته برنامه ای با عنوان بزرگداشت مولانا در موزه بریتانیا برگزار کرد.

بدون شک برگزاری مراسم برای مولانا از اهمیت بسیاری برخوردار است. اما سوال این است که آیا می توان میراث فرهنگی ایران را مثل هزار و یک چیز دیگر که در بازار حراج لندن به فروش رسانده ایم. به خاطر اب و نان خود به فروش برسانیم. مهمانان این برنامه تمامی به زبان انگلیسی صحبت می کردند. و البته هیچ کدام از مولوی شناسان درجه یک ایرانی به این برنامه دعوت نشده بودند. تنها ایرانی مشهوری که در این سمینار حضور داشت محمد علی موحد مصحح مقالات شمس و مثنوی کبیر بود. جز ایشان هیچ کدام از ایرانی های دعوت شده آدم های شناخته شده ای نبودند. از باقی سرزمین های فارسی زبان مثل افغانستان زادگاه مولوی و تاجیکستان و ازبکستان نیز هیچ مهمانی به این برنامه دعوت نشده بود. تنها افغانستانی حاضر در برنامه نیز آقای دکتر مجددی دانشمند آمریکایی افغانستانی الاصل بود. شما تصور کنید چنین برنامه ای چقدر می



تواند محلی از اعراب داشته باشد. جز این که فریب دادن رسانه ها و گرفتن بودجه از مراکز حمایت کننده باشد. مهمانان ایرانی دعوت شده در حالی که شعر های مولانا را با اشتباهات فراوان ادا می کردند از این که مولانا به نام ترک ها مشهور است شکایت داشتند. حال آن که همگان از نیکی و درستی و شکوه برنامه های ترک ها در باره مولانا آگاهند و حتی شهرت جهانی او را نیز مدیون ترک ها و تحقیقات آن حامی داند نه آدمهای با افاده خودمان...

به هر روی از نکات جالب این برنامه یکی بلیط ۷۰ پوندی آن بود و دیگری رفتار واقعا غیر مودبانه ی مسولین ایرانی برنامه را می توان ذکر کرد. که البته تقریبا این نوع رفتار از جانب هموطنان ما در عالم جزو طبیعی ترین مسایل به حساب می آید. به هر حال اجر اخروی و دنیوی برگزار کنندگان این برنامه با صاحب روز جزا و سعیشان مشکور.....



reports@persianweekly.co.uk



آیا میدانید اولین کلیسای ساخت بشر یعنی کلیسای پطرس مقدس در انطاکیه ترکیه میباشد

آیا میدانید تقریباً ۶۵ وزن انسان را اکسیژن تشکیل میدهد.

آیا میدانید رشد تعداد ماشینها در جهان ۳ برابر رشد جمعیت انسانهاست.

آیا میدانید وزیر دفاع اسرائیل و ریس حزب کارگر آن ایرانی الاصل میباشد.

آیا میدانید ایران زمان شاه دارای ورزیده ترین خلبانان

آیا میدانید گربه قادر نیست مزه شیرین را تشخیص دهد

آیا میدانید یک گرم سم مار کبری می تواند ۱۵۰ نفر را بکشد

آیا میدانید حس چشایی نوعی پروانه بزرگ ۱۲ هزار بار دقیق تر از انسان است

آیا میدانید لاما شتر بدون کوهانی است که به هنگام عصبانیت بر صورت طرف مقابل تف می اندازد.

آیا میدانید قلب گنجشک ۱۰۰ بار در دقیقه می تپد. گنجشک ها روی زمین می پرند.

آیا میدانید فیل تنها حیوانی است که می تواند ایستادن روی سر و گردن را یاد بگیرد.

آیا میدانید یک موش کور ۱۴ سانتی می تواند در یک شب تونلی به طول ۴/۹۱ متر حفر کند.

آیا میدانید مرغ ها برای تخمگذاری احتیاجی به خروس ندارند. خروس فقط برای بارور کردن تخم است

آیا میدانید کرم های ابریشم در ۵۶ روز ۸۶ هزار برابر وزن خود غذا می خورند.

آیا میدانید دارکوب ها قادرند ۲۰ بار در ثانیه به تنه درخت ضربه بزنند

آیا میدانید زمان گردش سیاره عطارد بدور خود ۲ برابر زمان گردش آن بدور خورشید میباشد

آیا میدانید ۹۰ سم مارها از پروتئین تشکیل یافته است

آیا میدانید قلب میگو ها در سر آنها قرار دارد

آیا می دانید؟

آیا میدانید ارزش مادی تمام عناصر بدن انسان کمتر از ۱۰۰۰ تومان است.

آیا میدانید ساعت اتمی ساخته اند که در ۴۰۰ میلیون سال یک ثانیه هم تغییر نمی کند

آیا میدانید بال زدن یک پروانه هم زمین را تکان میدهد

آیا میدانید ما مغزمان رو کنترل میکنیم یا مغزمان ما را؟

آیا میدانید ۲۰۰ میلیون موجود زنده روی زمین وجود دارد که انسان یکی از آنها است

آیا میدانید یک قطره آب دارای ۱۰۰ میلیارد اتم است

آیا میدانید ایران به ۲۰ کشور تسلیحات نظامی صادر میکند

آیا میدانید ۸۰ موجودات دنیا را حشرات تشکیل داده اند

آیا میدانید تنها حیوانی که نمی تواند شنا کند شتر است

آیا میدانید روباه همه چیز را خاکستری می بیند

سرویس تعمیر و تنظیم موتور
گیربکس برق اگزوز کلاچ باطری
نقاشی صافکاری
و کارهای خدمات بیمه

دیگران اتومبیل خود نباشید
ما کلیه مشکلات
اتومبیل شما را در اسرع وقت
با کیفیت عالی حل خواهیم کرد



تعویض خرید و فروش انواع اتومبیل
قیمت مناسب و گارانتی پس از فروش
از نمایندگی و تعمیرگاه
اتو آریا دیدن فرمائید

شرکت اتو آریا آماده مشاوره رایگان برای حل مشکلات شما
در ارتباط با اتومبیل و بیمه شما در هر زمان می باشد

AUTO ARYA

در خدمت تمامی هموطنان، خصوصاً شمال تا غرب لندن



Tel: 020 8452 9100

74 Hassop Road, Cricklewood, London, NW2 6RX

Help Line: 079 8082 3895- 087 0890 7579



reports@persianweekly.co.uk

آنچه حتماً باید نو خرید



در آن
که نباید
دست
تفاوت
معرفی

پس انداز کردن کاری بسیار پسندیده است اما نباید زیاده روی کرد. بسیاری از وسایل و اشیاء هستند دست دوم خریداری شوند و ضرری که از خرید دوم آن به مال با ارزش ما میرسد بسیار بیشتر از قیمت نو و کهنه آن است. در اینجا تعدادی از آنها را می‌کنیم:

لپ تاپ / نوت بوک: خریدن یک کامپیوتر دست دوم کاری ریسکی است، اما دست دوم خریدن ابزارهای مانند لپ تاپ که به راحتی آسیب می‌بیند، کاری سراسر اشتباه است. لپ تاپ در معرض بر زمین افتادن، به در و دیوار خوردن است و ممکن است هر از گاهی نوشیدنی یا خوردنی روی آن بریزد. به این دلیل ساده که لپ تاپ وارد اجتماع شده است کامپیوتر رومیزی شما، تقریباً همیشه سرچایش روی میز نشسته

اما
است.

به همین دلیل هم لپ تاپها از جمله معدود وسایلی هستند که هنگام وارانته و خدمات بعد از فروش برایشان بسیار اهمیت دارد و خرید دست دوم آن نه تنها شما را از این خدمات محروم میکند، شما حتی از آسیبهایی که به وارد شده هم بی اطلاعید و نمیتوانید در صورت بروز مشکل دلیل آنرا بیابید.

صندلی اتوموبیل کودک: صندلی کودک، پس از وقوع یک حادثه رانندگی، دیگر کارایی چندانی ندارد و انواع خراب و صدمه دیده این صندلی ها هم کم نیستند. صندلی کودک شاید وسیله چندان ارزانی نباشد اما یک دنیا می ارزند و در ضمن، همواره انواع جدیدتر آن از تکنولوژی بهتری برخوردارند و راحت تر و ایمن ترند. استئنا: اگر صندلی را از دوست یا فامیلی می‌خرید یا امانت می‌گیرید و از سالم بودن آن مطمئن هستید، اشکالی ندارد هر چه باشد سلامتی فرزند شما برای آنها هم بسیار اهمیت دارد. اما باز هم آنرا توسط یک متخصص چک کنید. و در هر صورت، نو یا کهنه، مطمئن شوید که صندلی را محکم نصب کرده و استفاده از آن را بلد هستید.

تلویزیونهای پلاسما: این هم مورد دیگری از خریدی است که شما در آن به کارتنی بلند مدت احتیاج دارید، چرا که در صورت خرابی صفحه تلویزیون و نداشتن وارانته، شما گاهی باید پولی معادل قیمت آنرا صرف تعمیرات کنید. استئنا: اگر به موردی با قیمت باورنکردنی برخوردید و برایتان مهم نبود که صفحه تلویزیون کمی بعد از رسیدن به خانه برای همیشه خاموش شود.

DVD Players: هر چند خرید DVD دست دوم بدون خط و سالم، اشکالی ندارد، اما این دلیل نمیشود که بخش کننده آن را هم بشود دست دوم خرید. این نوع وسایل که دارای ابزارهای لیزری هستند، خیلی زود کهنه میشوند و تعویض قطعه در آنها بسیار گران تمام میشود. مراقب باشید که هر زمان تعمیر وسیله ای آنقدر گران است، باید آنرا نو خرید. به خصوص که در مورد وسایل صوتی و تصویری، با به بازار آمدن مدل‌های جدید، انواع قدیمی تر- به همان کارآیی و نو- ارزان میشوند.

جارو برقی: این هم مورد دیگری از وسیله آسب پذیر است که تعمیر آن از نو خریدنش گرانتر تمام میشود. از طرفی، جارو برقی، وسیله چندان گرانی نیست و با توجه به تنوع آن در بازار میتوانید مدلی مناسب با بودجه خودتان را پیدا کنید. فقط مطمئن شوید که جارو کردن با مدل مورد نظرتان ساده و سیستم فیلتر آن هم قوی باشد و خاک را دوباره به بیرون پس ندهد.

دوربینهای ویدیویی خانگی: شاید روزی این دوربینها را از پلاستیک بسازند تا پس از به زمین افتادن آسب کمتری ببیند، میدانید که این اتفاق هم به دفعات پیش می آید. آسبایی که دوربین با یک بار زمین افتادن ببیند، شاید هنگام خرید آن مشخص نباشد اما چنین دوربینی به زودی به یک تعمیر گران احتیاج خواهد داشت. موتور این دوربینها هم عمر مشخصی دارد و اگر کهنه شده باشد، چاره ای جز تعویض آن ندارید. اگر میخواهید دوربین ویدیویی ارزان تری بخرید میتوانید به جای مدل دیجیتال، مدل آنالوگ خریداری کنید یا حتی از مدل‌های سال گذشته یکی را انتخاب کنید.

کفش: کفشی که درست اندازه پا نباشد، میتواند موجب مشکلاتی اساسی، از پینه گرفته تا کمر درد شود. هرگز کفشی را که به شکل پای دیگری فرم گرفته است، خریداری نکنید. به خصوص برای کودکان، که پاهایشان در حال رشد بوده و امکان از شکل افتادن آن بسیار زیاد است. به جای این کار منتظر حراج بمانید یا برای کار و مدرسه کفشی از مدل‌های قدیمی تر که ارزان شده، خریداری کنید.

ملحفه: دوست دارید که در میان باکتریها، فارچها و عرق بدن یک غریبه استراحت کنید؟ تصور میکنم دلیل کافی برای خرید ملحفه نو را به دست شما داده باشم. تنها استئنا، زمانی است که شما این خرید را از یک دوست یا فامیل انجام میدهید که در واقع ملحفه دست دوم او، استفاده نشده است و فقط آنرا در صندوق، برای روز مبادا، نگه داشته است.

کلاه ایمنی: این مورد هم مانند صندلی کودک، باید در یک حادثه، از شما محافظت کند، نه بیشتر. یک ضربه یا تصادم، لایه فوم داخل کلاه را ضعیف میکند و موجب ترک خوردن آن میشود. کلاهی که یک بار در حادثه ای صدمه دیده، حتی اگر نامخصوص باشد، چندان قابل اعتماد نیست. کلاه ایمنی موتور سواری و دوچرخه سواری، آنقدر که مهم هستند، گران نیستند و اگر بیش از حد درگیر رنگ و تزئینات آن نشوید، میتوانید انواع ارزاتر آنرا، با همان مقدار ایمنی، خریداری کنید. در این مورد به هیچ وجه خساست نکنید. توجه کنید که مراسم تشییع جنازه یا نگهداری از یک بیمار قطع نخاع شده، هزینه بسیار بیشتری دارد.

ب_ سیاسی
ج_ ورزشی

۱۳. کدام یک از گروههای زیر، بیشتر با روحیات شما سازگار هستند؟

الف _ شخصی که از قوه تخیل زنده و پرشوری برخوردار است.
ب _ شخصی که بلند پرواز و جاه طلب است
ج _ شخصی که از عقل سلیم و شعور خوبی برخوردار است.

۱۴. نظرتان در مورد هنر مدرن چیست؟

الف _ آن را جالب و مهیج تلقی می‌کنم.
ب _ اهمیت زیادی برایش قابل نیستم.
ج _ گاهی می‌توانم آن را جدی تلقی کنم و گاهی بی‌اعتنا از کنارش می‌گذرم.

۱۵. هر چند وقت یکبار، به افکار و اندیشه‌های خصوصی خودتان پناه می‌برید؟

الف _ به وفور
ب _ خیلی به ندرت
ج _ گاه و بیگاه

۱۶. زمانی که وارد یک سالن یا تالار می‌شوید، در حالی که بلیط رزرو شده ندارید، ترجیح می‌دهید که روی صندلی کدام سمت بنشینید؟

الف _ سمت چپ
ب _ سمت راست
ج _ فرقی نمی‌کند

۱۷. به نظر شما، مزیت بازنشسته شدن چیست؟

الف _ برخوردار از وقت بیشتر برای آغاز فعالیت‌های جدید بی‌شمار دیگر.
ب _ برخوردار از وقت بیشتر برای هم نشینی با اقوام و دوستان.
ج _ رهایی از برنامه یکنواخت و منظم و کسل کننده کاری

۱۸. کدام یک از صفات زیر، بیشتر از بقیه با شما سازگار است؟

الف _ پیچیده
ب _ واقع بین
ج _ عادی و گاهی منحصر به فرد

۱۹. در حال حاضر، کدام یک از حالات زیر بیشتر با روحیه شما سازگار هستند؟

الف _ متفکر، جدی و دقیق
ب _ تحت فشار روحی
ج _ پر کار، پر مشغله و پر جنب و جوش

۲۰. آیا قادرید به طور تقریبی بگویید که چند روز را بدون نگاه کردن به ساعت پشت سر گذاشته‌اید؟

الف _ راستش درست نمی‌دانم، چون گاهی زمان را به کلی فراموش می‌کنم.
ب _ بله، به راحتی
ج _ گاهی اوقات

۲۱. در صورت مواجهه با کدام یک از موارد زیر به شدت سر خورده، ناامید و عصبانی می‌شوید؟

الف _ زمانی که وقت کافی برای انجام کارهایی که دوست دارم، نداشته باشم
ب _ زمانی که در رأس امور مربوط به حرفه‌ام قرار نداشته باشم
ج _ زمانی که پیشرفت‌ها، موفقیت‌ها، دستاوردها و سخت کوشی‌هایم نادیده گرفته شوند

۲۲. در مورد این جمله: بزرگترین معلم و راهنما تجربه است، نظرتان چیست؟

الف _ کاملاً با آن موافق هستم
ب _ اصلاً موافق نیستم
ج _ موافقم

۲۳. در شرایط مطلوب، کدام یک از گزینه‌های زیر را ترجیح می‌دهید؟

الف _ حرفه‌ای که کاملاً غیر قابل پیش بینی و نوام با تجربیات بی شمار و جدید باشد
ب _ داشتن یک حرفه مشخص و یکنواخت
ج _ حرفه‌ای که فرصت یادگیری چیزی جدید را در اختیاران قرار دهد

۲۴. آیا تصور می‌کنید که توضیح دهنده خوبی هستید؟

الف _ خیر
ب _ بله
ج _ در حد متوسط

۲۵. در هنگام انجام کدام یک از موارد زیر، بیشتر احساس راحتی به شما دست می‌دهد؟

الف _ در حین انجام یک کار تخصصی‌تر مثل ورزش با موتور ماشینتان به منظور تعمیر آن.
ب _ در حین نوشتن یک نامه یا گزارش
ج _ در حین انجام یک کار دستی مثل نقاشی

تست روانشناسی

لطفاً به سوالات زیر با دقت پاسخ دهید
در شماره آینده پاسخ‌های خود را مشاهده خواهید نمود

۱. آیا خودتان را متخصص تلقی می‌کنید؟

الف _ خیر
ب _ بله
ج _ در برخی از زمینه‌ها

۲. یادآوری اسم اشخاص برایتان راحت‌تر است یا چهره آنها؟

الف _ چهره اشخاص
ب _ اسم اشخاص
ج _ هر دو به یک اندازه

۳. در مواجهه با شکست، کدام یک از گزینه‌های زیر، طرز برخوردتان را بهتر نشان می‌دهد؟

الف _ ناامید شدن، دست کشیدن از آن کار و امتحان کردن چیزی جدید.
ب _ سعی، تلاش و کوشش دوباره و دوباره
ج _ شکست ناپود کننده روح و روان است

۴. کدام یک از صفات زیر، بیشتر از بقیه، وصف‌حالتان هستند؟

الف _ شهودی و درونی
ب _ اهل مطالعه و سنجیده
ج _ دقیق

۵. کدام یک از گزینه‌های زیر، بیشتر با شما همخوانی دارد؟

الف _ مایلم قوانین و مقررات خاص خودم را رعایت کنم.
ب _ از گردن نهادن به قوانین و مقررات راضی و شاد هستم
ج _ گاهی اوقات، قوانین و مقررات دست و پاگیر می‌شوند و عصبانیم می‌کنند

۶. زمانی که در یک جلسه گفتگو یا سخنرانی حضور دارید، کدام یک از گزینه‌های زیر بیشتر در شما صدق می‌کند؟

الف _ اکثر اوقات حواسم پرت می‌شود و به موضوعات دیگری می‌اندیشم.
ب _ به راحتی حواسم را می‌توانم روی مسأله سخنرانی متمرکز نمایم.
ج _ فقط اگر موضوع را جالب تلقی کنم، می‌توانم حواسم را روی آن متمرکز کنم.

۷. آیا خودتان را شخص منظمی تلقی می‌کنید؟

الف _ به هیچ وجه
ب _ بله، کاملاً
ج _ نسبتاً بله

۸. هر چند وقت یک مرتبه به دنبال حدس و گمان‌های شخصی خود می‌روید؟

الف _ هر وقت که بتوانم
ب _ به ندرت
ج _ گاهی اوقات

۹. اگر یک دفعه، هوس امتحان کردن کار و سرگرمی خلاقانه جدید، مثل نقاشی یا سفالگری به‌سرتان بزند، چه می‌کنید؟

الف _ آن را امتحان می‌کنم و بعد آن را به عنوان یکی از سرگرمی‌های بی‌شمار دیگرم توسعه می‌دهم.
ب _ به احتمال زیاد، فقط به آن فکر می‌کنم و فراتر نمی‌روم.
ج _ چندین مرتبه آن را امتحان می‌کنم و بعد به سراغ سرگرمی دیگری می‌روم.

۱۰. در مدرسه و دوران تحصیل، سرکلاس کدام یک از درسهای زیر، بیشتر احساس راحتی می‌کردید؟

الف _ هنر
ب _ ریاضیات
ج _ جغرافی

۱۱. هر چند وقت یک بار، مایلید میلمان و تزیینات منزلتان را عوض کنید؟

الف _ بیش از سه مرتبه ظرف پنج سال
ب _ هر پنج سال یک مرتبه
ج _ ظرف هر پنج سال، دو تا سه مرتبه

۱۲. وقتی مشغول شنیدن اخبار از تلویزیون هستید، کدام یک از موضوعات زیر، بیشتر از همه توجه شما را به خود جلب می‌کند؟

الف _ مسایل و موضوعات مربوط به جهان و محیط



reports@persianweekly.co.uk

MORTGAGES
Even With Bad Credit history

%100



Property Management

مشاور املاک آوا در خدمت هموطنان ایرانی

خرید خانه و دریافت وام مسکن تا سقف **100%**

بدون نیاز به ارائه مدرک درآمد

فروشن و اجاره های خانه های شما

با قیمت های استثنایی

SALES

%0.5 Sale fee

LETTINGS**MORTGAGES****RE-MORTGAGES**

Tel: 020 8959 9390 - Fax: 020 8959 9418

659 Watford Way, Mill Hill,
London, NW7 3JR**www.avaproperty.com**

Also you can find us at:



reports@persianweekly.co.uk

صفحه شما

پیام های مهربانی

masoud jan kheli doset daram.hamishe be yadtam. i love u

sanam
mibosamet

Mohammad, saken london, tahsilkardeh, ahl var-
zesh va mosaferrat. mael be asheneae ba banooe
27 sale tahsil kardeh mebasham. lotfan ba in-22
Email tamas bargharar farmaeed.ba tashakor fara-
van

ali_homa_rahmat@yahoo.co.uk

javani hastam 33 sale khahan ashenayi ba hkanom
irooni
07904201127

.be private number javab dadeh nemishavad

آقا محمد ۳ ماه است که قرار از ساسان کوچولو برام عکس بفرستی! پس
چی شد؟ تو کفیم ها!!!!

مهدی

علی آقا و همسر گرامی سپاس از ناهار خوشمزتون:

عارف

آگهی های دوست یابی و پیام های
مهربانی در این صفحه رایگان است

info@persianweekly.co.uk

لطفا پیام های خود را ایمیل نمائید

به یک منشی خانم مسلط به زبان
انگلیسی و امور بیمه و تصادفات نیازمندیم

تمام وقت یا نیمه وقت

079 8082 3895

به چند نفر صافکار و نقاش اتومبیل
نیازمندیم

079 8082 3895

خدمات ساختمانی و کاشیکاری

شامل لوله کشی و انواع بویلر
078 8644 8456

هفته نامه پرشین از همکاری
تعداد محدودی دانشجوی
داوطلب استقبال می کند

خدمات ساختمانی، مسکونی و تجاری

تعمیرات کلی و جزئی، طبق استانداردهای انگلستان با ضمانت کامل
طراحی داخلی با نظارت مهندسین مجرب

لوله کشی، برقکاری، نجاری، نقاشی، کاشیکاری و آجرکاری ...

079 4862 5919

SMS



میگی گل رو دوست داری ولی میچینیش... میگی
بارون رو دوست داری ولی با چتر میری زیرش...
میگی پرند رو دوست داری ولی تو قفس میندازیش...
چه جوری میتونم نترسم وقتی میگی دوستم داری؟؟؟

هرگز برای عاشق شدن ، به دنبال بهار و باران و
بابونه نباش. گاهی در انتهای خارهای یک کاکتوس
به غنچه ای میرسی که ماه را بر لبانت مینشانند

اگر کسی می گوید که برای تو می میرد دروغ میگوید!!!
حقیقت را کسی میگوید که برای تو زندگی می کند

هر شب برو کنار پنجره تا ستاره ها ببینند
و حسودیشون بشه که ماهشون مال منه

کاشکی مانیتورت بودم همیشه رخ به رخت بودم
... کاشکی کیبوردت بودم همیشه در انگشتات بودم
... کاشکی هدفونت بودم همیشه در گوشت بودم ...
کاشکی پوست بودم همیشه تو مشتت بودم ... کاشکی
پسوردت بودم همیشه توی فکرت بودم

ویلیام شکسپیر : چیزی که زن دارد و مرد را تسخیر
می کند ، مهربانی اوست ، نه سیمای زیبایش

ویلیام شکسپیر : چیزی که زن دارد و مرد را تسخیر
می کند ، مهربانی اوست ، نه سیمای زیبایش

یک دوست شوخ تمام نگرانیها و گرفتاریهای زندگی
را از بین میبرد.

جهت درج آگهی
با

02084537350

تماس بگیرید

Journey
Planner



Text Tfl to 60835
For mobile travel
information service
Charged at your network
operator's standard rate



Visit tfl.gov.uk



LU Customer Services
call 0845 330 9880
8am-8pm everyday

Don't Waste Time
Visit tfl.gov.uk



24-hour travel information
call 020 7222 1234



Email: travelinfo@tfl.gov.uk



Congestion Charging
For payments details call 0845 900 1234

London TravelWatch

call 020 7505 9000 or visit www.londontravelwatch.org.uk

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

سَر کتاب، دعای باطل سحر، دعای محبت،
کار گشایی، بخت گشایی، رزق و روزی و درمان
دردها با توسل به قرآن مجید

۰۷۹۰۳۳۱۰۸۳۳



من با گفته آقای لطیف پدram موافق نیستم که می گوید یواش یواش می خواهند زبان پشتو را جانشین زبان دری کنند. در حال حاضر تقریباً زبان دری رسمی افغانستان است و مردم با دری می نویسند، شعر می گویند یا داستان می نویسند و حتی تلاش داریم این زبان را شسته تر و رفته تر بسازیم و واژه های بیگانه حتی واژه های زبان های دیگر افغانستان که در آن وارد شده بیرون کنیم و جانشین آنها واژه های ناب دری بسازیم. بطور مثال همین حالا در تلویزیون طلوع که من در آنجا فعالیت دارم دیگر نمی گوئیم دانشکده و مثال دیگر ما نمی گوئیم ستره می گوئیم دادگاه عالی. بهر حال این تلاش ها وجود دارد

مهری شاه حسینی: شما چقدر از ادبیات پشتو استفاده می کنید و آنها چطور؟ در واقع این تبادل چگونه است؟

رهنورد زریاب: من فکر می کنم که همیشه وضعیت چنان بوده که پشتون ها از ادبیات دری استفاده کردند. بطور مثال همین اکنون در مناطق پشتون نشین وقتی کودکی می خواهد با سواد شود گلستان سعدی می خواند، مولانا و حافظ می خواند. یک مورخ بزرگ افغانستان که در ایران نیز چهره ی شناخته شده ای است به نام استاد عبد الحی حبیبی می گفت، ما زبان دری را از بیهقی و حافظ و سعدی آموخته ایم یعنی همین حالا هم آثار تعلیمی زبان فارسی برای کودکان در مساجد پشتون نشین وجود دارد

مهری شاه حسینی: آیا شما لندی ها و آثار زبان پشتو ها را مطالعه می کنید و آیا به این زبان مسلط هستید؟

رهنورد زریاب: صحبت پشتو ها را کاملاً می فهمم، ولی پشتو خوانده نمی توانم. در ضمن ما در کپ زدن کند هستیم. منظورم نسل من و فرهنگیان افغانستان است. غالباً در صحبت مشکل داریم به خاطر اینکه زبان پشتو یکی از زبانان های هند و اروپایی است و بر عکس فارسی: زیرا برای مذکر و مؤنث فرق می کند. ضمیرها برای مؤنث و مذکر یکسان نیست، مثل فرانسه و عربی. اما در فارسی چنین نیست. از این رهگذر ما مشکل داریم، چون عادت کرده ایم ضمیری را که برای زن می گوئیم برای مرد نیز بگوئیم. فعل ها هم در پشتو برای زن و مرد فرق می کند. آموختن زبان پشتو برای فارسی زبانان اندکی سخت است ولی پشتون ها این مشکل را ندارند. آنها خیلی زود می آموزند. با این همه در حال حاضر زبان فارسی دری زبان اکثریت مردم افغانستان است و به واسطه همین زبان ما توانسته ایم با ایران تبادل های فرهنگی خود را حفظ کنیم



جلسه ای که اعضای انجمن غیر دولتی پیوند در آن شرکت داشتند شاعر نامی افغانستان لطیف پدram با تاسف می گفت که در افغانستان سعی دارند زبان پشتو را جایگزین زبان فارسی دری کنند. نظر شما در این رابطه چیست؟

رهنورد زریاب: من کاملاً با این سخن مخالفم. نه، امکان ندارد که پشتو جانشین زبان فارسی یا زبان دری شود. بر عکس این تلاش ها در گذشته وجود داشته بل می خواستند، پشتو تعمیم یابد یعنی در کنار زبان دری زبان سراسری شود. در قانون اساسی افغانستان که در دهه چهل تصویب شد زبان های دری و پشتو هر دو زبان رسمی شناخته شده اند و در قانون اساسی که ما داریم نه تنها زبان های دری و پشتو زبان رسمی هستند بل همه زبان های افغانستان زبان های رسمی هستند به این معنی که در هر جایی که اکثریت با آن صحبت می کنند در آن منطقه همان زبان، زبان رسمی است مثلاً در فاریاب جوزجان زبان ترکمنی و زبان ازبکی می توانم بگویم که

جنبشی در تاجیکستان به وجود آمد که تلاش داشتند رسم الخط را تغییر دهند، اما با گذشت زمان این جنبش ضعیف تر و کم رنگ تر شد. در حال حاضر نمی دانم چنین تصمیمی وجود دارد یا نه؟ منظورم تغییر خط آنها به خط نیاکانشان است. ولی به هر صورت این سه کشور باید پیوندهای بیشتر فرهنگی داشته باشند، به عقیده من تاجیک ها باید خط را تغییر دهند و به خطی رجوع کنند که هزار سال پیش با آن می نوشتند

مهری شاه حسینی: با اجازه شما من اضافه کنم که در مورد خط تاجیکستان قرار است تصمیم هایی گرفته شود، این تصمیم ها از طریق سازمان غیر دولتی پیوند فارسی زبان که امسال من به عنوان نماینده غیر دولتی آن در ایران انتخاب شدم گرفته خواهد شد، اما سوال دیگر اینکه در ۱۶ شهریور ماه سال ۱۳۸۵ در ریاست جمهوری تاجیکستان شهر دوشنبه، ششمین انجمن تاجیکان و فارسی زبانان جهان نشست داشتند که هم زمان بود با تجلیل پانزدهمین سالگرد استقلال

محمد اعظم رهنورد زریاب در سال ۱۳۲۲ خورشیدی در شهر کابل دیده به جهان گشود. پدرش اهل خوزین و مادرش از مردمان شمال افغانستان بود. خانواده او همه علاقه مند به فرهنگ و هنر بودند به ویژه برادرش زریاب در رشته روزنامه نگاری فارغ التحصیل شد و تا مقطع فوق لیسانس در دانشگاه «ویلز» جنوبی بریتانیا ادامه داد. او با سپوزمی رنوفی نویسنده نامی افغانستان، ازدواج کرد که حاصل آن دو فرزند دختر و پسر است. زریاب در سال ۱۳۶۰ به ریاست انجمن نویسندگان انتخاب شد و خدمات قابل توجهی نیز انجام داد. از سال ۱۳۷۳ خورشیدی کابل را ترک کرد و به مونپولیه فرانسه رفت، اما پس از تشکیل دولت موقت از سوی وزارت فرهنگ به خدمت دعوت شد و به سمت معاون وزیر فرهنگ انتخاب شد و اکنون مشاور تلویزیون طلوع در افغانستان است

از آثار اوست: آوازی از میان قرن ها، دوستی از شهر دور، مرد کوهستان، نقش ها و پندارها داستان، گلزار و آیینه رمان، حاشیه ها، گنگ خواب دیده پژوهش هنری، مجموعه داستان پیراهن ها ترجمه نویسنده های مختلف، شمع شبستان مجموعه خاطرات و اختر فیلمنامه رهنورد زریاب چندی پیش به ایران آمده بود تا در بزرگداشتی که به وسیله برگزار شده بود، شرکت کند. آنچه در ادامه می خوانید گپی با این نویسنده افغانستانی است

مهری شاه حسینی: آقای رهنورد زریاب شما به عنوان یک شخصیت فرهنگی افغانستان که هم دارای سمت های فرهنگی بوده اید و هم به طور جدی کار نویسندگی را دنبال کرده اید، بی تردید تاثیر ادبیات ایران بر افغانستان را طی دهه های گذشته به وضوح دیده اید. از نظر شما چه راه هایی برای تبادل فرهنگی هر چه بیشتر میان ایران و افغانستان وجود دارد؟

رهنورد زریاب: شما آگاهی دارید که در حدود چندماه پیش روسای جمهوری ایران با افغانستان و تاجیکستان در شهر دوشنبه نشستی داشته اند، در این نشست پذیرفته شد که برای محکم ساختن روابط فرهنگی در هر ماه می بایست این سه کشور نماینده هایشان یا در کابل یا در دوشنبه و یا در تهران با هم دیداری داشته باشند. متأسفانه این تصمیم عملی نشده و من انتظار دارم با عملی شدن این تصمیم گام های موثری در جهت کار مشترک به ویژه در زمینه های فرهنگی برای این سه کشور به وجود بیاید. خوشبختانه ما با زبان فارسی مشکلی نداریم چه از رهگذر رسم الخط و چه از نظر خواندن، اما تاجیک ها با خط فارسی مشکل دارند، زیرا رسم الخط آنها سیریلیک است. البته در آغاز دهه نود

آوازی از میان قرن ها

گفتگوی مهری شاه حسینی با رهنورد زریاب

زبان رسمی است، یا زبان نورستانی در نورستان یا زبان پشه ای در مناطق پشه ای نشان رسمی است یا زبان بلوچی در مناطق بلوچ نشین

دولتی جمهوری تاجیکستان ۲۷۰۰ سالگی شهر کولاب و سال تمدن آریایی، که بنا به دعوت دولت تاجیکستان من نیز در آنجا حضور داشتم. در

اگر از نزدیک جاده به منارها نگاه شود یک منار که ظاهراً در معرض خطر دیده میشود با دو کیبل بسته شده است که مبادا با فروریختن آن عابرین روی جاده منتظر شوند اما این کار موقتی است.



در قسمت وسطی یکی از منارها سوراخ بی چشم میخورد که زینه های داخل منار از آن معلوم میشود.

این سوراخ تحفه ای از یک حمله نظامی نیروهای اشغالگر روس در دهه هشتاد میلادی به این منار باقی مانده است.

باشد گان محل میگویند: جامعه جهانی و دولت "افغانستان" تا حال توانایی این را بدست نیاورده اند که تنها این سوراخ را پت نمایند چی اینکه سرک را بسته کنند.

بعضی از قسمت های این منارهای پنج گانه ی هم قد، که در حدود ۱۰۰ فوت از سطح زمین بلند هستند، در قدم نخست سبزه تارک و آبی تیز رنگ آمیزی شده بودند، اما با گذشت زمان، نور آفتاب این رنگ ها را محو نمود و حالا همه این منارها رنگ مشابه به دشت های را که در آن ایستاده اند به خود گرفته است.

میراث جهانی: گرچه اداره حفظ ابدات تاریخی سازمان ملل متحد و دولت "افغانستان" ظاهراً در تلاش دریافت راه های هستند که به اساس آن جاده عبوری از میان منارها را مسدود نمایند، لیکن این جاده یکی از راه های مهم و وصل کننده این شهر به خاک ایران است.

همه روزه کاروان های بازرگانان و مسافری که قصد سفر به "ایران" را دارند با پیچیدن کمتر از دو ساعت از همین جاده عبور نموده و به نقطه مرزی "ایران" میرسند و هم چنان بر عکس آن. صدها ساختمان مفسن و چندین طبقه ی در شهر "هرات" آباد شده است که این خلاف قوانین یونسکو میباشد.

به اساس این قانون بلند ترین ساختمان شهر کهنه "هرات" باید از هفت متر تجاوز ننماید. اما در نزدیکی این منارها ساختمان نیم کاره ی به چشم میخورد که حدود ۲۰ فیصد آن تکمیل شده است و همین حالا بیش از ۷ متر قد دارد.

منارهای تاریخی "هرات" سه دهه جنگ را سپری نمودند، اما حالا ازدهم ترافیک بیم آن را به وجود آورده است که مبادا این سرمایه تاریخی "افغانستان" روزی مانده مجسمه های "بودا" از دست رود.

پنج مناره "هرات"، در فضای غبار آلود آهسته آهسته تکان میخورند و فرارسیدن زمانی هم دور از تصور نیست که، این پنج یکی پی دیگر واژگون شوند.

این منارها، بقایای زمانی است که آن راتمدن اسلامی مینامند و وقتی هم در مسیر راه ابریشم در غرب "افغانستان" یکی از نقاط مشهور به شمار میرفتند که اکثر کاروان های بازرگانان هنگام مسافرت از شرق به غرب و برعکس آن در همین جا برای مدت توقف مینمودند.

اندکی بیش از یک قرن پیش، دها اثر تاریخی مانند منارهای ولایت "هرات"، مدارس و مساجد که حالا تنها ویرانه های آن باقی مانده است، توسط سنوبی (خانم پسر ی) "تیمور لنگ" امپراتور مغل اعمار شدند.

جنگ ها، و حالا آنچه عدم توجه ی مسئولین خوانده میشود، این مناره های شتری رنگ را که در صحرا در غرب هرات موقیعت دارند، شدیداً متضرر ساخته است و بیم نابودی آن از تصور بعید نیست.

جنگ نه، سرانجام

موترها منارهای

هرات را ویران می

کنند!

منبع رویت: تهیه و تنظیم میرویس جلالزی پنج شنبه ۱۶ اوت ۲۰۰۷



Tajikistan

tajikistan@persianweekly.co.uk



آشنا

فروغ فرخزاد در تاجیکستان

نورعلی نورزاد، پژوهشگر تاجیک

ورود شعر و اندیشه فروغ به پهنه شعر تاجیکستان در دهه هفتاد و هشتاد قرن بیست اتفاق افتاد. با نشر مجموعه تولدی دیگر نه تنها در محیط ادبی، بلکه در جامعه تاجیکستان بخصوص میان نسل جوان، ترکشی (انفجاری) از احساس و تفکر و عشق رخ داد. شعر فروغ وسیله کشف رازهای قلبی، بازتاب احساسات فردی، افاده درد عشق، اظهار صدای اندرونی ناگفته جوانان تاجیک گردید. جوانان با شعر فروغ زندگی می کردند، عشق می ورزیدند، خالیگاه سرد و سکوت زندگی تنهای خویش را پر کرده، اندوههاشان را با هم قسمت می کردند. شاید دیگر از آن روزگار به بعد هم شاعری نتوانست به اندازه فروغ میان جوانان تاجیک محبوبیت یابد. هرچند بعدها شعر سهراب سپهری توانست میان ادیبان کشور غلغله هایی در مسیر تجدید تفکر و نوگرایی بیفکند.

این تجلی روحی و فکری فروغ، با آن حجم و مساحت فراگیر، نمی توانست در روح شعر معاصر تاجیکی، خاصه شعر بانوان، بی تاثیر باشد. تامل و تحقیق در شعر امروز تاجیک، اشعاری را نشان می دهد که در آن ها به شعر فروغ یا اندیشه وی اشارت می شود.

فرزانه، شاعر شهرت یار تاجیک، که بی شک از پیشگامان ادبیات امروز فارسی شناخته شده است، با اعتقاد و اخلاصی تمام به دنبال فروغ سخن به زبان می آورد و این شعر خود را، که نامه تبریک عنوان دارد، استقبالیه ای از شعر ای هفت سالگی فروغ می داند و در آغاز شعر به این اشاره هم کرده:

شاهانه عزیز!

این صبح شهرور (شهریور) به قدم تو آفتاب،
گلدسته ای ز خورشید انوار بسته است.بر آستانه ای، که قدم مینهی ببین،
طرح عزیز کودکی من نشسته است.امروز من از آینه می پرسم،
تصویر هفت سالگی ام کجاست؟

ادیب، شاعر دیگری از خجند نیز از فروغ تاثیر پذیرفته است. روح عصیانگرانه ای که در شعر ادیبه موج می زند و خواهش او برای شکستن قفلهای زندان خموشی، نوعی ارتباط را با شعر و اندیشه فروغ ایجاد می کند. فروغ هم بیشتر از زندان و ظلمات سخن به زبان می آورد و سیمای خود را به مثابه زن نشسته در آستانه فصلی سرد معرفی می کند. مفاهیمی که مفسر واژه تنهایی است - تنهایی یک زن پر از بار اندوه و غربت غم و هجران. در شعر ادیبه هم همین تاریکی سرد، شب و تنهایی دوست داشته ترین واژه هاین:

شب تنهایی من،

شب تاریکتر از خانه ارواح دوصدساله.

و کسی نیست به یاد غم بیچاره دلم.

ادیبه وقتی به این شب تنهایی پر از اندوه سلام می دهد و به استقبال آن می

رود، این سلام و این پیام هم فروغانه است:

سلام، ای کوچه لاجورد شب.

هزاران صورت اندوه تنهایی.

در کته یاسهای خود فرو رفتن و شب را در مسیر شعری اندوه تفسیر کردن و سر انجام شعرا به خدمت دردهای تنهایی خویش گرفتن، که از شعر فروغ منشا می گیرد، در اشعار گلناز، شاعر دیگر تاجیک، هم جایگاه خود را یافته است. و هم او نیز در تفسیر این حالات خویش سروده:

حالت بی بازگشت نگاهم

گم شدن در چشمهایش بود،

زمانی.



فروغ می گوید:

زندگی شاید

یک خیابان دراز است، که هر روز زنی

با زنبیلی از آن می گذرد

زندگی شاید

ریسمانیست، که مردی با آن

خود را از شاخه می آویزد.

زندگی شاید طفلی است، که از مدرسه برمی گردد.

فرزانه در چندین مورد این شیوه تفسیر فروغ را ادامه می دهد و از آن به

دیدگاه خاص خود می رسد و گاهی زندگی را به عنوان یک مصوری بی مایه

تفسیر می کند و گاهی دیگر یک آینه محو دویی (دوکانگی) می داند:

زندگی چیست؟ یک مصور بی مایه،

که کسی معنی او را نتواند دریافت.

من چه سان به این مجرا پیوندم.

زندگی چیست؟

آینه ای است محو دویی:

یک طرفش روشن: یعنی صبح،

یعنی تراوش رنگ، یعنی حضور شادی.

دیگر طرفش تاریک: یعنی شب، یعنی هجوم وهم، یعنی تجاوز یاس.

در مجموع، این نمونه ها گویای حضور فروغ در شعر تاجیک است. و می

توان گفت که نقش فروغ در پدید آمدن یک مکتب نیرومند شعر بانوان تاجیک در

پایان سده بیست و آغاز سده بیست و یک به روشنی محسوس است.

لحظه زیبایی شبها - دختری با نام تنهایی.

یا در مورد دیگر تفسیری دیگرگونه دارد:

آه، این شب شب نیست،

روز غمهای من است.

گلناز در تنهایی خود می زند و شیهای هجران اندوه آلودش را به استقبال

حضور آفتاب صبح قربان می کند و از زاویه احساس و معرفت فردی خود

حرف می زند. با وجود این، میان احساس و شناخت گلناز و شعر فروغ

شباهتهایی می توان یافت.

از سوی دیگر شهناز - شاعره دیگر تاجیک، برف را در ذهن خود تفسیر میکند

و می گوید:

برف چیست؟

واژه هایی

است، که از ابر دلم می بارد.

که یادآور این مصرعهای فروغ است:

موسسید آخر شدی، ای برف،

بر سرانجام نباریدی.

در دلم باریدی، ای افسوس

بر سر گورم نباریدی.

در شعر فروغ ما با شیوه های خاصی از بیان رو به رو می شویم، که در ضمن

آنها ویژگیهای معین سبک شاعر، روش تفسیر عواطف روحی و حاصل شناخت

و برداشت ارائه می شود. مثلا، یکی از این پدیده ها، دیدگاه ویژه فروغ در

تفسیر زندگی است. شاید کمتر کسی از شاعران دیروز و امروز را بتوان پیدا

کرد که با توجه به درد و احساسهای خود از زندگی تفسیر خاصی نداشته باشند.

و شیوه تفسیر فروغ از زندگی بر بیشتر بانوان شاعر تاجیک اثر گذاشته است.

Фарҳанги Тоҷики

فرهنگ دو جلدی «اصطلاحات و تعابیر تاجیکی» به کوشش محسن شجاعی در بیش از دو هزار صفحه، به زودی توسط نشر فرهنگ معاصر منتشر می شود

برای اولین بار فرهنگ دو جلدی «اصطلاحات و تعابیر تاجیکی» به کوشش محسن شجاعی، در بیش از دو هزار صفحه، به زودی توسط نشر فرهنگ معاصر منتشر می شود

شجاعی مدیر پروژه فرهنگ تاجیکی درباره ویژگی های این فرهنگ به خبرنگار فرهنگ و ادب مهر، گفت: این کار از سال ۱۳۷۷ آغاز شده است فرهنگ تاجیکی بر اساس نسخه منتشر شده در سال ۱۹۶۹ در مسکو، در ایران منتشر می شود

به گزارش مهر، این فرهنگ نخستین بار به کوشش پژوهشگاه رودکی وابسته به فرهنگستان زبان و ادب فارسی تاجیکستان منتشر شد

شجاعی با تاکید بر این نکته که زبان فارسی و تاجیکی هیچ تفاوتی با هم ندارند، گفت: خود تاجیک ها هم بر این نکته تاکید دارند که هیچ تفاوتی بین زبان تاجیکی و فارسی وجود ندارد و هر منظور از زبان تاجیکی در ممالک روسیه همان زبان فارسی است

وی درباره این فرهنگ افزود: ما این فرهنگ را از خط «سیرلیک» (روسی) به خط فارسی (عربی) برگردانده ایم و تمام تلاشمان را کرده ایم که خواننده فارسی زبان امروزی بهتر بتواند با لغات و تعابیر مصطلح در زبان فارسی - تاجیکی آشنا شود

شجاعی در عین حال تصریح کرد: در فرهنگی که به زودی منتشر خواهد شد لغات و اصطلاحات امروزی زبان تاجیکی وجود ندارد و این فرهنگ آن طور که روی جلد آن هم نوشته شده است، اصطلاحات رایج در بین سده های ۱۰ تا ۲۰ میلادی و معادل قرن سوم تا سیزدهم هجری وجود دارد

وی در توضیح این مطلب افزود: در مداخلی که در این فرهنگ وجود دارد لغات جدید و معاصر موجود در زبان تاجیکی یافت نمی شود، ولی در تعاریبی که برای این لغات نوشته شده است از تعابیر معاصر و جدید تر در زبان تاجیکی دیده می شود که ما در زمان آماده سازی این فرهنگ برخی از این اصطلاحات را که برای خواننده امروزی مشکل بوده به صورت معادل های فارسی آورده ایم

شجاعی درباره برخی از این اصطلاحات گفت: به عنوان مثال اصطلاحی مانند «پره» در زبان فارسی معادل کامل و کلمه ای مانند «دبرقه» در تاجیکستان به عنوان معادل زمخت در زبان فارسی (ایرانی) به کار برده می شود

به گزارش مهر، در ابتدای این کتاب گفت و گوی مفصلی با یکی از پژوهشگران معاصر تاجیکستان درباره سابقه نگارش این فرهنگ و اطلاعات کاملی در معرفی این فرهنگ، آورده شده است

گفتنی است، دکتر برجیان معرفی مفصلی درباره این فرهنگ در یکی از مجلدات دائرة المعارف «ایرانیکا»، چاپ آمریکا نوشته است

فرهنگ اصطلاحات تاجیکی در ایران



(PUBLIC DOMA)



Azerbaijan

azari@persianweekly.co.uk

گذری بر فرهنگ و ادبیات آذربایجان

زبان [ترکی] آذربایجانی

زبان امروزی آذربایجان، که در گروه بندی زبانها و کتب دایره المعارف از آن به اختلاف به نام آذربایجانی، زبان آذری و ترکی آذری نام می برند، به زبانی اطلاق می شود، که امروزه اکثریت بزرگ سکنه محدوده ای که از نظر جغرافیائی نام آذربایجان بر خود دارد، به طور عموم و اقوام و عشایر و واحد های پراکنده ای به فواصل دور و نزدیک از این خطه جغرافیائی، به آن تکلم می کنند. و احساسها و اندیشه ها و مقاصد خود را در قالب الفاظ و کلمات آن می ریزند. این زبان، در داخل مرزهای ایران زبان محاوره اکثریت ساکنان منطقه شمالغربی کشور (آذربایجان و خمسه) و طوایف و گروههای مختلفی در سراسر ایران است.

زبان کنونی آذربایجان، از نظر منشا و پیوستگی تاریخی، از زبانهای منشعب از شاخه ترکی زبانهای آلتائیک است که موطن اصلی آن در ادوار تاریخی، نخست جلگه های وسیع آسیای مرکزی و سواحل ینی سئی بوده و بعداً، در طول اعصار و قرون، در نتیجه مهاجرت و اسکان قبائل و اقوام ترک زبان گسترش یافته و دامنه آن از یک طرف تا سوریه و بین النهرین و از طرف دیگر تا شبه جزیره بالکان کشانده شده و زبان تکلم و کتابت ملل و اقوام مختلف گشته است.

جریان استقرار و رواج ترکی آذری در آذربایجان، از دیرباز موجب گفتگوها و مباحث گوناگون گشته و عقاید مختلف و غالباً متناقض در این باره اظهار شده است. ولی آنچه که در میان این همه گفتگوها و نظر پردازیهایی ضدونقیض، محروم و بی گفتگوست، این است که به دلیل هر تقدیر تاریخی که بوده این زبان اکنون قرنهایست که زبان دل و قالب اندیشه و احساس مردم این دیار است.

زبان [ترکی] آذربایجانی، که در گروه بندی امروزی زبانهای ترکی جزو زبانهای گروه جنوب غربی محسوب می شود، در عین حال که در اساس از زبان عشیره اوغوز منشعب گشته است، در سیر تاریخی خود به اقتضای موقعیت جغرافیائی این خطه، از یک طرف با عنا صر دیگر زبان ترکی قدیم و

درجه اول با زبان قیپچاق، که به وسیله قبایل ترک زبان به این نواحی منتقل می شده الفت یافته و از طرف دیگر با زبانهای فارسی و کردی در جنوب و مغرب و زبانهای گرجی و ارمنی و روسی در شمال و شمال غربی مجاورت و آمیزش پیدا کرده است.

با اینکه این الفت و آمیزش، موجب تاثیر لفظی متقابل این زبانها در همدیگر گردیده با اینهمه زبان [ترکی] آذری مانند هر زبان زنده دیگر، سیر تکاملی خود را بر اساس مشخصات ذاتی ویژه خود ادامه داده و ضمن اینکه زبان ادبی آن در ادوار مختلف، به علل تاریخی، تحت تاثیر و جاذبه زبان فارسی و

مجرای زبان فارسی در معرض نفوذ لغات و کلمات عربی قرار گرفته و از این رهگذر مقدار نسبتاً زیادی

لغات مانوس و نا مانوس فارسی و عربی در زبان ادبی آن را یافته، معهذاً سیر تکاملی زبان در اساس بر طبق مشخصات ذاتی آن دوام داشته و علاوه بر میراث ادبی کلاسیک، ادبیات فلکلوریک غنی و سرشاری از خود به جا گذاشته که یکی از شکوفاترین ادبیات فلکلوریک بوده تاثیر آن در ادبیات خلق اقوام و ملل همجوار مشهود و نمایان است.

دورنمای کلی و اجمالی فوق ایجاب می کند قبل از طرح مباحث اصلی گرامر زبان آذربایجان به نکات و مسائل عمومی چندی به اختصار اشاره شود. اشاره به این نکات به آنجهت مفید و ضروری به نظر می رسد که افق دید ما را برای بررسی مباحث اصلی آماده تر خواهد ساخت.

این مسائل عبارتند از: - زبان یک عامل اجتماعی تحول پذیر - زبان گفتار و نگارش - زبان و کلمات بیگانه - درباره ویژگیهای عمومی زبانهای ترکی.

آی اوشاقلار صمد عمی گلمه دی

خواننده "آی بچه ها عمو صمد(بهرنگی)



نیامد "شصت ساله شد

بزرگداشت هنرمندان و خلاقان آثار مردمی در دوران حیاتشان یک روش زیبا و حرکت شایسته ای است. هنرمندان معروف به موسیقی "عاشقی" در آذربایجان دهه هاست که همواره در زنده کردن هنر فولکلوریک و فرهنگ شفاهی مردم پیشگام بوده اند. عاشقان آذربایجان همواره در مجالس جشن و شادی مردم به طور بی پیرایه شرکت داشته و با حضوری صمیمانه و مردمی روح و روان مردم را نواخته اند.

این عزیزان که مردم همواره دوستشان داشته اند؛ فرهنگ و زبان ترکی مردم غیرتمند آذربایجان را ترنم کرده و از سینه های جوشان خویش متن حرکت زمان را از نظر فرم و محتوا بازتاب داده اند. استاد عاشق حسن اسکندری یکی از

این هنرمندانی است که دهه ها سیمهای سازش با زندگی و حیات مردم شهر و روستا کوک شده است. پس از فاجعه فقدان معلم شهیر روستاهای تبریز؛ صمد بهرنگی، عاشق حسن نیز با سازش خاطره این فرزند چرنداب تبریز را جاودانه کرد. اینک دستداران این هنر پر آوازه موسیقی عاشقی در پی بزرگداشت این هنرمند که آوازه شهرتش در ورای مرزهای ایران نیز در میان دستداران موسیقی آذربایجان پیچیده هستند. هنرمندی که، به واقع مردمی است و همواره به دور از پیچ و خم بوروکراسی و مجیز گوئی زورمندان، فریادگر صلح، اومانیزم و بهروری مردم کوچه و بازار بوده است. دستداران موسیقی عاشقی بر آند شصت سالگی این هنرمند را که به معنای واقعی کلمه جایگاهش آغوش مردم بوده جشن بگیرند و از هنرمند خویش در حال حیاتش قدردانی نمایند. عاشق حسن اسکندری هر چند با آثارش همیشه در دل مردم آذربایجان زنده خواهد ماند، هنرمندی که حیدر بابای شهریار را نیز در دوبیتیهای خود ترنم کرده است، با این حال بزرگداشت یک هنرمند مردمی توسط خود مردم پیام قدرتمندی در جامعه دارد. چرا که در غیاب هر گونه حمایت رسمی از هنرمندان مردمی این خود هنردوستان هستند که گام به جلو می گذارند و با دستان خالی خادمان موسیقی و هنر را ارج می نهند. عاشق حسن اسکندری از زمره همین هنرمندان است.

تاریخ باستانی آذربایجان

تاریخ باستانی آذربایجان با تاریخ قوم ماد درآمیخته است. قوم ماد پس از مهاجرت به ایران آرام آرام قسمتهای غربی ایران از جمله آذربایجان را تصرف کرد. مقارن این ایام دولتهائی در اطراف آذربایجان وجود داشت که از آن جمله میتوان به دولت آشور در شمال بینالنهرین، دولت هیتی در آسیای صغیر، دولت اورارتو در نواحی شمال و شمال غرب، اقوام کادوسی در شرق و کاسیها در حوالی کوههای زاگرس اشاره کرد. بعد از تأسیس دولت ماد، آذربایجان به ماد کوچک (در مقابل ماد بزرگ) معروف شد و مشتمل بر شهرهای قدیمی همدان، ری، اصفهان و کرمانشاه بود. بهعیارت دیگر ولایاتی که در قرون اولیه اسلامی به ناحیه جبال و بعدها به عراق عجم معروف بودند را دربرمیگرفت.

بعد از غلبه اسکندر مقدونی به ایران، سرداری بهنام آتورپات در آذربایگان ظهور کرد و از اشغال توسط یونانیان ممانعت بهعمل آورد. از آن به بعد این سرزمین بهنام آتورپاتکان معروف شد. آتورپات به پادشاهی رسید و آن ناحیه را مستقل اعلام نمود.

در طول دوره حکومت سلوکیها، ناحیه آتورپاتکان همچنان مستقل ماند و یونانیان و جانشینان اسکندر نتوانستند آداب و رسوم و تمدن یونانی را در آن محل اشاعه دهند. آذربایجان در این زمان پناهگاه زردشیان و تکیهگاه ایرانیان در مقابل یونانیت شد.

حکومت جانشینان آتورپات در آذربایجان در زمان اشکانیان نیز ادامه یافت و این منطقه توانست کماکان استقلال خود را حفظ کند. سرانجام اردشیر بابکان مؤسس سلسله ساسانی بر حکمرانان آذربایجان استیلاء یافت. از این تاریخ این منطقه استقلال خود را از دست داد. در دوره ساسانی معمولاً یکی از مرزبانان را به حکومت آذربایجان میگماردند. در اواخر آن دوره حکومت آذربایجان در دست خاندان "قرخ هرمزد" بود و پایتخت آن "شیز" یا "گنژب" نام داشت که مطابق با ویرانههای لیلان در جنوبشرقی دریایچه ارومیه گزارش شده است.

پس از فتح آذربایجان بهدست اعراب، قبایل عرب از بصره و کوفه و شام و یمن برای سکونت به آنجا روی آوردند و با خرید زمینهای وسیع، کشاورزی را گسترش داده و افراد بومی را رعیت خود ساختند. امری عرب برای حفظ زمینهای خود و احتمالاً برای حفظ رعایای مسلمان خود از حملات دیگر مردم آذربایجان که به اسلام نگرویده بودند، باروهائی در اطراف املاک وسیع خود میکشیدند که بهتدریج داخل این باورها بهصورت شهرهای نسبتاً مهم درآمد.

در سال ۱۹۸ هجری که مأمون هنوز در خراسان بود و "حسن بن سهل" را به عراق فرستاده بود، عدهای از امرای عرب در آذربایجان دعوی استقلال داشتند. بابک خرمدین از ضعف خلافت مرکزی و دوری مأمون از بغداد استفاده کرد و قسمتها مهمی از شمالشرقی آذربایجان را در اختیار گرفت. پس از قیام بابک، سلطه دستگاه خلافت بر آذربایجان ضعیف شد.

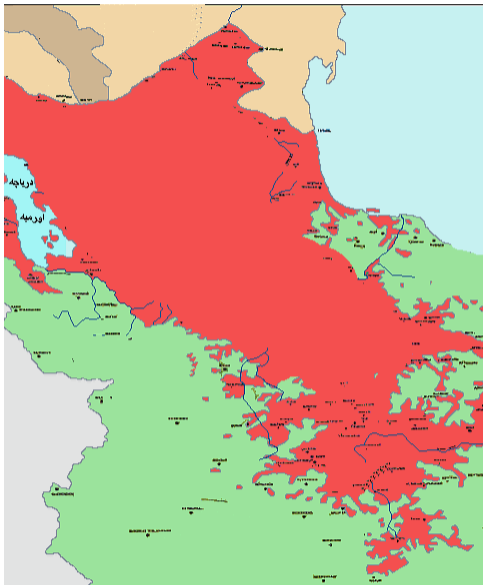
سلسلههای ایرانی بعد از اسلام مانند طاهریان، صفاریان، سامانیان و غزنویان که از شرق ایران برخاستند و حکومتهای مستقلی تشکیل دادند هیچگاه نتوانستند قلمرو خود را به آذربایجان برسانند. در این مدت که از سال ۲۰۵ هجری قمری (تأسیس سلسله طاهریان) شروع و تا سال ۴۲۹ هـ ق (آغاز حکومت سلجوقیان) ادامه مییابد، حکومتهای محلی متعددی قدرت را در آذربایجان بهدست گرفتند.

آخرین حکام مقتدر این ایالت، ساجیان (۳۱۷-۳۷۶ هـ ق) بودند که آنها نیز خود عاقبت بر ضد خلفا قیام کردند. پس از سقوط ساجیان، سلسلههای محلی دیگری در آذربایجان به قدرت رسیدند که روادیان از آن جمله بودند. در دوران حکومت ساجیان (بنیاسج) و حکومت بعد از آن حکمرانانی در قسمت شمالی رود ارس به حکام آذربایجان خراج میدادند که از معروفترین آنها شیروانشاهان، خداوندان شکی، حکام گرجستان، روادیان و حکام ارمنستان بودند. در آغاز قرن پنج هجری (یازدهم میلادی) ترکان غز به فرماندهی سلجوقیان، نخست با دستهای کوچک و سپس به تعداد بیشتر، آذربایجان را به تصرف درآوردند. در نتیجه اهالی ایرانی و نواحی مجاور ماوراء قفقاز، حکومت ترکان را کردن گذاشتند.

در ۵۳۱ هجری (۱۱۳۶ میلادی) آذربایجان به دست

"اتابک ایلدگز" (الدگوز) افتاد که تا حمله کمداوم جلالالدین خوارزمشاه (۳۱-۱۲۲۵ م، ۲۸-۶۲۲ هـ ق) وی و اولادش بر آذربایجان حکومت کردند.

با حمله مغولان و ورود هلاکوخان ایلیخان (۱۲۵۶ م، ۶۵۴



هـ ق)، آذربایجان مرکز شاهنشاهی بزرگی شد که از آموی تا شام امتداد داشت.

پس از ضعف ایلیخانان مغو، در آذربایجان امرای مستقل حکومت یافتند. از آن جمله میتوان به جلایریان، چوپانیان و ترکمانان اشاره کرد که در قسمتی از این منطقه حکامی مستقل شدند.

پس از تصرف آذربایجان بهدست شاه اسماعیل اول صفوی (۱۵۰۲ م، ۹۰۷ هـ ق) آذربایجان سنگرگاه اصلی و مرکز عمده گردآوری قوای نظامی برای شاهان صفوی شد. در زمان صفویه آذربایجان محل جنگهای خونینی میان سپاهیان ایران و عثمانی شد و عثمانیان بارها تبریز را به تصرف خود درآوردند.

پس از سقوط دولت صفویه، در دورههای که ایران عملاً میان روس و عثمانی و اشرف افغان تقسیم شده بود، آذربایجان در دست دولت عثمانی ماند، ولی دیری نپائید که نادرشاه آن را از تصرف دولت عثمانی بیرون آورد و در صحرای مغان تاجگذاری کرد.

کریمخان زند در سال ۱۱۷۵ هجری (۱۷۵۵ میلادی) آذربایجان را از دست خاندان محلی که پس از مرگ پادشاه قیام کرده بودند، باز پس گرفت، اما پس از مرگ او باز خوانین محلی سر برآوردند، تا اینکه آغامحمدخان قاجار در سال ۱۲۰۵ هجری (۱۷۸۵ میلادی) موفق شد که آذربایجان را کاملاً مطیع کند.

پس از ۱۲۸۴ شمسی (۱۹۰۵ م - ۱۳۲۵ هـ) مردم آذربایجان سهم مؤثری در انقلاب مشروطیت ایران داشتند. پس از تهران، تبریز دارای مهمترین نقش در پیروزی انقلاب مشروطیت بود که قسمت غربی آذربایجان را نیز به نوعی تحتتأثیر قرار داده بود. با اشغال آذربایجان از طرف روسها، آثار انقلاب مشروطیت در آن موقتا از میان رفت. این هجوم با همپیمانی دولت انگلیس به بهانه حفاظت از اقلیتهای خارجی مقیم آذربایجان (بهویژه تبریز) در سال ۱۹۰۸ میلادی (۱۲۸۷ ش - ۱۳۲۸ هـ) انجام گرفت.

با آغاز جنگ اول جهانی آذربایجان مورد تهاجم نیروهای روسیه و عثمانی قرار گرفت. پس از انقلاب اکتبر روسیه (۱۹۱۷ میلادی) روسها آذربایجان را تخلیه کردند و ترکان عثمانی در تبریز حکومتی دستنشانده مستقر ساختند. پس از شکست آلمان و متحدش عثمانی (در جنگ اول جهانی) آذربایجان و سراسر ایران به دست انگلیسیها افتاد.

رضاخان در سال ۱۳۰۰ شمسی دوباره حکومت ایران را برقرار کرد. به دنبال شروع جنگ دوم جهانی در سال ۱۳۲۰ شمسی نیروهای شوروی وار ولایات شمالی ایران از جمله آذربایجان شدند. این نیروها در آغاز ماه مه ۱۹۴۶ میلادی، (اردیبهشت ۱۳۲۵) به دنبال طرح مسئله آذربایجان (حکومت داخلی آذربایجان به رهبری سید جعفر پیشهوری) در سازمان ملل متحد که به نخستین شکاف رسمی بین متفقین منجر شد، آذربایجان را تخلیه کردند.



info@persianweekly.co.uk



Persian Weekly Newspaper

We are a group of interested individuals who would like to educate the Iranian community about life in the UK in order to help them integrate into their new country of residence through culture, art, entertainment, articles and personal stories and also the purpose of our weekly newspaper is to promote the fascination of Iranian culture by exposing the audience to rich traditions in Persian celebrations, literature, cinema, art, poetry, music, and cooking. In addition, we want to provide a common website for more than 3 million Iranian professionals outside Iran. Persian weekly is a non-political, non-religious newspaper that encourages anyone who is interested in Persian culture to contribute with the Persian Weekly Newspaper. You can also contribute through your article, opinion, photographs and any other ideas you might have.

Editor-in-Chief: Abbas Najafi

Advertising & Finance Director: J. Totoonchi

Designers: Alireza Ryahi, Abbas

Web/It Manager: Behzad Rahigh

Writers: Dr Ara, Mrs Garon, Mrs Taraneh, Mr M.Gholizadeh, Armia, Ash Groups, Afsaneh Jangjou,

Website: www.persianweekly.co.uk
Email: info@persianweekly.co.uk

Printed By: Web Print

Special Thanks to:

NUJ National Union Journalist,
Mr Radman, Magic of Persia, Mr Sadr

Lord Business Centre
2 Floor Unit 20
665 North Circular Road
London NW2 7AX

Tel: 020 8453 7350
Fax: 020 8453 7351

DON'T FORGET

Help to keep public area clean and tidy for everyone by taking your copy of Persian Weekly Newspaper with you, when you leave.

POETRY IN PERSIAN



One of the most noble forms of literature is poetry. Over the centuries Persian and non-Persian poets have written their poems in the Persian language, Farsi, and its variations. Even though the Farsi language has changed over time the ancient poems are still readable.

Moulana (Rumi) was born in Balkh (Afghanistan) and was raised in Kona (Turkey). Nezami Ganjavi was from Ganja Azerbaijan. We do not attempt to provide the entire history of each Persian and non-Persian poet, you can search google.com or yahoo.com for more information on each poet.

Iranians highly value their poets who kept their culture and language alive even during numerous invasions. Persian poetry is as ancient as Avesta (the holy book of Zoroastrians) where first form of poetry is documented.

Persian and non-Persian poets express their creativity in different forms and styles. The earliest poetry was of two types. One was the ballad and the other was the epic. The ballad later developed into different forms such as lyric, hymn, satire and panegyric.

The epic poem is an enlarged ballad. Therefore, the origin of all poetry is in the ballad although no records have remained from these primitive ballads.

Persian songs goes back to 3000 BC to the time of king Jamshid. Xenophon wrote about songs that were sung when Cyrus the Great was still a boy. The halls of the Achaemenian palace at Persepolis echoed with the poetic singing of the tale of the romantic love of Zariadres and Odatis. (Persian history)

The history of poetry and song during the time of Parthian rule is unrecorded. However, Sassanian culture cherished poetic art.

The Arab conquest influenced the Persian vocabulary causing an even smoother poetic verse. Poetry, nursed for 200 years by the care of three dynasties (Tahirid, Saffarid, Samanid). Therefore, it was during ninth century when the new form of Persian poetry began which is found today.

Persian language stands apart among all Eastern languages in poetry. Persian language is soft and expressive. There are many options for Persian poets in use of words because there are many meanings to one word and many ways to express one's thought. That is why Persian poetry and language are rich in expression.

One of the early forms of poetry was qasida in royal courts. Qasida are poems of more than 100 couplets that do not rhyme. Anvari was one of the poets who used qasida.

Ghazal from about 12th century is another form of lyric. Ghazal poems were a much shorter form, 10 couplets that do not rhyme and mainly used to express love, both human or mystic. Hafez and Saadi mastered this form



of poetry.

Rubai and dobaty are both four lines poems which are distinguished from each other by their rhythm. They may express mystical, romantic or philosophical themes. Omar Khayam is one of the pioneers in writing Rubai and his books are translated into many languages.

Masnavi with its unique rhyming couplets was utilized for epic poems. Avesta included epic poetry. Ferdosi wrote the Shahnameh or 'Book Of Kings,' which is a finished form of epic poetry with 50,000 couplets. The narrative form of masnavi was used by Nizami. Masnavi was also used by the mystic poets Farid od Din Attar who wrote The Conference of The Birds and Jalaluddin Rumi who wrote the

Hundred Columns

The Hundred Columns Palace derives its name from its vast number of columns. The Hall of One Hundred Columns measures 70 by 70 meters, and lies northeast of Xrekes Central Palace. When it was excavated in 1878, this hall was buried under 3 meters of soil and cedar ash. The entire place, which was built on 4,700 square meters of land originally contained hundred 14-meter long columns, constructed in ten rows. A narrow passageway encompassed the One Hundred Columns Palace and accessed it by means of two stones portals. The Portico, which was located on the northern flank, initially had sixteen columns, Only one remains standing. If we add these sixteen pillars to those within the palace, the structure once contained a staggering total of 116 the northern entrance was decorated with figures inspired.

The northeastern gateway consists of a pair, each contains eight piece of stones, the one on top carved with identical pictures of special cow protecting the Emblem "Far-e-Vahar" in two rows. The second stone from top shows the sitting king and the master of ceremonies stands before him. Behind the king, stands an attendant with a fan in one hand which he holds above the kings head and a towel in his other hand. Next to him is the kings keeper of arms.

Five other stones below have half facade of Persian and Median soldiers equipped with bows, arrows and shields, the other half of the soldiers are on the other side of the gateway, showing the left half of the individuals. It means if both sides of the gateway put back to back full body of a soldier/individual is shown, this means the visitor walking between line of soldiers while going through the gateway!. Each stone has ten soldiers, therefore total of soldiers combined is hundred. 100 Soldiers for Hundred Columns or each column represent one soldier. This can interpreted to the formation of Achaemenid Army patoon ten by ten soldiers. The bottom stone has no curving on.



انواع طراحی وب سایت
تبلیغات و گرافیک

Media of Persia ...

020 8453 7350

www.persianweekly.co.uk



صرافی قائم
خدمات ارزی و بازرگانی (قائم)
بهترین نرخ و کمترین زمان
079 4949 4981
020 8349 3975

21 Sep 2007 12 th Issue

شهرزاد

بار دیگر سلطان قلبها

عارف

خواننده دوست داشتنی شما میهمان شهرزاد خواهد بود



دو شب فراموش نشدنی و خاطره انگیز جمعه 21 و شنبه 22 سپتامبر 2007

لطفا جهت اطلاع بیشتر و رزرو جا با
شماره تلفن 020 7371 1919 تماس حاصل فرمائید

346 Kensington High Street, London W14 8NS
www.shahrzadeh.co.uk - info@shahrzadeh.co.uk